

اطلس نژادهای گوسفندها و بزهای ایران و جهان

همراه CD تصاویر
رنگی نژادها



مولفین:

مهندس سید محمد مهدی حاجی سیدجوادی
مهندس سید محمدعلی حاجی سید جوادی - مهندس مجید عباسی
و دکتر محمد اقبالی

زیر نظر: دکتر علی نصیریان - مهندس مرتضی پشیمی

(مدرس دانشگاه آزاد اسلامی واحد ابهر)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

اطلس نژادهای گوسفنده و بزهای ایران و جهان

مولفین:

مهندس سید محمد مهدی حاجی سید جوادی

مهندس سید محمد علی حاجی سید جوادی

مهندس مجید عباسی

9

دکتر محمد اقبالی

زیر نظر:

دکتر علی نصیریان

دستیار دوره‌ی تخصصی جراحی دامپزشکی
(دانشکده‌ی دامپزشکی واحد علوم و تحقیقات دانشگاه آزاد اسلامی)

مهندس مرتضی پشیمی

(مدرس دانشگاه آزاد اسلامی واحد ابهر)

۱۳۸۸

فهرست مطالب

پیشگفتار

۱ فصل اول: مقدمه
۲ جایگاه گوسفند در رده بندی جانوران
۱۶ جایگاه بز در رده بندی جانوران
۲۱ فصل دوم: نژاد های گوسفند
۲۲ نژاد افشاری Afshari
۲۵ نژاد آمریکن مرینو American Merino
۲۷ نژاد عربی Arabi
۲۸ نژاد آواسی Awassi
۳۱ نژاد بوسکا Bovska
۳۳ نژاد برک ناک Brecknock
۳۴ نژاد بلک ولش مانتین Black Welsh Mountain
۳۵ نژاد باربادوس بلک بلی Barbados Black Belly
۳۶ نژاد بلوچی Baluchi
۳۹ گوسفند بهمئی Bahmei
۴۰ نژاد کالیفرنیا وریجیتد موتانت California Variegated Mutant
۴۱ نژاد کسل میلک موریت Castle Milk Moorit
۴۲ نژاد کلان فارست Clun Forest
۴۴ نژاد کورمو Cormo
۴۵ نژاد دامارا Damara
۴۶ نژاد دارتمور Dartmoor
۴۷ نژاد دالاق Dalagh
۴۸ نژاد دُرسِت Dorset
۵۰ نژاد فین شیپ Finn Sheep
۵۱ نژاد فراهانی Farahani
۵۲ نژاد فشنندی Fashandi
۵۴ نژاد کیوده‌ی شیراز Gree Sheraz
۵۵ نژاد گُلف کاست نیتِیو Gulf Coast Native

۵۷	Ghezel	نژاد قزل
۵۸	Karakul	نژاد قره گل
۵۹	Haraki	نژاد هرکی
۶۱	Katadin	نژاد کاتادین
۶۲	Kerry Hill	نژاد کری هیل
۶۳	Kordi	نژاد کردی
۶۵	Kalakui	نژاد کلکویی
۶۷	Kermani	نژاد کرمانی
۶۸	Lincoln	نژاد لینکلن
۷۱	Llanwenog	نژاد لان ونوگ
۷۲	Lak Ghashghaei	نژاد لک قشقای
۷۴	Lori	نژاد لری
۷۵	Lori Bakhtiari	نژاد لری بختیاری
۷۶	Leicester	نژاد لایسیستر
۸۱	Montadale	نژاد مونتادال
۸۲	Makuei	نژاد ماکویی
۸۴	Mehrabani	نژاد مهربانی
۸۵	Moghani	نژاد مغانی
۸۷	Navajo – Churro	نژاد ناواجو کرو
۸۸	Naeini	نژاد نائینی
۹۰	Old Norwegian	نژاد آلد نروژین
۹۱	Pomeranian Coarse wool	نژاد پامرانی کورس وول
۹۳	Rambouillet	نژاد رامبویه
۹۴	Rasa Aragonesa	نژاد راسا آراگونزا
۹۵	Rhoenschaf	نژاد روئن شاف
۹۶	Rideau Arcott	نژاد ریدئو ارکوت
۹۷	Romney	نژاد رامنی
۹۹	South down	نژاد سات داون

۱۰۱ Suffolk	نژاد سافولک
۱۰۳ St.Croix	نژاد اس تی کرویکس
۱۰۴ Sangesari	نژاد سنگسری
۱۰۶ Shal	نژاد شال
۱۰۷ Sanjabi	نژاد سنجابی
۱۰۹ Turki Ghashgaii	گوسفند ترکی - قشقایی
۱۱۰ Zandi	نژاد زندی
۱۱۲ Zel	نژاد زل
۱۱۵	فصل سوم: نژاد های بز
۱۱۶ Alpines	نژاد آلباین
۱۱۷ Angora	نژاد آنقوره
۱۱۸ Arabi	نژاد عربی
۱۱۹ Boer	نژاد بوئر
۱۲۰ Bushehr	نژاد های بوشهر
۱۲۲ Khalkhali	نژاد خلخالی
۱۲۳ Lori	نژاد لری
۱۲۴ Morghoz	نژاد مُرغز
۱۲۷ Murcia- Granada	نژاد مورسیا-گرانادا
۱۲۸ Nadjdi	نژاد نجدی
۱۳۱ Naeini	نژاد نائینی
۱۳۲ Raeini	نژاد کرکی رائینی
۱۳۴ Saanen	نژاد سانن
۱۳۵ San Clemente	نژاد سن کلمنته
۱۳۶ Sistan & Baluchestan	نژاد های سیستان و بلوچستان
۱۴۰ Spanish	نژاد اسپانیایی
۱۴۱ Tali	نژاد تالی
۱۴۳ Toggenburg	نژاد توگن برگ
۱۴۴ Torki	نژاد ترکی

۱۴۵	Uzbek Black	نژاد ازبک بَلک
۱۴۶	White shorthaired goat	نژاد وایت شورت هر
۱۴۷	Yazd	بزهای یزد
۱۵۱		فهرست منابع

فصل اول

مقدمه

جایگاه گوسفند در رده بندی جانوران

Animal	جانوران	Kingdom	سلسله
Metazoa	پر سلولی ها	Sub kingdom	زیر سلسه
Chordata	طناب داران	phylum	شاخه
Vertebrata	مهره داران	Sub Phylum	زیر شاخه
Tetrapoda	چهار پایان	Super Class	فوق رده
Mammalia	پستان داران	Class	رده
Ungulata	سم داران	Sub Class	زیر رده
Artiodactyla	زوج سمان	Order	راسته
Ruminantia	نشخوار کنندگان	Sub Order	زیر راسته
Bovoidae (Hollow horned animal)	حیوانات تهی شاخ	Super Family	فوق خانواده
Bovidae	تهی شاخان	Family	خانواده

درباره‌ی اهلی شدن گوسفند عقاید بسیار متفاوتی بیان شده است. بعضی از دانشمندان عقیده دارند که گوسفند اولین حیوانی بوده که به دست انسان اهلی شده (۷ هزار سال قبل از میلاد مسیح)، در صورتی که عده‌ی دیگری اهلی شدن گوسفند و گاو را همزمان می‌دانند. آنچه که تقریباً همگی توافق دارند این است که منشاء اولیه‌ی گوسفند مناطق استپی بین دریای خزر و دریای آرال، آسیای صغیر، جنوب غربی آسیا تا هندوستان است. به نظر بعضی از دانشمندان، گوسفندان وحشی بسیاری در طبیعت وجود دارند که در دو گونه‌ی قرار دارند.

(۱) اویس آمون^۱ که در آسیای مرکزی و اروپای می زیسته و به احتمال قوی اجداد اکثر گوسفندان اهلی امروزی می باشد. در این گونه ۳۰ زیر گونه وجود دارد که تا کنون چهار گونه‌ی وحشی گوسفند به نام های موفلون^۲، اورپال^۳، آرگالی^۴ و ٹیک هورن^۵ شناسایی شده است. منشاء اصلی گوسفند اهلی امروزی را گونه های موفلون و اورپال می دانند. مشخصات چهار گونه‌ی بالا به شرح زیر می باشد:

الف) موفلون

در حال حاضر دو نوع از گله های وحشی موفلون وجود دارد که در آسیا و اروپا زندگی می کند. بر اساس برخی از نظریات گوسفندان وحشی موجود در قاره‌ی اروپا موفلون واقعی نیستند، زیرا عقیده بر این است که گوسفندان موجود در قاره‌ی اروپا در اواخر عصر میان سنگی از بین رفته اند و گوسفندانی که حدود ۶ هزار سال قبل از میلاد توسط انسان از غرب آسیا به جزایر ساردنی و کرس برده شده اند، مجدداً به صورت وحشی در آمده اند. تفاوت در پیچش شاخ دو گله و قرمز تر بودن رنگ پوست موفلون آسیایی تا حدودی این نظریه را تایید می کند.

موفلون آسیایی کوچک ترین گوسفند وحشی است که قد آن حدود ۶۵ تا ۷۰ سانتی متر و نام علمی آن اویس اورپیتال^۶ است. در حال حاضر گله هایی از این گوسفند در غرب آسیا زندگی می کنند. نام علمی موفلون اروپایی اویس موزیمون^۷ می باشد.

ب) اورپال (آرکال^۸)

گوسفند وحشی اورپال منحصر به قاره ی کهن آسیا بوده و به همین جهت به آن اورپال آسیایی^۹ می گویند. نام علمی آن اویس وینئی^{۱۰} است و امروزه به صورت وحشی در برخی از مناطق این قاره مانند ترکیه، کوهستان های شمال شرق ایران، افغانستان و غرب تبت زندگی می کند. بررسی ها نشان می دهد اورپال آسیایی منشاء گوسفندان آسیای غربی، آسیای مرکزی و آفریقا است. قد اورپال آسیایی حدود ۷۰ تا ۹۰ سانتی متر و دارای شاخ های قوی سه لایه و به صورت کمان است. بر خلاف موفلون که به زندگی در

1- Ovis Ammon

4- Argali

7- O.musimon

10- O.Vienei

2- Mufflon

5- Thick horn

8- Arkal

3- Urial

6- O.oriental

9- Asiatic urial

ارتفاعات تمایل دارد، اوربال بیشتر زندگی در دشت ها و کوهپایه ها را ترجیح می دهد و اگر امروز اوربال در کوهستان ها زندگی می کند به دلیل تغییری است که بشر امروزی در نحوه زندگی آن داده است.

بر اساس شواهد موجود تا حدود ۳۰ سال پیش گله های وحشی گوسفند و بز از کوهستان های زاگرس به دشت می آمدند و از کشت زار ها تغذیه کرده و با روشن شدن هوا در سپیده دم مجدداً به کوهستان باز می گشتند. همچنین این گوسفند ها برای بقای نسل خود به بهترین نحو با شرایط سخت طبیعت سازگار شده اند.

این حیوانات در اواخر پاییز آمیزش می نمایند و فصل زایش آن ها همزمان با گرم شدن هوا و رویش علوفه‌ی مرتع می باشد. در این زمان یخ بندان های کوهستان بر طرف شده و سرمای کوهستان سبب تلف شدن نوزاد آن ها نمی شود. این گوسفندان وحشی در زمستان های بسیار سخت به روستاهای کوهپایه پناه می آورند و چند روزی را در گله های روستایی زندگی نموده و با گرم شدن هوا مجدداً به زیستگاه خود مراجعه می کردند.

ج) آرگالی

زیستگاه اصلی و ابتدایی گوسفند وحشی آرگالی در تبت و مغولستان می باشد. آرگالی بزرگ ترین گوسفند وحشی است به طوری که قد آن حدود ۱۲۵ سانتی متر و وزن آن معادل ۲۰۰ کیلوگرم می باشد.

د) تیک هورن

زیستگاه ابتدایی این گوسفند در مناطق شرق سیبری و آمریکای شمالی است. شاخ های پهن و کلفت و همچنین جثه‌ی بزرگ آن ها سبب شده تا در یک گروه جداگانه قرار گیرند. قد آن ها حدود ۱۰۰ تا ۱۱۰ سانتی متر و وزن آن ها حدود ۱۵۰ کیلوگرم می باشد.

۲) دومین گونه‌ی اصلی گوسفند، اویس نویکلا^۱ که در شمال سیبری و کامچاتکا پراکنده می باشد. زیر گونه‌ی دیگری از این گونه به نام اویس کانادینسیس^۲ وجود دارد که در مناطق کوهستانی آمریکای شمالی تا ایالت کالیفرنیا و شمال مکزیک پراکنده است. از این

دو گونه و زیر گونه های آن هیچ گونه گوسفند اهلی مشتق نشده و امروزه نیز فقط به صورت وحشی زندگی می کند.

گوسفندان وحشی ایران

شرایط جغرافیایی اقلیمی ایران سبب پیدایش قوچ و میش وحشی در آن گردیده است. نژاد های قوچ و میش وحشی ایران از یک گونه‌ی به خصوص متمایز شده اند که نام علمی آن اویس اورینتالیس است. محققین و پژوهشگرانی^۱ که قوچ ها و میش های وحشی ایران را مطالعه و بررسی نموده اند، چهار زیر گونه‌ی خالص و پنج نژاد هیبرید را مشخص کرده اند. در زیر در مورد هر یک از این نژاد ها توضیح داده می شود.

(۱) نژاد اورپال

نژاد اورپال قدیمی ترین گوسفند وحشی ایران است و دارای ۵۸ عدد کروموزوم می باشد. نام علمی آن اویس اورینتالیس آرکال^۲ است. محل زیست این نژاد در شمال شرقی کشور است. اورپال های ایران با توجه به منطقه‌ی زیست آن ها جثه های متفاوتی دارند، به طوری که قوچ های کوهستان های مرتفع و سردسیر شمال خراسان و شاهرود، از قوچ های مناطق کویری بزرگ ترند و شاخی کلفت تر و بزرگ تر دارند. به عنوان مثال ارتفاع و طول حیوان در قوچ های منطقه‌ی حفاظت شده‌ی تندوره یا سرانی به ترتیب ۱۰۰ و ۱۵۰ سانتی متر است. همچنین طول شاخ حدود ۱۱۵ تا ۱۱۸ سانتی متر و وزن آن ها ۸۵ کیلوگرم است. وزن میش ها کمتر و حدود ۵۰ کیلوگرم است.

شاخ قوچ اورپال بزرگ تر از سایر نژاد های وحشی و مقطع آن مثلثی شکل (سه لبه) می باشد. در قوچ های اصیل شاخ پیچ خورده و از کنار چشم ها می گذرد. میش های اورپال بیش از سایر نژاد های وحشی دارای شاخ می باشند.

رنگ و موی بدن قوچ اورپال بر حسب فصل متغیر است. در تابستان بدن کم مو، رنگ بدن کرم متمایل به نخودی و زیر شکم سفید است. در زمستان موها بلند، قسمت قدامی بدن قهوه ای متمایل به خاکستری و قسمت خلفی و زیر شکم سفید می باشد. از خصوصیات منحصر به فرد قوچ اورپال وجود مو یا ریش بلند در زیر گلو تا سینه است.

1- Charls Nadler & Raol Waldes

2- Ovis Orientalis Arkal

سن بلوغ جسمی در قوچ ۴ سالگی و حداکثر رشد در ۵ سالگی و در میش ها ۲ تا ۳ سالگی است. فصل آمیزش بر حسب مناطق مختلف و شرایط آب و هوایی متغیر بوده و اغلب در آذر ماه است و زایش در اواخر اردیبهشت ماه می باشد.

۲) نژاد ارمنی

در مناطق غرب و شمال غربی ایران یک گونه از قوچ و میش وحشی زندگی می کند که برخی از خصوصیات آن مشابه نژاد اورپال می باشد. نام علمی این نژاد اوپس اورینتالیس جمیلینی^۱ است و مشابه گوسفند اهلی دارای ۵۴ عدد کروموزوم می باشد.

قد، طول شاخ و طول حیوان در قوچ ارمنی به ترتیب حدود ۸۰، ۹۵ و ۱۴۰ سانتی متر و وزن آن ۵۰ تا ۷۰ کیلوگرم است. وزن میش ها کمتر و حدود ۳۰ تا ۵۰ کیلوگرم است. مقطع شاخ در قوچ ارمنی بیضی شکل است و به طرف پشت گردن امتداد دارد. شاخ میش های ارمنی از شاخ میش های اورپال کوچک تر ولی دارای پیچش بیشتری است. در برخی از قوچ های ارمنی در زمستان مقداری از موهای پهلوها سفید رنگ می شود که اصطلاحاً به آن ها آلاکمر می گویند. ریش در قوچ ارمنی کوچک تر از قوچ اورپال ولی مشابه آن دارای موهای بلند در زیر سینه است.

مناطق که نژاد ارمنی در آن زندگی می کند پر جمعیت بوده و محل ییلاق و قشلاق عشایر مختلف است. لذا نژاد ارمنی در بیشتر اوقات سال مجبور به مهاجرت می شود و در اثر شکار غیر مجاز و رقابت شدید با دام های اهلی برای چرا در شرایط نامطلوبی زندگی می کند. محل زندگی نژاد ارمنی در ایران مناطق حفاظت شده ی جزیره ی کبودان دریاچه ی ارومیه، آنگوران زنجان، بیجار کردستان و حیات وحش کیامکی در آذربایجان شرقی است. قوچ و میش ارمنی در فصل آمیزش همراه با هم زندگی کرده به طوری که تعداد گله ی آن ها گاهی بیش از ۴۰ راس است.

طول دوره ی آبستنی در میش حدود ۵/۵ ماه است. سایر عادات زندگی این نژاد مشابه نژاد اورپال است.

1- Ovis Orientalis Gemelini

۳) قوچ البرز مرکزی

از آمیزش بین دو نژاد اورپال و ارمنی گوسفند وحشی البرز مرکزی حاصل شده است. نام علمی این نژاد هیبرید اویس اورینتالیس اورینتالیس^۱ و تعداد کروموزوم های آن ۵۴ تا ۵۸ عدد است. شاخ در قوچ البرز مرکزی حد واصل بین شاخ قوچ های اورپال و ارمنی می باشد و بیشتر به طرف گردن خمیده می شود.

۴) قوچ اصفهان

در مناطق جنوبی ایران نوعی گوسفند وحشی زندگی می کند که بیشتر به نژاد ارمنی شباهت دارد ولی از آن کوچک تر است. پیچیدگی شاخ های آن مشابه قوچ اورپال و البرز مرکزی است ولی تعداد کروموزوم های آن ۵۴ عدد است. نام علمی این نژاد اویس اورینتالیس اصفهانیکا^۲ است.

۵) قوچ لارستان

در مناطق جنوبی استان فارس (لارستان) زندگی می کند. از نظر شکل ظاهری شبیه قوچ اصفهان است ولی جثه ی آن کوچک تر است. نام علمی آن اویس اورینتالیس لارستانیکا^۳ است.

۶) قوچ کرمان

از آمیزش بین قوچ های اورپال افغان و لارستان به وجود آمده است. سه گونه ی هیبرید دیگر به نام های قوچ و میش اورپال مورچه، شیراز و عراق وجود دارند که در مورد آن ها پژوهشی صورت نگرفته است.

اهمیت پرورش گوسفند

۱) قدرت سازش در مقابل شرایط اقلیمی: بر خلاف سایر حیوانات اهلی (مانند گاو) گوسفند دام مخصوص مناطق معتدل نبوده، بلکه از ابتدای اهلی شدن آن در مناطق خشک و گرم می زیسته است. قدرت خارق العاده ی این حیوان از نظر سازش با شرایط مختلف

1- Ovis Orientalis Orientalis
3- Ovis Orientalis Larestanica

2- Ovis Orientalis Esphahanica

محیطی هر منطقه با استفاده از روش های مختلف اصلاح نژاد دام تحت شرایط مختلف جوی و جغرافیایی و همچنین جوامع گوناگون به وجود آمده اند که کم و بیش نگره داری و پرورش این حیوان را در سراسر جهان امکان پذیر کرده است.

۲) توقع کم در مقابل مواد غذایی: گوسفند نیز مانند سایر نشخوارکنندگان می تواند مواد علوفه ای خشبی را به خوبی تبدیل به مواد قابل هضم نموده و مورد استفاده قرار دهد. از طرفی گوسفند در استفاده از مواد علوفه ای از دو لحاظ بر سایر نشخوارکنندگان به خصوص گاو برتری دارد. یکی اینکه گوسفند قادر است بین نباتات علوفه ای با الیاف خام زیاد، غنی ترین قسمت های آن را جدا نموده و جهت رفع نیاز های تغذیه ای و تولید خود مورد استفاده قرار دهد. و دیگری این که به طور کلی توقع گوسفند نسبت به مواد غذایی به خصوص مواد علوفه ای متراکم به مراتب کم تر از گاو است و به همین جهت است که به عنوان حیوان مصرف کننده ی کاه و کلش معروف شده است. از طرفی قدرت ذخیره ی چربی در اعضای مختلف بدن در فصل فراوانی علوفه سبب می شود تا گوسفند تغییرات فصلی علوفه را خیلی راحت تر از سایر حیوانات اهلی تحمل کند.

۳) قدرت راهپیمایی و تحرک: یکی از صفات بسیار ارزنده ی گوسفند قدرت راهپیمایی و تحرک این حیوان است. بدین ترتیب که گوسفند قادر است با صرف انرژی بسیار ناچیز در زمین ها و مراتع طبیعی پهناوری که معمولاً از رویش و پوشش نباتی فقیر و کم رشد برخوردارند چرا نموده و علوفه ی مورد احتیاج خود را تامین نماید. چنانچه قرار بود در چنین شرایطی حیوان اهلی دیگری مانند گاو نگره داری و پرورش داده شود و محصولی تولید کند، به طور حتم بدون اضافه نمودن مقدار قابل توجهی مواد غذایی متراکم به جیره ی روزانه میزان تولید آن بسیار ناچیز و حتی در مورد گاو شیری جهت تولید شیر غیر ممکن می بود. لذا تحت چنین شرایطی به خصوص اگر زمین ها و مراتع در دامنه های کوهستانی قرار گرفته باشد نگره داری گوسفند مناسب ترین وسیله جهت تبدیل مواد علوفه ای موجود به مواد احسن (فرآورده های دامی) می باشد. بالاخره گوسفند قادر است از زمین های زراعی پس از برداشت محصول (غلات، چغندر قند، سیب زمینی، صیفی جات و غیره) و همچنین نباتات کنار جویبار ها و جاده های مزارع به خوبی استفاده نماید که در صورت نبودن گوسفند به طور کامل و یا قسمتی از آن ها بلا استفاده می ماند و بدین جهت علوفه ی مطلق گوسفند نامیده می شود.

واضح است که هر چه رویش و پوشش گیاهان در مراتع، ضعیف تر و فقیر تر باشد به همان نسبت حیواناتی که در آن چرا می کنند باید متحرک تر باشند. به خصوص در مناطقی که رشد و نمو گیاهان مراتع تحت تاثیر عوامل جوی محدود به فصل معین و تامین علوفه‌ی مورد نیاز تابع نقل و انتقالات حیوانات از منطقه‌ی دیگر باشد و یا تغییرات درجه‌ی حرارت به طور متناوب در دشت‌ها و دره‌ها مانع نمو گیاهان علوفه‌ای می شود، ولی مراتع کوهستانی از پوشش گیاهی نسبتاً خوبی برخوردارند. قدرت راهپیمایی و تحرک گوسفند که برای رسیدن به مراتع بیلاقی و قشلاقی سالیانه صدها کیلومتر طی می کند حائز اهمیت فوق العاده است. در نقاطی هم که شرایط بیلاقی و قشلاق وجود ندارد ولی میزان علوفه‌ی موجود تابع تغییرات فصلی است، اصولاً گوسفند بر گاو مزیت دارد زیرا همان طور که ذکر شد در مقابل کمبود مواد غذایی و گرسنگی طاقت بیشتری از گاو دارد و از طرفی می توان زایش گوسفند را با توجه به شرایط تولید علوفه طوری تنظیم نمود که در فصل پر علوفه انجام شود.

۴) تولید پشم و فاصله از بازار: گوسفند بر خلاف گاو (به خصوص گاو شیری) دام مناطق دور از بازار می باشد، زیرا در این نقاط اغلب به علت دوری از شهرهای بزرگ و مراکز تراکم جمعیت و هزینه‌های سنگین تولید، کشاورزی گسترده متداول بوده و سعی بر این است که از زمین با حداقل نیروی انسانی بهره برداری گردد. از طرفی قیمت زمین کم تر از مناطق نزدیک به بازار بوده و با توجه به وسعت زمین‌های موجود و علوفه‌ای که به دست می آید، مناسب ترین شرایط نگه داری گوسفند به خصوص تولید پشم فراهم می باشد. علاوه بر این در مناطق دور از بازار فروش باید تا حد ممکن فرآورده‌هایی تولید نمود که قابلیت دوام و حمل و نقل آن‌ها بیشتر و بهتر است. لذا با توجه به این که پشم یکی از فرآورده‌های با ارزش حیوانی است که مرور زمان در خاصیت آن هیچ گونه تغییری ایجاد نمی کند و حمل و نقل آن بر حسب عرضه و تقاضای موجود در بازار هر زمان میسر می باشد، از این نظر نیز در مناطق مزبور نگه داری و پرورش گوسفند بر گاو داری برتری پیدا می کند.

تقسیم بندی نژاد های گوسفند

گوسفندان به چهار طریق تقسیم بندی می شوند:

(۱) تقسیم بندی از نظر درجه‌ی تکامل

در حال حاضر گوسفندان دنیا از نظر درجه‌ی تکامل (پرورش و اصلاح نژاد) به سه دسته‌ی مهم تقسیم می شوند.

الف) نژاد های بومی یا ابتدایی^۱: به طور کلی گوسفندانی که در این دسته قرار دارند حیواناتی هستند که طی سالیان متوالی تحت تاثیر شرایط مختلف اقلیمی و جغرافیایی با حفظ صفات باطنی که از اجداد خود به ارث برده اند دور از دخالت بشر با شرایط زیست هر منطقه کاملاً خو گرفته و یکی نژاد را به وجود آورده اند. نژاد های بومی اصولاً دارای صفات مشترک زیر هستند:

قدرت سازش بسیار عالی با آب و خاک در شرایط جغرافیایی هر منطقه ولی قدرت تبدیل غذایی محدودی دارند. اغلب گوسفندان قانع و کم توقع در مقابل مواد غذایی با استعداد های ژنتیکی از نظر ذخیره و انرژی و آب در بدن خود (نژاد های دنبه دار) می باشند، حساسیت کمتر در مقابل کمبود مواد معدنی، مقاومت نسبی در مقابل بیماری های بومی و بالاخره قدرت مقابله و مبارزه با تغییرات درجه‌ی حرارت محیط.

این دسته از نژاد های گوسفند همیشه در زندگی مردم نقش پر ارزشی را بر عهده داشته و در حال حاضر نیز دارای اهمیت خاصی می باشند و معمولاً دام مناطق دوردست و فقیر از نظر عملکرد زمین (مناطق کوهستانی، مناطق استپی، جنگل های طبیعی و غیره) بوده و دارای ذخایر ژنتیکی بسیار مطلوب می باشند و در به وجود آمدن سایر نژاد ها همیشه به نحو موثری مورد استفاده قرار گرفته اند. در حال حاضر نیز یکی از پر ارزش ترین نژاد های گوسفند را از نظر استعداد های ژنتیکی (که در سایر نژاد ها به علت انتخاب مصنوعی کم و بیش از بین رفته اند) تشکیل می دهند.

ب) نژاد های اصیل^۱: بر خلاف نژاد های بومی نژاد های اصیل، دام مناطق غنی از نظر تولید علوفه با شرایط اقلیمی معتدل می باشند. این نژاد ها طی سال های متوالی تحت کنترل، میزان تولید فرآورده های مختلف آن ها از نظر کمی و کیفی توسط انتخاب مصنوعی به یک حد مطلوب رسیده است. نژاد های اصیل دارای صفات مشترک زیر هستند:

توقع نسبتاً زیاد در مقابل مواد علوفه ای، قدرت تبدیل بسیار خوب، رشد سریع و زود رسی، قدرت تولید مثل خوب و حساسیت در مقابل انگل ها و بیماری های مختلف و کمبود مواد معدنی.

در حال حاضر نژاد های اصیل جهت اصلاح نژاد و نیز پرورش به طور خالص به اکثر نقاط جهان فرستاده شده اند. اصولاً نگه داری آن ها به صورت خالص مستلزم دقت در انتخاب گوسفندانی است که از بنیه و سلامت عمومی و در نتیجه طول عمر بیشتری برخوردار بوده و دارای قدرت سازش بهتری با شرایط محیط زیست جدید خود می باشند.

ج) نژاد های آمیخته^۲: در این دسته از نژاد های گوسفند سعی شده است تا استعداد های مختلف ژنتیکی و همچنین صفات مطلوب موجود در دو نژاد در نسل بعدی ترکیب شود. اصولاً ترکیب صفات مطلوب یک نژاد بومی مثل قدرت سازش با شرایط محیط، مقاومت در برابر بیماری های بومی، استعداد تولید مثل، زود رسی و قابلیت تولید، بیشتر و بهتر از یک نژاد اصیل مورد نظر می باشد. مانند دو نژاد دورمر و دورپر در آفریقای جنوبی که اولی از تلاقی بین نژاد دورست هورن با مرینوی گوشتی آلمانی به وجود آمده است که از دورست هورن، زود رسی و از مرینوی گوشتی آلمانی قدرت تولید مثل خوب را گرفته است، به طوری که نژاد به وجود آمده دورمر طی تمام فصول سال فحلی نشان داده و آمادگی تولید مثل دارد و از طرفی بره های پرواری دارای لاشه ی ۱۴ تا ۱۶ کیلوگرم می باشند. دورپر از تلاقی بین دو نژاد دورست هورن و سر سیاه ایرانی به وجود آمده است. این نژاد نیز زود رسی و کیفیت گوشت را از دورست هورن و کم توقعی و قدرت راهپیمایی و همچنین مقاومت در برابر بیماری ها را از سر سیاه ایرانی گرفته است.

۲) تقسیم بندی بر اساس تولیدات

الف (نژاد های پشمی (پشم ظریف): این گوسفندان در جهت تولید پشم ظریف و سفید رنگ اصلاح شده اند. پشم این گوسفندان بسیار ظریف، متجانس، براق و بسیار نرم و لطیف است که ماده‌ی اولیه‌ی صنایع نساجی محسوب می گردد. هدف اصلی از پرورش این حیوانات تولید حد اکثر پشم با کیفیت عالی می باشد.

در اوایل قرن بیستم سعی می شد گوسفندان مرینو با الیاف بسیار ظریف تولید شوند و در نتیجه جثه‌ی گوسفندان به تدریج کوچک تر می شد و از طول الیاف نیز کاسته شد. به این مرینوها الکتورال گفته می شد. بعدها اصلاح گران برای افزایش تولید، قوچ هایی را انتخاب می کردند که دارای پوست بزرگ و چین خورده باشند، در نتیجه مرینوهایی به نام نگر تی به وجود آمدند که دارای جثه‌ی بزرگ و پوست چین خورده بودند. به تدریج با پیشرفت در صنایع تولید ماشین های نساجی جدید از طرفی و گسترش تولید الیاف مصنوعی از طرف دیگر، موجب شد اهمیت ظرافت الیاف حیوانی کاسته شود و بنابراین گوسفندانی که دارای جثه‌ی بزرگ و طول الیاف بیشتر بودند مورد توجه پرورش دهندگان قرار گرفتند. نمونه‌ی این گروه نژاد رامبویه است.

ب) نژادهای پشمی-گوشتی یا گوشتی-پشمی: با گسترش تولید پارچه های پنبه ای و استفاده‌ی زیاد از الیاف مصنوعی و نیز افزایش تقاضا برای گوشت گوسفند در دنیا، به تدریج از اهمیت پشم کاسته شد. در نتیجه اصلاح کنندگان به پرورش نژاد هایی روی آوردند که علاوه بر تولید پشم نسبتا ظریف بتوانند به تولید مقدار بیشتری گوشت بپردازند. بنابراین پرورش دهندگان اقدام به پرورش نژاد های پشمی- گوشتی یا گوشتی- پشمی کردند.

در نژاد های گوشتی- پشمی اولویت با تولید گوشت و در مرحله‌ی بعد پشم بوده ولی در نژاد های پشمی- گوشتی اولویت با تولید پشم سفید ظریف و در مرحله‌ی بعد گوشت می باشد. این نژاد ها دو منظوره نامیده می شوند و در نقاط مختلف دنیا به تعداد آن ها افزوده می شود. نمونه های این گروه نژاد های مرینوی گوشتی آلمانی، کلمبیا، تارگی و کوریدال می باشند.

ج) نژادهای گوشتی: تمام نژاد های گوشتی مشهور دنیا در انگلستان پرورش یافته اند، زیرا در بین کشور های اروپایی تنها کشوری که از گوشت گوسفند زیاد استفاده می کند

انگلیس است. بنابراین نام نژاد های گوشتی اغلب از نواحی مختلف کشور انگلستان گرفته شده است. این نژاد ها به سه گروه تقسیم می شوند:

۱) نژاد های دارای پشم کوتاه و سر سیاه

۲) نژاد های دارای پشم بلند و سر سفید

۳) نژاد های کوهستانی

نژاد های سر سفید انگلیسی برای تولید نژاد های آمیخته‌ی جدید گوشتی در کشور های بسیار مورد استفاده قرار گرفته اند. این نژاد ها دارای جثه‌ی بزرگ، بدنی عریض، عمیق و عضلانی می باشند. از جمله نژاد های سر سفید می توان نژاد های لایسیستر، لینکولن و بوردر لایسیستر. الیاف پشمی این گوسفندان بلند و ضخیم و مخلوط می باشد.

نژاد های سر سیاه انگلیسی دارای جثه‌ی نسبتاً کوچک تری هستند ولی مشابه سایر نژاد های گوشتی، این گوسفندان نیز دارای بدنی عضلانی بوده، بره های آن ها برای پروار بندی مورد استفاده قرار می گیرند و لاشه هایی با کیفیت مطلوبی تولید می کنند. این نژاد ها هم به صورت خالص و هم به صورت آمیخته در پرورش نژاد های گوشتی در بسیاری از کشور ها مورد استفاده قرار می گیرند. از مهم ترین آن ها می توان نژاد های سافولک، ساوت داون، همشایر داون و دورست داون را نام برد.

د) نژاد های شیری: معمولاً هنگامی که در شرایط برای پرورش گاو شیری مناسب نباشد برای تامین شیر از گوسفند و یا بز استفاده می شود. در کشورهای حاشیه ی مدیترانه برای تولید ارقام مختلف پنیر که اهمیت تغذیه ای فراوان دارند از شیر گوسفند استفاده می شود. علاوه بر این، در اکثر کشور های آسیایی و آفریقایی که کشاورزان دارای سرمایه‌ی محدود می باشند، تقریباً تولید شیر گوسفند یا بز بسیار رواج دارد. گاهی در شرایط مطلوب و برای تولید پنیر از گله های ۴۰ تا ۵۰ راسی و ندرتاً ۱۰۰ تا ۳۰۰ راسی نیز بهره برداری می شود. میزان بره زایی در نژاد های شیری نسبتاً بالا است. مشهورترین نژاد این گروه، گوسفند شیری فریزلند شرقی در آلمان است که ضمن تولید شیر به میزان ۵۰۰ تا ۱۰۰۰ کیلوگرم در سال از قدرت تولید مثل عالی که عامل اساسی برای تولید شیر می باشد نیز برخوردار است. دیگر نژاد این دسته گوسفند آوایی است که تنها نژاد شیری آسیا به شمار می رود و قادر است سالانه ۲۰۰ تا ۵۰۰ کیلوگرم شیر تولید کند. علاوه بر این می توان نژاد های لانگه و رومانوف را نیز نام برد.

ه) نژاد های پوستی: هدف از پرورش و نگه داری این دسته از نژاد های گوسفند بیشتر در تولید پوست بره های جوان (معمولاً یک روزه) معطوف شده است و سایر فرآورده ها مثل پشم، گوشت و شیر در درجه‌ی دوم و سوم اهمیت قرار دارند. نژاد های پوستی ابتدا در آسیا پرورش می یافتند و سپس از آنجا به سایر مناطق جهان که دارای شرایط زیست بودند برده می شدند. مهم ترین نژاد پوستی گوسفند جهان در حال حاضر گوسفندان قره گل، کبود شیراز و گوسفند پوستی هندوستان می باشند. از نژاد های دیگر گوسفند به خصوص در بسیاری از کشورهای آسیایی نیز پوست بره تولید می شود، ولی این پوست تولیدی از نظر کیفیت صفات مطلوب پوست (رنگ، جلا، پیچش مو و غیره) در درجه‌ی دوم و سوم قرار دارد.

۳) تقسیم بندی بر حسب شکل دم و دنبه

- الف) گوسفندان دم کوتاه (گوسفندان شمال اروپا و نژاد مارش)
 ب) گوسفندانی که دارای ذخیره‌ی چربی در کفل می باشند (نژاد چینی، نژاد قراقی)
 ج) گوسفندان دارای دم طویل (مرینو ها و نژاد های گوشتی اروپایی)
 د) گوسفندان دنبه دار (اغلب نژاد های خاور میانه ای مانند آواسی و نژاد های ایرانی)

۴) تقسیم بندی بر حسب پوشش بدنی (پشم و مو)

- الف) گوسفندان پشم ظریف (مرینو ها)
 ب) گوسفندان دارای پشم نیمه ظریف (دورست هورن، همشایر و سافولک)
 ج) گوسفندان دارای پشم بلند (لینکولن و لایسیستر)
 د) نژاد های آمیخته (تارگی و کوریدال)
 ه) گوسفندان پوستی (قره گل)
 و) گوسفندان پشم در هم (گوسفندان آسیایی و خاور میانه)
 ز) گوسفندان مویی (تاباسکو، سومالی و نلور)

طبقه بندی نژاد های گوسفند ایرانی

اصولاً تعیین نژاد و گروه بندی کردن نژاد ها کاری ساده و بدون اشکال نمی باشد. زیرا در این امر عوامل ارثی و محیطی دخالت دارند و تغییرات جزئی در آن ها ممکن است کار را با مشکلات متعدد مواجه سازد.

گوسفندان ایرانی را از نظر وزن بلوغ و رنگ بدن می توان به صورت زیر طبقه بندی نمود:

<ul style="list-style-type: none"> رنگین: شال - افشاری - قشقایی - مهربان سفید: بختیاری - مغانی - لری - ماکویی - کردی 	}	بزرگ جثه	}	گوسفندان ایران
<ul style="list-style-type: none"> رنگین: زندی - قره گل سرخ - کبوده ی شیراز - دالاق - فشنندی - ترکی - فراهانی سفید: تالشی - بهمئی - کرمانی - کلکوهی - عربی 	}	متوسط جثه		
<ul style="list-style-type: none"> رنگین: زل - سنگسری سفید: تالشی - نایینی - بلوچی 	}	کوچک جثه		

جایگاه بز در رده بندی جانوران

Animal	جانوران	Kingdom	سلسله
Metazoa	پر سلولی ها	Sub kingdom	زیر سلسله
Chordata	طناب داران	phylum	شاخه
Vertebrata	مهره داران	Sub Phylum	زیر شاخه
Tetrapoda	چهار پایان	Super Class	فوق رده
Mammalia	پستان داران	Class	رده
Ungulata	سم داران	Sub Class	زیر رده
Artiodactyla	زوج سمان	Order	راسته
Ruminantia	نشخوار کنندگان	Sub Order	زیر راسته
Bovoidae (Hollow horned animal)	حیوانات تهی شاخ	Super Family	فوق خانواده
Bovidae	تهی شاخان	Family	خانواده

اطلاعات موجود نشان می دهند که اهلی شدن بز تقریباً همزمان با اهلی شدن گوسفند می باشد ولی بحث بر سر موضوع اولویت اهلی شدن این دو گونه‌ی حیوانی ادامه دارد. قدیمی ترین بقایای اسکلت بزهای اهلی که در غرب ایران کشف شده اند، مربوط به حیواناتی که در ۸ هزار سال قبل از میلاد مسیح در این مناطق می زیسته اند. آثار باقی مانده از قدیم نشان می دهد که فاصله‌ی زمانی ۲ هزار تا ۶ هزار سال قبل از میلاد گروه‌هایی از بزهای اهلی در قاره‌های آسیا، اروپا و آفریقا پراکنده شده اند. در طول زمان، پس از اهلی شدن بزها تغییرات زیادی در صفات مختلف آن‌ها به وجود آمده است. جنه‌ی آن‌ها بزرگ تر شده، شکل و اندازه‌ی شاخ‌ها تغییر کرده و بی شاخی رواج یافته، سرعت رشد افزایش یافته و میزان تولید مثل افزایش یافته است. در حدود ۳ هزار سال قبل از میلاد در غرب آسیا نژادهایی به وجود آمده اند که سطح بدن آن‌ها از الیاف بلند و ظریف پوشیده بوده و بعد ها به سایر نقاط منتقل شده اند.

اهمیت پرورش بز

با توجه به شرایط اقلیمی و وضعیت درآمد مردم در کشور های مختلف تعداد بز های مورد پرورش تغییر می کند. در کشور های صنعتی تعداد بز کم ولی میزان تولید سرانه زیاد می باشد. جمعیت بز در کشور های در حال توسعه و گرمسیری بیشتر بوده و شیر، گوشت و پوست به عنوان محصولات اصلی به مصرف می رسند. معمولاً در شرایط آب و هوایی سخت که تولید علوفه محدود است، نسبت به سایر دام پرورش بز اهمیت بیشتری می یابد. در اغلب موارد تنها منبع درآمد دامدار از پرورش بز تامین می شود. در مناطقی که بزها همواره از مرتع بهره مند می شوند گله داران کوچ کننده و یا نیمه کوچ کننده به شمار می روند و بومیان اولیه و عشایر از این گروه هستند که قسمت اعظم گوشت و شیر به مصرف خانواده های آن ها خواهد رسید. مازاد محصولات نیز در بازار های محلی فروخته شده در آمده حاصله صرف خرید مایحتاج آن ها می شود. این روش پرورش بز در نقاط محروم و حاشیه‌ی کویر ایران به چشم می خورد.

در کشور های پیشرفته که فعالیت های علمی گسترش یافته، در نتیجه‌ی اصلاح نژاد، از حیواناتی بهره برداری می شود که دارای سرعت رشد مناسب، راندمان غذایی زیاد و نسبت به حیوانات بومی پر توقع تر هستند. در این کشور ها نیز مرتع استفاده می شود ولی استفاده از تغذیه‌ی دستی و کنسانتره در تغذیه‌ی حیوانات پر تولید مرسوم است. در بسیاری از مزارع در کشور های حاشیه‌ی مدیترانه تعداد محدودی بز که در باغ یا مزرعه‌ی خانوادگی نگه داری شده، نیاز های خانوادگی شیر یا گوشت را تامین می کند. در نقاطی که تهیه‌ی پنیر مورد نظر باشد، گله های بزرگ با موسسات تجاری برای پرورش بزهای شیری همکاری می کنند.

به طور خلاصه مزایای پرورش بز تحت عناوین زیر ارائه می شود:

(الف) در شرایط سخت محیطی پرورش بز به آسانی ممکن است.

(ب) بهره برداری از مراتع کوهستانی که برای سایر دام ها نامناسبند به خوبی انجام می گیرد.

(ج) بز ها از علوفه‌ی خشبی به خوبی تغذیه کرده و تولید محصول می کنند.

(د) محصولات تولیدی بزها (گوشت، شیر، روده، پوست، کرک یا مو و کود) کاربرد غذایی و صنعتی دارد.

(ه) توانایی پرورش بز در زمین های حاشیه‌ی جنگل ها، حاشیه‌ی مزارع، پس چر های مزارع و باغ ها، زمین های بایر یا آیش و مراتع فقیر.

(و) در حاشیه‌ی شهر های بزرگ و بازار مصرف شیر، پرورش بز در سیستم بسته ممکن است.

- ز) سرمایه‌ی اولیه برای تشکیل گله کم است.
- ح) به آسانی قابلیت عرضه به بازار داشته و تامین کننده‌ی پول برای دامدار می باشد.
- ط) برای خانوار های مولد منبع تامین گوشت و شیر می باشد.
- ی) ریسک سرمایه گذاری در این رشته کم است.

وضعیت پرورش بز در ایران

ایران یکی از کشورهای عمده‌ی پرورش دهنده‌ی بز در دنیا می باشد. بز های موجود را عمدتاً با عنوان سیاه بز می شناسیم و یا رنگ های مخلوط نیز دیده می شود. تولید شیر سالیانه به طور میانگین به ۶۰ کیلوگرم می رسد و میانگین وزن لاشه ۱۴ کیلوگرم است. در مناطق مختلف ایران بز های کرکی نیز یافت می شوند که دارای دو نوع الیاف بلند و ضخیم و الیاف کوتاه و ظریف می باشند. کرک این گوسفندان برای تولید منسوجات با ارزش به فروش می رسد.

بز های کرکی ایران عبارتند از: بز مرغز در کردستان، بز رائینی و بز بافتی در استان های کرمان و یزد و بز ماکویی در آذربایجان غربی

در سال ۲۰۰۰ میلادی مقدار ۳۸۵ هزار تن شیر بز در ایران تولید شده، در همین سال تولید گوشت بز در حدود ۱۰۰ هزار تن بوده و نیز مقدار ۱۸۵۰۰ تن پوست بز به دست آمده است. مشاهده می شود که تولیدات این دام در کشور ما از جایگاه ویژه ای برخوردار است ولی نایبستی فراموش کرد که در سایر کشور ها با استفاده از روش های علمی راندمان تولیدی هر حیوان افزایش یافته است.

بز ها را به صورت زیر گروه بندی می نمایند:

(۱) نژاد های شیری

نژاد های شیری عموماً دارای بدنی ظریف و استخوانی می باشند. به گونه ای که اگر پوست حیوان لمس شود، برجستگی های استخوانی زیر دست حس می شوند. پوشش نرم و قابل انعطاف می باشد. در همه‌ی بز های شیری پستان ها بزرگ و دارای بافت غده ای می باشند. رگ های خونی پستان ها کاملاً رشد یافته و در زیر پوست شکم مشهود هستند.

۲) نژاد های گوشتی

در کشور های فقیر و در حال توسعه و یا در شرایطی که پرورش بز برای تولید شیر و کرک مناسب نباشد بز ها به منظور تامین گوشت پرورش می یابند. البته نبایستی فراموش کرد که گوشت بز به علت محتوای کمتر چربی جزء بهترین گوشت های قرمز محسوب می شود. در حال حاضر مصرف گوشت بز در کشور های آسیایی و آفریقایی بسیار رایج است. از نژاد های معروف گوشتی می توان از بز دمشقی یا شامی و بز بوئر نام برد.

۳) نژاد های مولد کرک و کشمیر

بز های کرکی و مولد کشمیر برای تولید کرک و کشمیر که ماده ی اولیه ی مهمی در صنایع نساجی هستند، پرورش می یابند. بز کشمیر در ارتفاعات ۳ تا ۵ هزار متری آسیای میانه پرورش می یابد و به نام پشمینه نیز معروف است. ماده ها ۳۰ تا ۴۰ کیلو گرم و نرها تا وزن ۶۰ کیلوگرم می رسند. سطح بدن از دو نوع الیاف سفید و ضخیم بیرونی و الیاف بسیار ظریف و لطیف کشمیر که در زیر الیاف بلند قرار گرفته اند پوشیده شده است. موهای ضخیم و رنگ های سفید، خاکستری، زرد و حتی سیاه دیده می شوند. میزان تولید سالانه ی هر بز ۱۰۰ تا ۲۰۰ گرم می باشد. این بز ها در افغانستان، پاکستان، هندوستان و نپال پرورش می یابند. برخی از نژاد های بومی ایران نیز بز کرکی محسوب می شوند.

فصل دوم

نژاد های گوسفند

نژاد افشاری^۱



تاریخچه

بر اساس منابع تاریخی موجود، به نظر می آید ایل افشاری موجود در منطقه‌ی افشار از بقایای ایل افشار منطقه‌ی خراسان بوده که توسط شاه عباس به این منطقه کوچ داده شده اند و احتمالاً در آن هنگام گوسفندان خود را نیز به این منطقه آورده اند. روایتی که در مجله‌ی بررسی های تاریخی از قول حسن قزاقانی نوشته شده، ورود این ایل به منطقه را به شرح زیر بیان می دارد: شاه عباس در اوایل اقتدار خود به منظور کاهش نفوذ اقوام محلی و بومی، بخشی از ایل افشار را که در جنوب اترک پراکنده بودند به آذربایجان کوچ داد که در منطقه‌ی وسیعی بین بیجار تا زنجان پراکنده شدند و به افشار قاسملو شهرت یافتند و در همان ایام افشار ها در خوزستان و کهگیلویه نیز پراکنده بودند.

جمعیت گوسفند افشاری در استان زنجان ۶۵۰۰۰۰ راس است. با توجه به پراکندگی این نژاد در استان های مجاور نظیر آذربایجان شرقی، آذربایجان غربی و کردستان انتظار می رود کل جمعیت این نژاد بسیار بیشتر از این رقم باشد.

خصوصیات ظاهری

رنگ غالب در گوسفندان بالغ، قهوه ای متمایل به قرمز یکدست، بدون لکه با دامنه‌ی تغییرات از قهوه ای روشن تا قهوه ای تیره متمایل به سیاه می باشد. رنگ بدن بره ها در بدو تولد قهوه ای متمایل به سیاه بوده و به تدریج با افزایش سن، رنگ بدن روشن تر می گردد. گوش ها معمولاً به صورت افتاده و بزرگ می باشند. ولی گوسفند افشاری نیم گوش و بدون گوش نیز دیده می شود.

قوچ ها و میش ها فاقد شاخ هستند. در قوچ ها روی بینی اکثراً انحنا وجود دارد و در میش ها روی بینی صاف یا دارای انحنای کمی است. گردن در میش ها دراز بوده و در قوچ ها قوی و ضخیم است.

گوسفند افشاری جزء گوسفندان بلند قد محسوب می گردد و بیومتر های انجام شده نشان می دهد که ارتفاع کمر در این حیوان قدری بلند تر از ارتفاع جدوگاه می باشد. اندام های حرکتی از ظرافت خاصی برخوردار است که حیوان را قادر به راه پیمایی در کوهستان و مناطق سنگلاخی می نماید.

سطح پشت، گردن، دنبه و دنبالچه در این حیوان غالباً پوشیده از پشم بوده، ولی زیر گردن، زیر شکم، اندام های حرکتی و صورت فاقد پشم است و از مو های زبری پوشیده شده که رنگ آن ها تیره تر از رنگ پشم حیوان است. این گوسفند از نظر کمیت و کیفیت پشم در مقایسه با سایر گوسفندان بومی استان، متفاوت و از نظر ظرافت الیاف با گوسفندان مغانی، قزل و بختیاری مشابه است. این نژاد پشم ضخیمی دارد که در صنعت قالی بافی استان زنجان از آن استفاده می کنند.

تیپ های مختلف

به طور کلی با توجه به گله های مورد بررسی در روستا ها و بیلاق های مناطق پراکنش گوسفند افشاری و نیز پرسش نامه های تکمیل شده به نظرمی رسد تیپ های گوناگونی از نژاد افشاری موجود باشد. در زیر به چند مورد از آن ها اشاره می شود.

تیپ قزل افشار



لفظ قزل به معنی قرمز متمایل به قهوه ای می باشد. گوسفند قزل تپیی از نژاد افشاری است که محل اصلی پراکنش آن استان های آذربایجان شرقی و غربی بوده و در میان گله های موجود در استان زنجان نیز یافت می شود. این گوسفند دارای سری نسبتاً بزرگ تر از نژاد اصلی افشاری است و پشم های ضخیم تر و کم پشت تری دارد. رنگ موی صورت و قلم های اندام حرکتی قهوه ای تیره تا متمایل به سیاه بوده و دارای دنبالچه ای است که در ابتدا قلبی شکل بوده و پر از چربی می باشد. پشم های روی دنبه، زیر شکم و زیر گردن معمولاً می ریزند و قابل استفاده نیستند. این تیپ قدری سنگین تر از نژاد اصلی است. نوعی از این تیپ تیره رنگ بوده و متمایل به سیاه است و به نام قره قزل معروف می باشد. در این گوسفندان گاهی پشم قسمت های زیادی از بدن ریخته و فقط مقدار کمی در منطقه ی پشتی حیوان باقی می ماند.

تیپ قاشقا افشار

تپیی از نژاد افشاری بوده که تقریباً خصوصیات این نژاد از جمله لکه ی سفید روی پیشانی را دارد. این گوسفند را به وفور بین گله های افشاری می توان یافت.

تیپ قمر افشار

این گوسفند دارای رنگی تقریباً متمایل به خاکستری است.

صفت	قوچ	میش
وزن (کیلو گرم)	۷۰ تا ۸۰	۵۲ تا ۶۰
ارتفاع (سانتی متر)	۸۳	۷۴

نژاد آمریکن مرینو

نژاد آمریکن مرینو^۱ دارای سه تیپ A، B و C است. بیش از ۹۵ درصد مرینوس ها بی مو یا کم مو هستند. تعدادی از پرورش دهندگان تولید اختصاصی تیپ A و B را انجام می دهند. این دو تیپ عموماً به انواع سنگین بر می گردند. تیپ A در ورمونت انتخاب و پرورش داده شده است که به این دلیل در گذشته ورمونت نامیده می شد. این نوع دارای چین های زیادی بر روی پوست می باشد که به این دلیل از دو تیپ B و C متمایز است. این چین خوردگی ها از قسمت سر شروع می شود و تمام طول تنه و قسمت های مختلف بدن حیوان را تا دم فرا می گیرد.

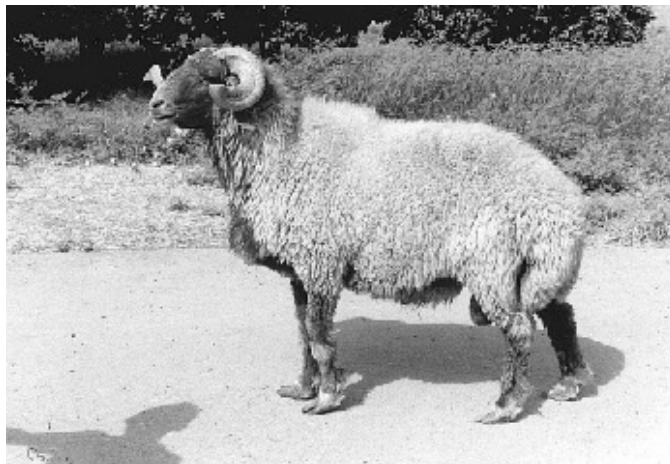
1- American Merino

این گوسفند دارای قابلیت تولید پشم زیاد است و به این دلیل باید چروک روی پشم کم باشد تا باعث کاهش کیفیت نشود. پشم های آن خوب و خیلی زبر هستند و افزایش طول آن حدود ۵ سانتی متر در سال است. قوچ ها بیشتر از ۱۱ کیلو گرم و میش ها ۵/۵ تا ۹ کیلو گرم پشم تولید می کنند. گوسفند تیپ A معمولاً از نظر جثه کوچک تر از دو تیپ دیگر است. میانگین وزن قوچ ها ۶۵ تا ۸۰ کیلوگرم و میانگین وزن میش ها ۴۵ تا ۶۰ کیلوگرم است. به علت کیفیت پایین پشم این گوسفند و عدم ظرافت و ایجاد مشکل در هنگام پشم چینی از تعداد آن ها کاسته شده است.

تیپ B از نظر تعداد چین خوردگی حد متوسط دو تیپ دیگر است به گونه ای که بدن آن بدون چین بوده و در گردن آن چین خوردگی های زیاد دیگری وجود دارد. تیپ B بزرگ تر از تیپ A و سازگاری آن با محیط بیشتر است. میانگین وزن قوچ های تیپ B حدود ۷۳ تا ۸۲ کیلوگرم و میانگین وزن میش ها حدود ۴۵ تا ۵۴ کیلوگرم است. میزان تولید پشم در قوچ ها ۱۱ کیلوگرم و در میش ها ۶ تا ۸ کیلوگرم است.

تیپ C یا لاین بیشترین جمعیت را بین گوسفندان مرینوی مزارع آمریکا دارد و در ایالات غربی و شمال غربی جزء گوسفندان تولیدی قرار می گیرد. آن ها در تگزاس، نیو مکزیکو، کالیفرنیا، اوهایو، یوما، میشیگان، پنسیلوانیا، ورجینیای غربی، نیویورک و سایر ایالات، گله های بی شماری دارند و از مرز های شمالی تا جنوبی و از صحرا های هم سطح دریا تا کوه های با ارتفاع ده هزار پا دیده می شوند.

تیپ C از نظر جثه بزرگ تر از انواع دیگر است. میانگین وزن قوچ های بالغ ۷۵ تا ۱۰۰ کیلوگرم و میانگین وزن میش های بالغ ۵۵ تا ۷۵ کیلوگرم است. این تیپ دارای قابلیت تولید پشم بالاتر با طول الیاف خوب و ظرافتی بیشتر از دو تیپ دیگر است.

نژاد عربی^۱

تاریخچه و پراکنش

در مورد تاریخچه و منشاء اصلی گوسفندان عربی اطلاعات دقیقی در دست نیست. با توجه به ذائقه‌ی خاص مردم منطقه‌ی خوزستان نسبت به گوشت این گوسفند، این نژاد از اهمیت خاصی برخوردار است. همچنین به دلیل این که گوسفند عربی یک دام گوشتی-پشمی محسوب می شود علاوه بر گوشت، پشم آن نیز اهمیت ویژه ای در صنعت قالی بافی منطقه دارد.

از نظر پراکندگی، گوسفند عربی بومی حاشیه‌ی غربی و جنوبی منطقه‌ی خوزستان است، به طوری که هر چه از مرکز استان به طرف جنوب غرب (شهرستان دشت آزادگان) در حاشیه‌ی مرز عراق پیش برویم تراکم این نژاد بیشتر می شود. در کشورهایی مانند عراق، سوریه، ترکیه، فلسطین اشغالی و برخی کشورهای غرب آسیا این گوسفند را اصلاح نژاد کرده و به عنوان یک گوسفند گوشتی-پشمی به نام آواسی پرورش می دهند. برخی از محققین عقیده دارند که گوسفند آواسی در حقیقت همان گوسفند اهوازی یا عربی می باشد.

خصوصیات ظاهری

پوشش بدن ممکن است به رنگ های سفید، سفید مایل به زرد و قهوه ای روشن یا تیره باشد. به علت آمیزش های غیر اصولی، تعدادی گله ای مخلوط سیاه و سفید و قهوه ای یکدست دیده می شود که این لکه های رنگی ممکن است گسترش کم یا زیاد داشته باشد. در اغلب این گوسفندان لکه های رنگی اطراف چشم (که باعث مقاومت گوسفند در مقابل تابش آفتاب می شود) به رنگ های سیاه و قهوه ای مشاهده می گردد که در انتخاب الگو های این نژاد حتماً باید این صفت وجود داشته باشد.

صفت	قوچ	میش
وزن (کیلو گرم)	۶۰ تا ۶۵	۴۵ تا ۵۰
ارتفاع (سانتی متر)	۷۰ تا ۷۵	۶۵ تا ۷۰

نژاد آواسی



خصوصیات

این نژاد از گوسفند های نژاد های مدیترانه ای است و در سرزمین های بین النهرین، سوریه، ترکیه، اردن، لبنان، فلسطین اشغالی و عراق یافت می شود. در عراق ۶۰ درصد از کل گوسفندان از نژاد آواسی^۱ هستند و حدود ۲۰۰ هزار راس از این نژاد را می توان در نواحی جنوبی ترکیه یافت. همچنین این نژاد دارای انواع مختلفی است که بر اساس محل زندگی نام های مختلفی دارند. گوسفند بلدی و همچنین گوسفند دیری از انواع گوسفند آواسی می باشند که به ترتیب در شرق و غرب سوریه پراکنده هستند. نوع دیگری از نژاد آواسی در عراق و الجزایر وجود دارد که گوسفند جزیره نامیده می شود. گوسفند جزیره زودرس تر از نوع معمولی آواسی است ولی تولید شیر بالایی ندارد.

گوسفند آواسی در نواحی مختلف بر اساس لهجه های متفاوت دارای نام های گوناگونی است که عبارتند از: آوازی، ال عوض، ایوسی، اوسی و یوسی. همچنین در ترکیه این نژاد را به نام ایوزی یا گوسفند عرب و در سوریه آن را به نام نعیمه یا شامی می شناسند.

دارای بدن سفید رنگ، سر و اندام های حرکتی قرمز متمایل به قهوه ای است و انتهای اندام های حرکتی به ندرت سیاه، سفید، خاکستری یا لکه دار می باشد. قوچ ها دارای شاخ های چین دار و طویل به طول ۴۰ سانتی متر و میش ها دارای شاخ های کوتاه و یا بی شاخ هستند. قسمت جلوی گردن و پاها قهوه ای رنگ است و در بعضی از آن ها لکه های سفیدی بر روی پیشانی دیده می شود.

این نژاد دارای دنبه ی بزرگی است که تا نزدیکی مفصل خرگوشی ادامه دارد و ۴ تا ۵ کیلوگرم است. در شرایط مناسب تغذیه وزن دنبه امکان دارد تا ۶ کیلوگرم در میش و ۱۰ کیلوگرم در قوچ برسد. این نژاد از نظر تولید شیر بسیار با اهمیت است و تولید بسیار بالایی دارد. میزان تولید شیر در این نژاد ۱۲۳ تا ۱۸۱ کیلوگرم در طول ۱۶۸ تا ۱۹۰ روز شیردهی با ۷ درصد چربی است. از شیر آن ها برای تهیه ی ماست، روغن حیوانی، کره و پنیر استفاده می شود. گوشت این گوسفند نیز خوب است و دارای ۵۰ تا ۵۵ درصد راندمان است. پشم این نژاد در میش های اصلاح شده ۲/۵ تا ۳ کیلوگرم و در قوچ ها ۴ کیلوگرم است. پشم این گوسفند ضخیم و دارای تیپ های متفاوتی است و در تولید قالی، پتو و پارچه های پشمی استفاده می شود.



میش ها اولین زایش را در سن ۱۵ ماهگی انجام می دهند و در طول سال ۲ بار زایش می کنند. نسبت دوقلو زایی ۵ تا ۱۰ درصد است و نسبت بره زایی بالایی می باشد. وزن بره های نر در هنگام تولد ۴ تا ۴/۶ کیلوگرم و وزن بره های ماده ۳/۴ کیلوگرم است. همان طور که گفته شد این نژاد انواع متفاوتی دارد که نوع اصلاح شدهی آن بیشتر در فلسطین و عراق یافت می شود. و از جملهی این گوسفندان می توان گوسفندان نعیمه و شفالی را در عراق و نوع اصلاح شدهی آواسی را در فلسطین یافت.

الف) نعیمه

گوسفند نعیمه از گوسفند آواسی است که در عراق وجود دارد. بدن این گوسفند نسبت به نوع معمولی آواسی دارای جثهی کوچک تر و ساق های عضلانی تر است. به علاوه کیفیت پشم در این نوع و مقدار تولید شیر نیز بیشتر است. گوسفند نعیمه معمولاً دارای صورت سیاه است ولی انواع دیگری نیز وجود دارد که در آن ها نه تنها صورت بلکه پشم های ناحیهی گردن نیز قرمز رنگ است. قبیلهی جبل شمر در شمال منطقهی دلیلم عراق پرورش دهندهی اصلی گوسفند نعیمه است.

ب) شفالی

در عراضی آبیاری شده‌ی جنوب مرکزی عراق و در منطقه ای به نام کوت لیوا نوعی از گوسفند آواسی پرورش داده می شود که به نام گوسفند شفالی معروف است. گوسفند شفالی نسبت به نوع معمولی آواسی دارای جثه‌ی درشت تر و زود رس تر است. رنگ این گوسفند معمولاً خرمایی و گاهی اوقات سیاه است.

پ) نوع اصلاح شده‌ی آواسی

منشاء اصلی این گوسفندان از گوسفندان هیریک ناحیه‌ی سی زر کردستان ترکیه و نزدیک مرز سوریه و عراق است. وزن زنده‌ی میش های هیریک در حدود ۴۰ تا ۴۵ کیلوگرم و سر آن ها معمولاً به رنگ خاکستری و به ندرت سفید یا قهوه ای می باشد. از آمیزش قوچ های انتخاب شده‌ی آواسی و میش های هیریک ابتدا نوع اصلاح شده‌ی آن به دست آمد و در مرحله‌ی بعد انتخاب از نظر افزایش تولید شیر و کاهش نسبت گوسفندان دارای گوش کوچک در گله و افزایش نسبت گوسفندان با پشم یک دست در گله عملی گردید. امروزه در گوسفندان آواسی میانگین طول دوره‌ی شیر دهی ۲۰۰ روز است. شیر میش های که مقدار تولیدشان به ۳۷۰ کیلو برسد در حدود ۷ درصد چربی دارد.

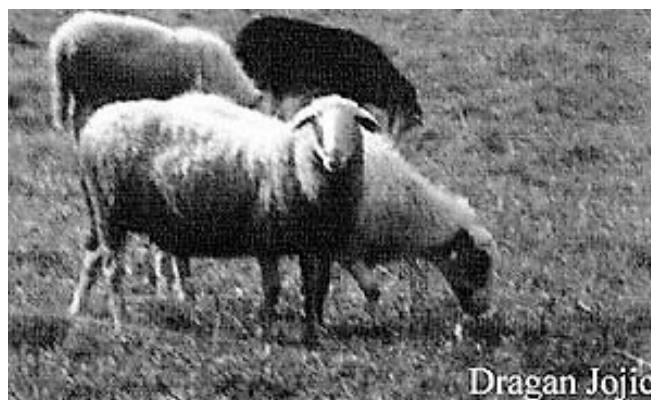
نژاد بوسکا**تاریخچه و پراکنش**

منشاء نژاد بوسکا^۱ دره‌ی شهر بوک است که در بالای دره‌ی سوفلورینا^۲ در شمال غربی کشور اسلونی و نزدیک مرز ایتالیا واقع شده است. گوسفندان ساکن در دره‌ی ترنتا^۳ را ترنتارکا^۴ و گوسفندان دارای گوش های کوتاه را ترنتارکای خالص^۵ می نامند. گوسفند نژاد بوسکا در سراسر رشته کوه آلپ پراکنده می باشد. در گذشته این نژاد در ناحیه‌ی پهناور تالمین^۶ پرورش می یافته ولی پس از سال ۱۹۵۰ میلادی تعداد گوسفندان این نژاد به سرعت کاهش یافت. چراگاه های کوهستانی که گوسفند ها و بز ها در آن می چریدند، رها

1-Bovska
4-Trentarka

2- Soflorina
5- Pure Trentarka

3- Trenta
6- Tolmin



شده و در برخی از مناطق و مراتع کوهستانی دام و گله های گاو جایگزین شدند. در منطقه‌ی تالمین در حدود ۲۰ چراگاه کوهستانی برای گوسفندان وجود داشت، ولی در بین سال های ۱۹۸۴ تا ۱۹۹۴ میلادی به سه چراگاه کوهستانی برای ۶۰۰ راس گوسفند کاهش یافت. امروزه گوسفندان این نژاد در دره‌ی ترنتا و برخی از دره های کوچک تر مانند کوریتنیکا^۱ و لپنا^۲ واقع در بالای دره‌ی سوفلورینا نگه داری می شوند. بر اساس برآورد انجام شده، حدود ۸۰۰ راس از گوسفندان این نژاد باقی مانده اند. این گوسفندان معمولاً به صورت گله های کوچک ۱۰ تا ۲۰ راسی که گاهی به ۴۰ راس یا بیشتر نیز می رسد نگه داری می شوند. شیر این نژاد بیشتر برای تولید پنیر و گاهی اوقات برای فروش مورد استفاده قرار می گیرد.

خصوصیات ظاهری

گوسفند نژاد بوسکا دارای سر کوچک و محدب، پیشانی پوشیده از پشم بسیار زبر با رشته های تقریباً ۴۴ میکرونی و بدون شاخ است. میانگین وزن قوچ ها در سال بین ۴۵ تا ۵۰ کیلو گرم و میانگین وزن میش ها بین ۳۵ تا ۴۰ کیلوگرم است. این گوسفندان در سال یک مرتبه زایش انجام می دهند و حدود ۱۰ درصد دو قلو زایی دارند. سالانه از هر گوسفند ۱/۲ تا ۱/۵ کیلوگرم پشم به دست می آید ولی از پشم آن ها امروزه حتی در خانه ها هم استفاده نمی شود. رنگ این نژاد سفید است، ولی برخی از آن ها به رنگ قهوه ای یا سیاه نیز هستند.

1- Koritnica

2- Lepena

آن دسته از گوسفندان ساکن در دره‌ی ترنتا، معمولاً گوش‌های کوچکی دارند، ولی در دره‌ی بوک و اطراف آن گوسفندان گوش‌های بلند تر و وزن بیشتری دارند.

خصوصیات تولیدی

محصول اصلی این نژاد شیر است. طول دوره‌ی شیر واری ۱۰۰ تا ۱۴۰ روز است و در این مدت ۶۵ تا ۸۰ کیلوگرم شیر تولید می‌کنند. میزان افزایش وزن روزانه‌ی بره‌ها بین ۱۵۰ تا ۲۱۰ گرم در روز است. بره‌های این نژاد در ۵۰ تا ۸۰ روزگی کشتار می‌شوند. گوشت این نژاد نرم و دارای کمترین میزان چربی است.

نژاد برک ناک



منشاء نژاد برک ناک^۱ به کوه‌های برکون بیکن^۲ در ولز انگلیس و در حدود ۴۰۰ سال پیش بر می‌گردد. این نژاد از گوسفند بوردر^۳ با صورت کوچک به وجود آمده است. در گذشته برای بهبود کیفیت پشم، گوسفندان کوه‌های برکون بیکن ولز را با گوسفند کوهی ولش آمیزش دادند. در سال ۱۸۵۰ میلادی از نژاد لایسیستر برای اصلاح این نژاد استفاده کردند، که

1- Brecknock

2- Brecon Beacon

3- Border

نتیجه‌ی آن به وجود آمدن دو نژاد برک ناک هیل^۱ و سنی بریج^۲ به صورت امروزی شد. گوسفند خالص این نژاد، دارای رنگ های متنوع و بسیار زیادی است. گوسفند برک ناک مانند اجداد خود جثه ای کوچک، گوش های راست و صورت سفیدی دارد و پشت گوش های آن کمی پشم وجود دارد.

قوچ ها و میش ها بی شاخ هستند ولی گاهی قوچ های دارای شاخ نیز دیده می شود. پشم این گوسفندان ۶ تا ۱۰ سانتی متر طول و ۱/۵ تا ۲/۵ کیلوگرم وزن دارد و بیشتر برای تولید فاستونی و کشباف استفاده می شود.

نژاد بلک ولش مانتین



در قرون وسطی نژاد بلک ولش مانتین^۳ به دلیل کیفیت برتر گوشت مطرح بوده است. این نژاد دارای پشم سیاه رنگی به نام کوچرو (قهوه ای مایل به قرمز) بود. در طی قرن نوزدهم برخی از پرورش دهندگان شروع به انتخاب گوسفندان سیاه رنگ از بین

1- Brecknock Hill

2- Senny bridge

3- Black Welsh Mountain

گوسفندان بومی کردند که در نتیجه، این نژاد پایه گذاری شد. گوسفندان خالص این نژاد امروزه در سراسر بریتانیا پراکنده شده اند. علاوه بر بریتانیا گله هایی از این نژاد در ایرلند و آمریکا وجود دارد. این گوسفند تنها نژاد کاملاً سیاه در بریتانیا است.

این گوسفند، سیاه رنگ و دارای جثه‌ی کوچکی است. صورت و اندام های حرکتی از زانو به پایین پوشیده از پشم هستند. قوچ های این نژاد دارای شاخ و میش ها بی شاخ می باشند. پشم نرم و زیاد این گوسفندان به دلیل داشتن رنگ سیاه، جلوه‌ی خاصی در ترکیب با سایر پشم های رنگی از خود نشان نمی دهد و اصولاً از آن استفاده نمی شود.

میانگین تولید پشم گوسفندان در نژاد ولش ۵/۵ تا ۹ کیلوگرم و طول پشم آن ۸ تا ۱۰ سانتی متر است. در کشور های آمریکا، کانادا و ژاپن دوزندگان خانگی از پشم این نژاد استفاده می کنند. گوشت گوسفند این نژاد دارای کیفیت معمولی، حد اقل چربی و آبدار است. زمان زایش بره از فوریه تا مارس و گاهی آوریل است.

درصد زایش میش ها ۷۵ درصد و در گله های انتخابی ۲۰۰ درصد است. این گوسفند به حمله‌ی مگس ها و عفونت اندام های حرکتی مقاوم است. برای تولید بره های پرواری، قوچ های پرواری با میش ها آمیزش داده می شوند.

نژاد باربادوس بلک بلی

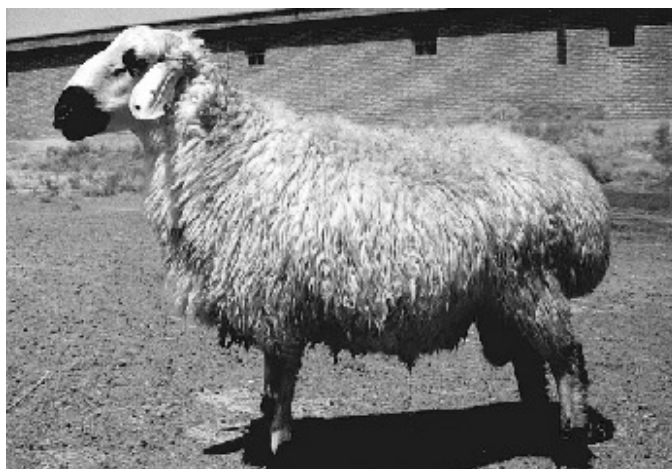


گوسفند نژاد باربادوس بلک بلی^۱ در منطقه‌ی باربادوس در کشور انگلیس زیست می کند. در بیشتر مطالعات منشاء این نژاد جزیره‌ی باربادوس بیان شده است. پس از پیوستن این جزیره به کشور انگلیس در سال ۱۶۲۷ میلادی، برخی از خصوصیات موجود در این گوسفندان با خصوصیات گله های اروپایی و آمریکایی متفاوت شد.

بدن این گوسفند معمولاً بدون پشم است. رنگ آن قهوه ای یا زرد بوده و قسمت های زیرین بیشتر سیاه رنگ هستند. خال های سیاهی روی بینی و پیشانی دارند و رنگ چشم ها نیز سیاه است. اندازه‌ی سر متوسط بوده و با گردن و بدن هماهنگی دارد. میش ها و قوچ ها بدون شاخ هستند. گردن در میش ها اندازه‌ی متوسطی دارد و نسبت به اندازه‌ی بدن باریک است ولی در قوچ ها سنگین و قوی می باشد.

دارای کمر پهن، ران های قوی و پُر مانند بز، دنبه‌ی آویزان و دمی در قسمت پایین کفل است. این گوسفند از نظر ظاهر شبیه گوزن است و تحرک بسیار زیادی دارد. در مقایسه با دیگر نژاد ها، بره های این نژاد رشد کمتری دارند.

نژاد بلوچی



1- Barbados Black Belly

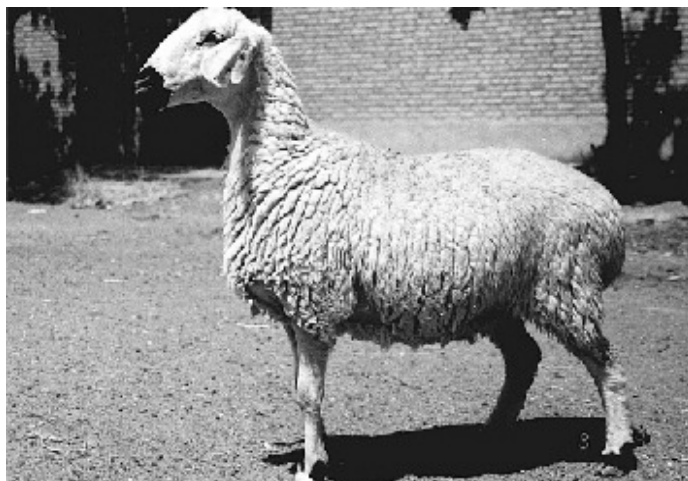
تاریخچه

در رابطه با تاریخچه‌ی پرورش و پیدایش گوسفند بلوچی^۱ اطلاعات مستندی موجود نیست، ولی ایجاد بیش از ۲۹ درصد گوسفندان ایران از این نژاد دلالت بر قدمت گوسفند بلوچی دارد. این نژاد در کلیه‌ی شهرستان‌های استان سیستان و بلوچستان و قسمت عمده‌ی جنوب خراسان پراکنده است. همچنین در استان‌های خراسان، کرمان و قسمتی از یزد و اصفهان نیز پرورش داده می‌شود. در حدود ۲ میلیون راس گوسفند بلوچی در کشور موجود می‌باشد.

خصوصیات ظاهری

گوسفند بلوچی دارای استخوان بندی قوی، بدن مستقیم و استعداد کافی برای راه پیمایی بوده و سرعت صعود آن در مراتع کوهستانی به خاطر سبک بودن وزن و کوچک بودن نسبی دنبه قابل ملاحظه است. این نژاد دارای سری کوچک (در مقایسه با جثه‌ی حیوان) همراه با لکه‌های اختصاصی این نژاد می‌باشد. نیم رخ صاف، بینی باریک، بدون انحناء و چین خورده، حدقه‌ی چشم کم و بیش برجسته و پوزه باریک است. گوش گوسفند نژاد بلوچی پهن و افتاده و به طور متوسط دارای ۱۹ سانتی متر طول و ۸ سانتی متر عرض است. گردن کوتاه با رشد متوسط، شانه غیر عضلانی، سینه کم عمق، پشت صاف و رشد عضلات متوسط است. این گوسفند بدون شاخ است و به ندرت می‌توان آثار شاخ را در قوچ‌ها مشاهده کرد. از مشخصه‌های نژاد بلوچی رنگ سفید و لکه‌های سیاه در انتهای اعضاء و پوزه‌ی حیوان است. در بین این نژاد انواعی یافت می‌شود که می‌توان از آن‌ها به شرح زیر نام برد.

کفتر گوش: این تیپ دارای لکه‌های اختصاصی گوسفند بلوچی است و علاوه بر آن لکه‌های سیاهی روی گوش‌ها دارد. سیاه گوش: در این تیپ، گوش‌ها یکدست سیاه بوده و سیاهی پوزه از حد عادی بیشتر است. گل دنبه: این تیپ دارای لکه‌ی سیاه بر روی دنبه است.



کیوتر سوز: تیپ کیوتر سوز به گوسفندانی از نژاد بلوچی اطلاق می شود که لکه های اختصاصی در آن ها به حداقل رسیده باشد. این گروه دارای جثه ای کوچک و جمع و جور تر از نژاد بلوچی معمولی است و از نظر ظرافت و مجعد بودن پشم در قسمت پشت کم و بیش بر نژاد بلوچی برتری دارد.

صفت	قوچ	میش
وزن (کیلو گرم)	۴۵ تا ۵۰	۴۰ تا ۴۵
ارتفاع (سانتی متر)	۶۰ تا ۷۰	۶۰ تا ۶۵

خصوصیات تولیدی

به علت رشد سریع پشم در این نژاد معمولاً پشم چینی در دو نوبت انجام می گیرد. پشم گوسفندان بلوچی رنگ کاملاً سفیدی دارد به خاطر کیفیت خاص آن مورد توجه است. اولین پشم چینی بره ها در سن ۵ تا ۶ ماهگی انجام می گیرد. مقدار پشم تولیدی بره ها ۷۰۰ تا ۸۰۰ گرم است.

گوسفند بهمنی**تاریخچه و پراکنش**

نژاد بهمنی^۱ از نژاد های قدیمی استان کهگیلویه و بویر احمد می باشد و در مناطق گرمسیری این استان زندگی می کند.

خصوصیات ظاهری

رنگ بدن سفید (سی سار) می باشد. ۳۵ تا ۴۵ درصد از گوسفندان گله های موجود، در انتهای پوزه و انتهای اندام های حرکتی، مفصل خرگوشی، دور حذقه ی چشم و گوش ها رنگ سیاه یا قهوه ای دارند. اکثراً دارای گوش های پهن و برگه شکل، کمر کشیده و راست و صورت کشیده و دوزنقه ای هستند. از نظر شاخ به دو شکل شاخ دار و بی شاخ دیده می شوند. بعضی از میش ها، شاخ و اندام های حرکتی ظریف و کشیده ای دارند و دارای مقاومت زیاد برای راه پیمایی در شرایط عشایری نیستند.

صفت	قوچ	میش
وزن (کیلو گرم)	۶۵ تا ۷۵	۴۵ تا ۵۰
ارتفاع (سانتی متر)	۷۰ تا ۷۵	۶۰ تا ۶۵

نژاد کالیفرنیا وریجیتد موتانت^۱ (سی وی ام)



تاریخچه و پراکنش

گوسفند نژاد سی وی ام از نژاد رُمِلدال^۲ به وجود آمده است. گوسفندان رُمِلدال، خالص و سفید بودند تا این که در سال ۱۹۶۰ میلادی در گله‌ی گوسفندان رُمِلدال یک بره‌ی ماده‌ی رنگی و چند سال بعد بره‌ی نر رنگی دیده شد. از آمیزش این دو گوسفند رنگی نژاد رُمِلدال، گوسفند نژاد سی وی ام پایه گذاری شد. گوسفندان نسل بعد رنگی بودند و پس از چند نسل آمیزش، گوسفندان امروزی به وجود آمدند. دلیل برتری نژاد سی وی ام نسبت به نژاد رُمِلدال، آسان زایی، دو قلو زایی و کیفیت بالای پشم بود. طی ۱۵ سال به جز گوسفندان دارای توان ژنتیکی بالا، هیچ گوسفندی از این نژاد فروخته نشد. از آن زمان تا به حال، این نژاد در کالیفرنیا به صورت خالص نگه داری می شود، ولی در نقاط دیگر با نژاد هایی مانند رامبویه، لینکلن، پُلی پی^۳، سافولک و نژاد های دیگر آمیزش داده شده است.

1- California Variegated Mutant (CVM)

2- Romeldale

3- Polypay

خصوصیات ظاهری

این گوسفند صورتی سفید و بدن و پشم های نرمی دارد. بعضی اوقات روی پیشانی آن ها نیز پشم دیده می شود. دارای اندامی درشت، استخوان بندی خوب، کمر راست و کشیده و ماهیچه های قوی است. گوش هایی متوسط، گردن و شانه های صاف و اندام های حرکتی قوی با طول متوسط دارد و رنگ سم ها سیاه است. میانگین وزن قوچ های بالغ ۳۴ تا ۹۰ کیلوگرم و میانگین وزن میش ها ۵۴ تا ۶۸ کیلوگرم است. میش ها مادران خوبی هستند و طول عمر زیادی دارند و میزان آسان زایی و دو قلو زایی آن ها بالاست. اگر میش ها در کنار قوچ ها باشند، در هنگام شیر دهی هم می توانند زایش کنند.

رنگ بدن این گوسفند متنوع و شامل رنگ های خاکستری تیره، سیاه، قهوه ای و خال خالی است. پشم این نژاد کیفیت خوبی دارد. میانگین سالانه ی تولید پشم آن ۳/۶ کیلوگرم است. طول پشم در ۱۲ ماهگی به ۱۰ تا ۱۵ سانتی متر می رسد.

نژاد کسل میلک موریت



تاریخچه و پراکنش

منشاء نژاد کسل میلک موریت^۱، نژاد شتلند^۲ و احتمالاً گوسفند موفلون وحشی^۳ است. این نژاد اسکاتلندی دوران پر فراز و نشیبی را پشت سر گذاشته و حتی در سال ۱۹۷۰ میلادی از آن ها یک راس قوچ و ۱۰ راس میش باقی مانده بود. به همین دلیل این نژاد را جزء نژاد های نادر و کمیاب به شمار می آورند. این چند راس باقی مانده، بنیان نژاد کسل میلک موریت امروزی را پایه گذاری کردند و به همین علت این گوسفندان شباهت و وابستگی زیادی به یکدیگر دارند. در سال ۱۹۸۵ میلادی تعداد این گوسفندان به ۹۵ راس میش و در سال ۱۹۸۹ به ۱۲۰ راس میش افزایش یافت.

خصوصیات

این گوسفند جثه‌ی کوچک و ظریف و اندام های حرکتی درازی دارد. پشم های کوتاه و محکم این نژاد به رنگ قهوه ای مایل به زرد بوده و به موریت^۴ معروف است. رنگ پشم ها در نیمه‌ی ابتدایی قهوه ای تیره و در نیمه‌ی انتهایی روشن تر است. از پشم این نژاد پارچه های خوبی تولید می شود. بر خلاف نژاد های کوری و پارک سوی^۵ کاملاً رام و قابل نگه داری است. این نژاد بسیار مقاوم بوده و تمام سال را در مرتع می گذراند. میش های این نژاد گوساله زایی آسانی دارند و یک بار در سال (گاهی دو بار) زایش انجام می دهند. قوچ ها دارای شاخ های مارپیچ و سنگینی هستند. قوچ های بالغ مقدار کمی گوشت تولید می کنند.

نژاد کلان فارست

تاریخچه و پراکنش

نژاد کلان فارست^۶ از آمیزش نژاد های هیل راندنور^۷ و شراب شایر^۸ با نژاد کری هیل در سال ۱۸۶۵ میلادی به وجود آمده است. دلیل این آمیزش ها و ایجاد این نژاد، خصوصیات برتر آن مانند مقاومت و باروری بالا بوده است، این نژاد در آن زمان جزء معروف ترین و مهم ترین نژاد ها به شمار می آمده است. این گوسفند نام خود را از شهر قدیمی کلان واقع در

1- Castle Milk Moorit

4- Moorit

7- Hill Randnor

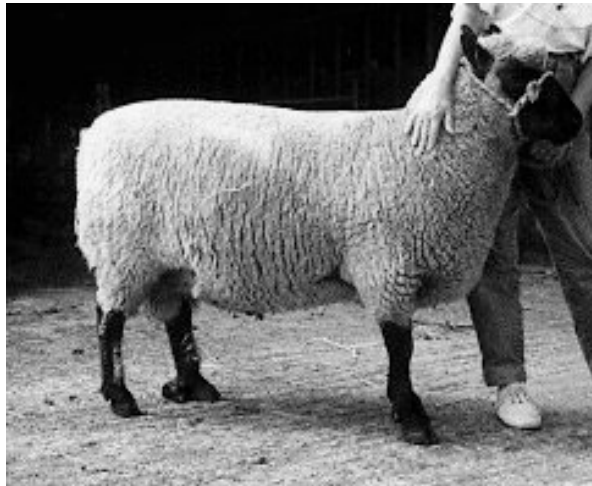
2- Shetland

5- Park Soay

8- Shropshire

3- Wild Mouflon

6- Clun Forest



دره‌ی زیبای کلان در گوشه جنوب غربی منطقه شراب شایر گرفته است. حتی در اوایل سال ۱۸۷۰ میلادی و حتی با وجود بحران کشاورزی در بریتانیا، گوسفندانی مانند این نژاد باقی ماندند چون مقاومت بالا و قابلیت تولید در شرایط سخت را داشتند و حتی گوسفندان برتر توسط دامداران انتخاب می شدند. این نژاد یک نژاد کوهی است که در ارتفاع ۱۶۳۰ متر بالا تر از سطح دریا زندگی می کند.

خصوصیات

دارای سری کشیده به رنگ قهوه ای تیره و گوش هایی با طول کوتاه تا متوسط است. پشم در این نژاد کوتاه و با کیفیت و درجه‌ی الاستیکی بالا می باشد. میانگین زایش میش ها در بریتانیا ۱۷۳ درصد است و اگر آمیزش ها طبیعی باشد ۶۰ تا ۸۰ درصد بره زایی دارند. میش ها تا سن ۷ الی ۸ سالگی و یا گاهی تا ۱۲ سالگی بره زایی دارند.

نژاد کورمو



نژاد کورمو^۱ از آمیزش نژادهای کاریدال^۲ و ساکسون مرینوس^۳ در سال ۱۹۶۰ میلادی و در کشور تاسمانی واقع در استرالیا به وجود آمده است. نام گوسفند کورمو از نام والدین خود یعنی کاریدال و مرینو گرفته شده است. دلیل ایجاد این نژاد احساس نیاز به گوسفندی بارور تر و دارای پشمی با کیفیت بهتر بود. برای رفع این نیاز یا باید پشم خریداری می شد و یا یک برنامه‌ی پرورش برای رفع این نیاز پیش بینی می شد. بر اساس تحقیقات و بررسی های انجام شده در استرالیا، برنامه های آمیزشی در کشور تاسمانی انجام گرفت. طبق این برنامه قوچ های کاریدال با ۱۲۰۰ گوسفند برتر نژاد ساکسون مرینو آمیزش داده شدند و هسته‌ی اولیه‌ی نژاد کورمو پایه گذاری شد.

1- Cormo

2- Corriedale

3- Saxon Merinos

نژاد دامارا



تاریخچه و پراکنش

منشا نژاد دامارا^۱ آسیای شرقی و مصر بوده و این نژاد طی سالیان متمادی به قاره‌ی آفریقا و کشور های نامیبیا و آنگولای امروزی منتقل شده است. گوسفند دامارا سال ها در منطقه‌ی محدود شده‌ی نامیبیا زندگی می کرده، بنابراین از تاثیر نژاد های دیگر در امان بوده است. امروزه این گوسفندان در شمال غربی کشور آنگولا به صورت خالص نگه داری می شوند. نام این نژاد از شهر گراس دامار لند^۲ یعنی موطن اصلی آن گرفته شده است.

خصوصیات

این نژاد اصولاً خصوصیات یک نژاد صحرایی مانند بدن تنومند و عضلانی، اندام های حرکتی دراز، دنبه‌ی بزرگ، مو های کوتاه و بدنی لاغر و کشیده (استوانه ای شکل) را دارد. رنگ بدن آن دارای طیف گسترده ای از رنگ ها می باشد. مو های کوتاهی دارد و در فصل

1- Damara

2- Damar Land

زمستان لایه ای پشم در زیر مو قرار می گیرد. گوسفندان جوان مو هایی بلند با خواص پشمی بیشتری دارند ولی با افزایش سن این خصوصیات را از دست می دهند. پوشش مطلوب در این گوسفند، مو های کوتاه و براق است. قوچ ها معمولا مو های بلند تری در قسمت گلو و سینه دارند.

درصد باروری و غریزه جنسی در این نژاد بالا می باشد. میش ها در تمام سال می توانند زایش انجام دهند و حتی در هشت ماهگی هم قدرت تولید مثل دارند. درصد دو قلو زایی در این نژاد بالا است.

نژاد دارتمور



تاریخچه و پراکنش

گوسفند نژاد دارتمور^۱ در قرن هفدهم از گوسفند کُرنیش^۲ منشأ گرفته است. محل زندگی و پراکندگی این نژاد مناطق پست در ناحیه دارتمور می باشد. دلیل برتری این نژاد توانایی تحمل سرمای زمستان های سخت در اطراف منطقه مور است. در سال ۱۹۰۹ میلادی اتحادیه پرورش دهندگان دارتمور صورت خاکستری، برای بهبود و ارتقاء این نژاد تاسیس

1- Dartmoor

2- Cornish

شد. تمام گوسفندان به روش خالکوبی، گوشواره، شماره‌ی گله‌ها، لکه‌های روی بدن با حروف DM و سال تولد علامت گذاری می‌شوند. هر سال کتابی شامل ثبت گوسفندان و سایر اطلاعات موجود منتشر می‌شود. بازرسی سالانه‌ی تمام بره‌ها انجام می‌گیرد تا فقط انواع سالم این نژاد در دفتر ثبت شوند.

خصوصیات

جثه‌ای متوسط، اندام حرکتی کوتاه، پشم‌هایی بلند و درخشان، صورت سفید با خال‌های سیاه یا خاکستری دارند و فاقد شاخ هستند. پشم تولیدی مورد انتظار در این گوسفندان ۷ تا ۹ کیلوگرم است و در قوچ‌های بالغ به حدود ۱۵ کیلوگرم هم می‌رسد. طول پشم‌ها حدود ۲۰ تا ۲۵ سانتی‌متر است که برای پتو فاستونی و پارچه‌های پشمی مورد استفاده قرار می‌گیرد.

نژاد دالاق^۱ (آتابای)



محل اصلی پرورش این نژاد منطقه‌ی ترکمن صحراست.

خصوصیات ظاهری

شکل عمومی بدن به صورت کشیده و اندام های حرکتی بلند و گوش های بلند هستند و فاقد شاخ می باشد. روی بینی قوس دار، حدقه چشم برجسته و پیشانی پوشیده از پشم است. اندام های حرکتی دارای قلم درشت، رنگ پیشانی قهوه ای سبز تا روشن و گونه، سر و روی بینی قهوه ای سبز تا روشن است.

میش	قوچ	صفت
۴۵ تا ۵۰	۶۰ تا ۷۰	وزن (کیلو گرم)
۶۵ تا ۷۰	۷۰ تا ۷۵	ارتفاع (سانتی متر)

نژاد دُرسِت^۱ (درست هورن و پولد درست)



1- Dorset (Dorset Horn & Polled Dorset)

قرن ها پیش با ورود اسپانیا برای فتح انگلیس به این کشور، تعدادی گوسفند مرینو به جنوب غربی انگلیس آورده شد. در اثر آمیزش گوسفند مرینو با گوسفند نر شاخ دار، نژاد چند بهره ای به نام درست هورن، مطابق با نیاز های آن زمان به وجود آمد. سپس این نژاد در مناطق دُرست، سامرست، دُوون و ولز پراکنده شد.

درسال ۱۹۵۱ میلادی در گله‌ی گوسفندان درست هورن دانشکده‌ی ایالتی کالیفرنیا‌ی جنوبی جهش ناگهانی رخ داد و چهار بهره‌ی بدون شاخ به دنیا آمد که بعد ها این بره ها منشاء گوسفندان پولد درست گردیدند.

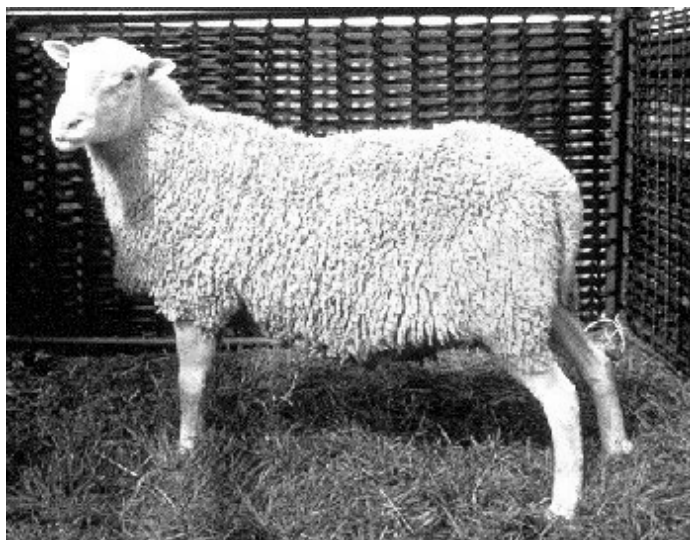
امروزه تعداد کنونی پولد دُرست خیلی بیشتر از دُرست هورن است. این موضوع فقط شامل آمریکا نمی شود و در سایر کشور هایی که درست ها رایج هستند نیز همین طور است و دلیل آن به انتخاب تولید کنندگان گوسفند بر می گردد. تعداد درست ها به اندازه ای زیاد شده که به نژاد شماره‌ی یک صورت سفید در آمریکا تبدیل شده است. این نژاد از نظر تعداد در آمریکا، پس از سافوک در رتبه‌ی دوم قرار دارد.

هم گوسفندان پولد درست و هم درست هورن دارای صورتی تمام سفید، طول بدن مناسب و ساختار عضلانی هستند که برای تولید بره هایی با اندام دلخواه مناسب است. وزن قوچ ها بین ۸۵ تا ۱۲۵ کیلوگرم و وزن میش ها بین ۶۰ تا ۸۵ کیلوگرم است. گوسفند های درست هورن شاخ های پیچیده و رو به جلو دارند. دارای اندام های یک نژاد گوشتی مناسب است و ران های عضلانی و پر گوشتی دارد.

پشم آن بسیار سفید، قوی و بدون الیاف مشکی است. وزن پشم تولیدی بین ۲/۲۵ تا ۴ کیلو گرم با خلوص ۵۰ تا ۷۰ درصد است. طول پشم بین ۶ تا ۱۰ سانتی متر و قطر آن ۲۷ تا ۳۲ میکرون است. از نظر تولید شیر نیز مطلوب است و گله های انتخابی تولید شیر بالایی دارند.

از ویژگی های بارز این نژاد، زایش غیر فصلی است و بر خلاف مرینو که دارای فصل طبیعی برای جفت گیری است آن ها توانایی آمیزش در همه‌ی فصول سال را دارند. نسبت بره زایی ۱/۳ تا ۱/۸ و درصد دو قلو زایی بالاست.

نژاد فین شیپ



تاریخچه و پراکنش

نژاد فین شیپ^۱ چند صد سال قدمت داشته و از نسل موفلون وحشی ساکن در مناطق ساردینیا^۲ و کرسیکا^۳ به وجود آمده است. گفته می شود که آن ها حتی به سایر گوسفندان دم کوتاه اسکاندیناوی هم مربوط می شوند. موطن اصلی گوسفند نژاد فین شیپ یا فینش لندریس^۴، کشور فنلاند است. اتحادیه ی پرورش دهندگان این نژاد در سال ۱۹۱۸ میلادی تاسیس شد. دستور العمل پرورش این نژاد در کشور فنلاند با تاکید بر جثه ی بره ها، قدرت مادری، میزان رشد و تولید پشم صادر شده است. این نژاد در سال ۱۹۶۶ میلادی به کشور آمریکا و در سال ۱۹۶۸ میلادی به کشور کانادا صادر شد. در طول ۱۵ سال گذشته بیشترین تحقیق در بین نژاد های مختلف کشور کانادا بر روی نژاد فین شیپ بوده است.

1- Finn Sheep
4- Finnish Landrace

2- Sardinia

3- korsika

خصوصیات

میانگین وزن قوچ های بالغ ۶۸ تا ۹۰ کیلوگرم و میانگین وزن میش ها ۵۴ تا ۸۶ کیلوگرم است. پشم حاصل از یک میش بالغ بین ۱/۸ تا ۳/۶ کیلوگرم با قطر ۵۰ تا ۶۰ یا ۲۳ تا ۳۱ میکرون و طول ۷/۶ تا ۱۵/۲ سانتی متر است.

نژاد فراهانی^۱**پراکنش**

محل پرورش این نژاد شهرستان های آشتیان، فراهان و اراک می باشد.

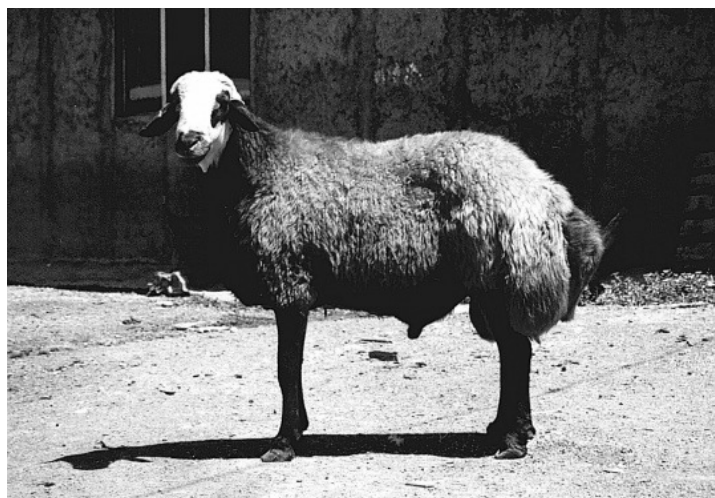
خصوصیات ظاهری

رنگ پوشش بدن سفید متمایل به نخودی بوده و اطراف پوزه، دور چشم و گاهی اشک ریز ها، اطراف گوش ها و انتهای اندام های حرکتی دارای لکه های سیاه رنگ است. دور بینی در میش صاف و کشیده و در قوچ دارای انحنا و قوس کمی می باشد. گوسفندان

این نژاد دارای سر و گوش کوچک بوده و هر دو جنس فاقد شاخ می باشند. دنبه‌ی آن ها گرد و یک تکه بوده و دنبالچه ای گرد از وسط دنبه منشعب شده است. قالی های بافته شده از پشم این نژاد به دلیل مرغوبیت الیاف آن معروفیت زیادی در سطح کشور و حتی جهان دارد. متأسفانه به علت افزایش قیمت پوست و گوشت و پایین بودن قیمت پشم، دامپروران برای افزایش درآمد خود و نیز به دلیل نداشتن آگاهی از عوارض ناشی از ترکیب نژادی، از قوچ های نژاد های پوستی یا گوشتی (بسته به وضعیت بازار و رونق هر یک از این محصولات و نوسانات قیمت ها) برای آمیزش با این نژاد استفاده می نمایند که نهایتاً سبب آمیخته شدن گوسفند فراهانی با گوسفندان دیگر شده است.

صفت	قوچ	میش
وزن (کیلو گرم)	۵۰ تا ۶۰	۴۰ تا ۴۵
ارتفاع (سانتی متر)	۷۰ تا ۷۵	۶۰ تا ۶۵

نژاد فشندی^۱



پراکنش

بیلاق این گوسفند در مراتع مرتفع طالقان، کندوان، کرج و شمیرانات و قشلاق آن در حاشیه‌ی دشت قزوین، ساوجبلاغ و شهریار می باشد. منطقه‌ی میان بند آن در اطراف روستا های محل پرورش است. پرورش این گوسفند به روش روستایی و نیمه عشایری انجام می شود. این گوسفندان در مناطق طالقان، ساوجبلاغ، کرج و شمیرانات بیشتر از نقاط دیگر پرورش داده می شوند.

خصوصیات ظاهری

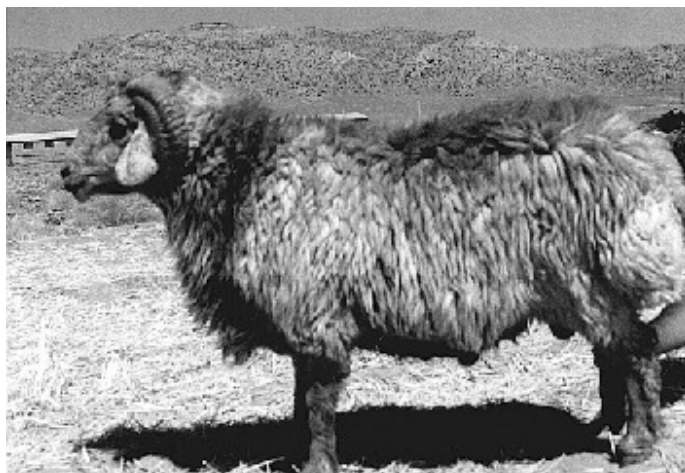
گوسفند فشندی گوسفندی با جثه‌ی متوسط است که دارای رنگ های کرم، قهوه ای سیر، قهوه ای روشن و قرمز روشن می باشد و معمولاً اندام های حرکتی، زیر شکم و سر حیوان رنگ تیره تری دارند. سر دارای لکه‌ی سفید کوچک و با نوار سراسری است که گاهی روی پیشانی را می پوشاند. قوچ ها اغلب شاخ دار و برخی بدون شاخ هستند و میش ها غالباً بدون شاخ می باشند. دنبه دارای اندازه‌ی متوسط و شکاف و دنبالچه ای بزرگ است. این نژاد از نظر مقاومت به شرایط محیطی منطقه، سرعت رشد و تولید مثل دارای اهمیت به سزایی است.

صفت	قوچ	میش
وزن (کیلو گرم)	۶۰ تا ۶۵	۴۵ تا ۵۰
ارتفاع (سانتی متر)	۷۰ تا ۷۵	۶۵ تا ۷۰

خصوصیات تولیدی

این توده سازگاری خوبی با نواحی کوهستانی دارد و از این نظر پرورش این نژاد در مناطق کوهستانی ارزش اقتصادی بالایی دارد. پشم چینی در سال یک بار و بر حسب موقعیت جوی مناطق استقرار گله، از اوایل خرداد ماه آغاز و معمولاً حداکثر تا آخر تیر ماه به پایان می رسد. متوسط تولید پشم هر راس گوسفند در گله های مورد بررسی $۱/۲۴۰ \pm ۰/۵۵$ کیلوگرم است.

نژاد کبوده‌ی شیراز^۱



محل پرورش این نژاد استان فارس است. در اصطلاح فارسی به این نژاد چال می گویند.

خصوصیات ظاهری

گوسفند کبوده به طور کلی به رنگ های سیاه و قهوه ای دیده می شود. این گوسفند در منطقه با توجه به رنگ های مختلف به سوز، ملحه و بور معروف است. صرف نظر از گوسفند های بور که از بدو تولد تا پایان عمر رنگ آن ها قهوه ای باقی می ماند، رنگ بره های سیاه و کبوده در طول عمر تغییراتی پیدا می کند. ولی نکته‌ی جالب این است که مقاومت گوسفندان سیاه نسبت به خاکستری و قهوه ای در برابر بیماری ها و شرایط سخت محیط بیشتر می باشد.

میش	قوچ	صفت
۴۵ تا ۵۰	۶۰ تا ۶۵	وزن (کیلو گرم)
۶۰ تا ۶۵	۷۰ تا ۷۵	ارتفاع (سانتی متر)

خصوصیات تولیدی

در شرایط نکه داری در مرتع، وضعیت دام و وزن آن با توجه به کیفیت مرتع متفاوت می باشد. وزن بلوغ گوسفند کیبده بین ۳۰ تا ۵۶ کیلوگرم است. علاوه بر گوشت تولیدی و بره های مازاد یکی دیگر از تولیدات گوسفند کیبده‌ی شیراز، پشم می باشد. پشم گوسفند کیبده‌ی شیراز از نظر کیفیت نسبت به سایر گوسفند های موجود در منطقه از ارزش کمتری برخوردار است به طوری که معمولاً قیمت آن حداکثر دو سوم قیمت پشم گوسفندان نژاد بلوچی می باشد.

خصوصیات تولید مثلی

تاثیر محیط زیست استان فارس بر تولید مثل گوسفند کیبده حائز اهمیت است. همان طور که می دانیم از نظر فیزیولوژیکی دوره‌ی فعالیت جنسی گوسفند با کاهش طول روز شروع می شود. بنابراین با توجه به شرایط آب و هوایی کشورمان همیشه اواخر تابستان و اوائل پاییز بهترین فصل آمیزش گوسفند محسوب می شود. علاوه بر فصل، مسئله‌ی تغذیه و کم و زیاد شدن آن نیز می تواند تولید مثل گوسفند را تحت تاثیر قرار دهد. تاثیر این عامل بر تولید مثل در نقاط مختلف استان فارس به وضوح دیده می شود.

نژاد گُلَف کاست نیتِیو

تاریخچه و پراکنش

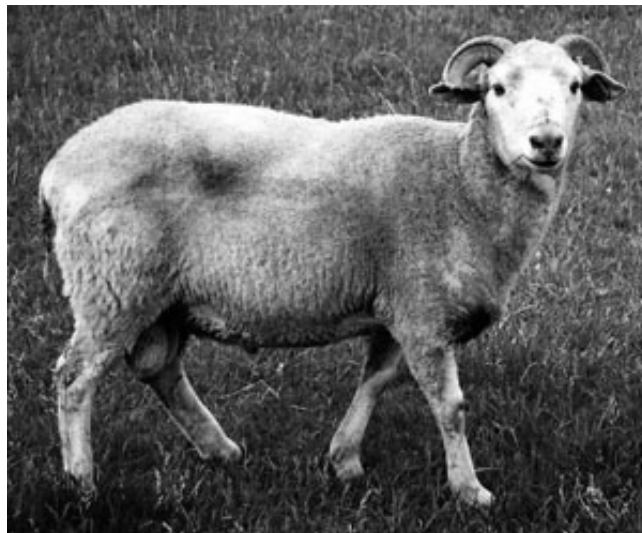
گوسفندان اسپانیایی برای اولین بار در سال ۱۵۰۰ میلادی به فلوریدا وارد شدند. سال ها بعد، واردات نژاد اسپانیایی و سایر نژاد ها و آمیزش آن ها با گوسفندان اسپانیایی اولیه و انتخاب آن ها بر اساس شرایط محیطی و بومی فلوریدا و سایر ایالات کنار خلیج، باعث ایجاد این نژاد به صورت امروزی شد.

امروزه تعدادی از این گوسفند ها باقی مانده اند و به نام نژاد گُلَف کاست نیتِیو^۱ نامیده می شوند. گله های موجود در فلوریدا، نیتِیو فلوریدا^۲ و گله های موجود در ایالت لوسیا، نیتِیو لویزیانا^۳ نامیده می شوند.

1- Gulf Coast Native

2- Florida Native

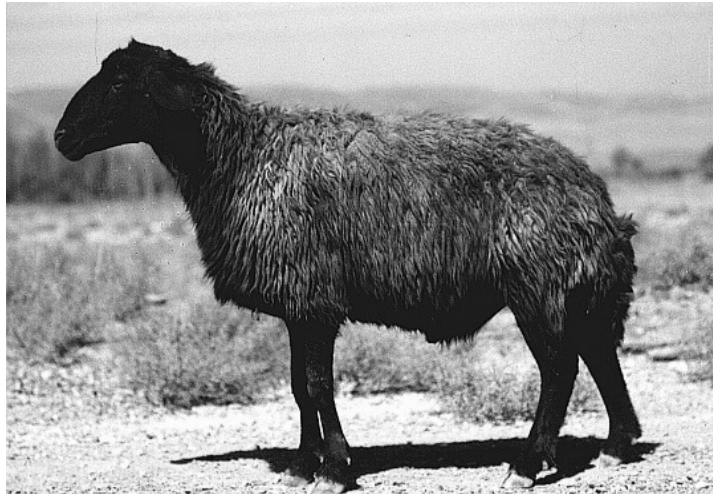
3- Louisiana Native



خصوصیات

این گوسفندان جثه‌ی کوچک با ساختار استخوانی خوب، صورت پهن و بدون پشم و اندام های حرکتی خوبی دارند و به رنگ سفید تا قهوه ای تیره هستند. تا حدود زیادی نسبت به انگل های داخلی مقاوم می باشند. به عنوان مثال، گله ای از این گوسفندان در سال ۱۹۶۲ میلادی در فلوریدا و بدون استفاده از کرم کش ها نکه داری می شدند. تجربه نشان داده که آن ها می توانند در برابر عفونت های روده ای مخصوصاً بیماری بسیار شایع کرم معده مقاومت کنند. بسیاری از پرورش دهندگان امروزی استفاده از کرم کش ها برای افزایش مقاومت گوسفندان در برابر انگل های داخلی را توصیه نمی کنند یا آن را محدود کرده اند.

نژاد قزل^۱



پراکنش

گوسفند قزل یکی از نژادهای دنبه دار است که منطقه‌ی زیست آن در آذربایجان شرقی، مناطق کوهستانی تبریز به ویژه کوه پایه های سهند، اطراف مراغه، بناب، میانه، آذر شهر، سراسکندر و هشترود است. هر چه به طرف بناب و مراغه نزدیک تر شویم گله ها بزرگ تر شده و بر تعداد گوسفند قزل در آن ها افزوده می شود.

خصوصیات ظاهری

رنگ بدن معمولاً بین قهوه ای روشن تا قهوه ای تیره متغیر است. اندام های حرکتی برای راه پیمایی های طولانی در مراتع و کوهستان ها مناسب است و رنگ آن ها قهوه ای سیر می باشد. شکل دنبه که یکی از وجوه تمایز خاص این نژاد می باشد کاملاً گرد و دارای دنبالچه ای به شکل گلابی بوده و از نیم رخ به صورت S دیده می شود. هر چه دنبه از حالت فوق خارج شده باشد به همان اندازه از مطلوبیت گوسفند کاسته می شود. رنگ دنبه و سینه و اندام

های حرکتی تیره تر از سایر نقاط بدن می باشد. اکثر گوسفندان در زیر گردن منگوله دارند. برخی از گله داران معتقدند که اصیل ترین میش ها آن هایی هستند که به رنگ قرمز خنایی، فاقد شاخ و دارای لکه‌ی سفید روی پیشانی باشند.

صفت	قوچ	میش
وزن (کیلو گرم)	۸۵ تا ۹۰	۵۵ تا ۶۵
ارتفاع (سانتی متر)	۸۰ تا ۹۰	۷۴ تا ۸۰

نژاد قره گل



تاریخچه

منشاء نژاد قره گل^۱ گوسفند وحشی اویس ویگنی بلیث^۲ است. قره گل از معروف ترین نژاد های گوسفند پوستی در دنیا می باشد. بررسی ها نشان می دهد که تا ابتدای قرن نوزدهم پرورش گوسفند قره گل محدود به کشور ایران، افغانستان، شوروی سابق و آفریقای جنوبی

1- Karakul

2- Ovis Vignei Blyth

بوده است، ولی بسیاری از کشورهای اروپایی و آمریکا نیز سعی داشته اند به پرورش آن اقدام نمایند. یکی از این کشورها آلمان بود که در اوایل قرن نوزدهم تعدادی قوچ و میش اصیل قره گل را وارد کرد و مطالعاتی را بر روی آن انجام داد. این تحقیقات بعد از مدتی با نتایج درخشانی همراه نگردید و پس از مطالعات لازم تصمیم گرفته شد تا این مطالعات در آفریقای جنوبی که در آن زمان مستعمره آلمان بود انجام شود. علت اتخاذ این تصمیم سازگاری گوسفند قره گل با شرایط آب و هوایی آفریقای جنوبی بود. بعد از مدتی فعالیت در این زمینه موفقیت های زیادی در امر پرورش گوسفند قره گل حاصل گردید؛ به طوری که امروزه این نژاد در اکثر کشورهای اروپایی و آمریکا پرورش داده می شود.

قره گل احتمالاً قدیمی ترین نژاد گوسفند اهلی است. شواهد تاریخی وجود پوست بره های ایرانی^۱ را در ۱۴۰۰ سال قبل از میلاد نشان می دهد. این نژاد، بومی آسیای مرکزی است و نام خود را از روستای قره گل گرفته است. قره گل در دره ای از رودخانه ای آمو دریا در بخارا در غرب ترکستان سابق واقع شده و در حال حاضر منطقه ای مرتفع با پوشش گیاهی اندک و منابع آب محدود در ازبکستان است. پوست بره های قره گل را به نام پوست های ایرانی نیز می نامند. علت انتخاب نام ایران برای پوست های قره گل این بود که پوست های ایران از نوع مرغوب ترین پوست ها به شمار می رفت و رقبای دیگر با استفاده از نام ایران کالای خود را با قیمت بیشتر می فروختند. متأسفانه امروزه ایران از تجارت جهانی پوست قره گل که هنوز به نام پوست ایرانی خرید و فروش می شود سهمی ندارد.

نژاد هرکی^۲

خصوصیات ظاهری

هر دو جنس فاقد شاخ می باشند. معمولاً رنگ بدن سفید متمایل به شیری بوده و گردن، سر و مفاصل اندام های حرکتی به رنگ های قرمز، خاکستری، خنایی، قهوه ای تیره، سیاه و غیره هستند. دارای دنبه ای بلند و آویزان و دنبالچه می باشد. مشخصه اصلی این نژاد گوش های بزرگ، پهن و آویزان آن است.

1- Persian Pelt

2- Haraki



صفت	قوچ	میش
وزن (کیلو گرم)	۶۵ تا ۵۵	۵۵ تا ۵۰
ارتفاع (سانتی متر)	۷۰ تا ۶۵	۶۵ تا ۶۰

خصوصیات تولیدی

طول دوره‌ی شیر دهی ۶۷ روز، تولید شیر در یک دوره‌ی شیر دهی $۲۸/۹ \pm ۵۵/۹$ کیلوگرم، وزن تولد $۰/۵۵۸ \pm ۴/۲۴$ کیلوگرم و وزن شیر گیری $۴/۵ \pm ۱۵/۲۳$ کیلوگرم است.

خصوصیات تولید مثلی

میانگین راندمان زایش ۸۰ درصد و دوقلو زایی ۵ درصد می باشد.

نژاد کاتادین



منشاء نژاد کاتادین^۱ جزایر کارائیب و انگلیس و موطن اصلی آن ایالت ماین^۲ و ماین شمالی^۳ است. سپس این گوسفند به کشور آمریکا وارد شد. پوشش موی لطیف و سایر خصوصیات سازش پذیری، آن ها را در برابر گرما و رطوبت مقاوم می کند. این نژاد همچنین مقاومت بالایی در برابر انگل های داخلی و خارجی دارد. حیواناتی آرام هستند، بنابراین نگره داری آن ها آسان است. میانگین وزن قوچ ها ۸۲ تا ۱۱۳ کیلوگرم و میانگین وزن میش های بالغ ۵۴ تا ۷۲ کیلوگرم است.

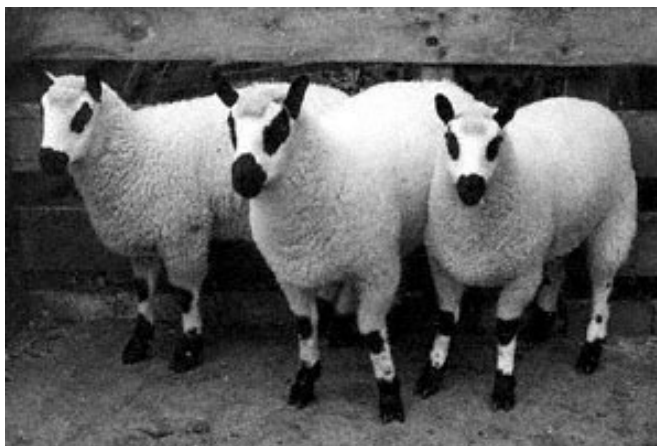
گوسفند نژاد کاتادین خلوص اولیه ی خود را از دست داده و عموماً دوره ی زایش طولانی دارد. میش های بالغ بیشتر دو قلوزا هستند و گاهی هم سه قلو و یا چهار قلو به دنیا می آورند. وزن دو قلو ها ۳/۶ کیلوگرم است. یک گله ی انتخابی این نژاد با مدیریت خوب باید ۲۰۰ درصد تولید بره داشته باشد. قوچ ها دارای توانایی جنسی بالایی هستند و می توانند میش ها را در سراسر سال آبستن کنند. میش ها غریزه ی مادری خوبی از خود نشان می دهند و معمولاً بدون کمک، زایمان کرده و شیر زیادی برای بره های خود تولید می کنند.

1- Katadin

2- Main

3- North Main

نژاد کری هیل



تاریخچه و پراکنش

منشاء نژاد کری هیل^۱ به منطقه‌ی پُویز^۲ واقع در مرز های انگلیس و ولز و به بیش از ۱۵۰ سال پیش بر می گردد. این نژاد نام خود را از دهکده‌ی کری در نزدیکی شهر نیوتُن گرفته است. شواهد موجود از نژاد کری هیل در این منطقه به سال ۱۸۰۹ میلادی می رسد و اولین اطلاعات دختران گله‌ی این گوسفندان در سال ۱۸۹۹ میلادی با ۲۶ راس منتشر شد. این گوسفند را می توان در سراسر جزایر انگلیس، ایرلند و هلند مشاهده کرد.

خصوصیات

این نژاد جثه‌ی متوسط و تنومندی با گوش های رو به بالا و بدون پشم دارد. رنگ بینی سیاه است و علامت سیاه و سفیدی روی سر و اندام های حرکتی آن دیده می شود. گوسفندان این نژاد در هر دو جنس بدون شاخ هستند. پشم زبر و زیبای آن از نوع پشم های ظریف در بریتانیا و معمولاً سفید رنگ است. میانگین طول پشم ۱۰ سانتی متر و متوسط تولید آن ۲/۷۵ کیلو گرم است. میانگین وزن قوچ های بالغ بین ۶۵ تا ۷۰ کیلو گرم و میانگین وزن

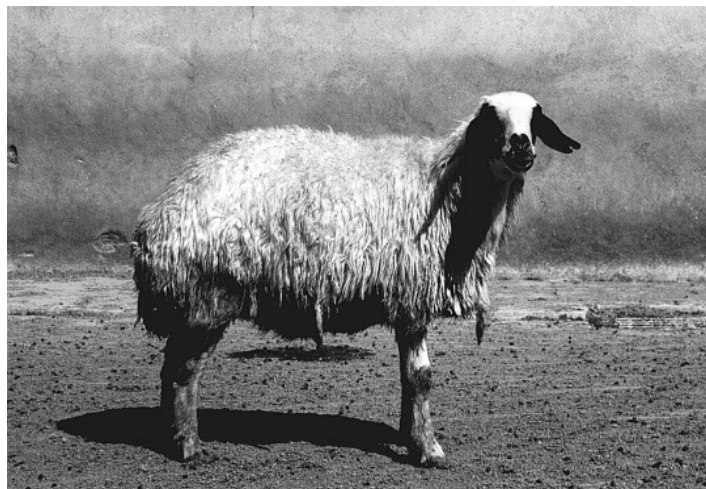
1- Kerry Hill

2- Powys

میش های بالغ بین ۵۵ تا ۶۵ کیلو گرم است. این گوسفندان اندام های حرکتی و دندان های خوب و مرتبی دارند. وزن بره های با جنه ی کوچک، ۱۹ تا ۲۱ کیلو گرم است. مقرون به صرفه بودن، طول عمر زیاد، قیمت مناسب و قدرت زیست خوب از خصوصیات بره های این نژاد در هنگام تولد است. این بره ها در ۱۲ تا ۱۴ هفتگی و با وزن ۱۶ کیلو گرم به بازار عرضه می شوند.

قوچ ها دارای قدرت جنسی بالایی برای تولید مثل هستند. میش ها مادران خوبی بوده و قدرت بره زایی آن ها ۱۷۵ درصد می باشد. این نژاد با تمام سیستم های جفت گیری سازگاری دارد و از نظر تغذیه ی زمستانی نیز مقرون به صرفه است. قابل توجه است که این میش با قوچ های نژادهای غیر مطلوب هم جفت گیری می کند. بره های این نژاد ممتاز بوده و دارای بلوغ زود رس، جنه ی متوسط تا بلند و گوشت با کیفیت مناسب هستند. قوچ های این نژاد با نژاد هیل و نژاد های پشم بلند مانند بلو فیس لایسیستر هم خوب آمیزش می کنند، که حاصل این آمیزش ها تولید میش های هیبرید است.

نژاد کردی^۱



تاریخچه

استان کردستان به دلیل همجواری با سلسله جبال زاگرس دارای آب و هوا و بارندگی مناسب جهت رشد نباتات علوفه ای و مرتعی می باشد. از زمان های قدیم در این منطقه دامداری رواج داشته و نگه داری گوسفند و بز در تامین معیشت زندگی مردم نقش اول را داشته است. در گذشته کردستان یکی از استان های عشایری کشور بوده و طوایف و عشایر زیادی در آن وجود داشتند که شغل اصلی آن ها دامداری به صورت متحرک بود. قشلاق این عشایر بیشتر در استان های کرمانشاه، خوزستان و اطراف کوه سهند در آذربایجان و مناطقی از خاک عراق است. استان کردستان نیز بیلاق عشایر مناطق یاد شده محسوب می شده است.

در حال حاضر دامداران دارای گوسفندان زیاد، بسیار کم کوچ می کنند. آن ها برای مدت یک تا دو ماه گوسفندان خود را به مراتعی که دور از دسترس عموم روستائیان است می فرستند که در اصطلاح محلی به این نوع کوچ، هه وار می گویند. وجود مراتع در استان موجب شده مردم از راه دامداری امرار معاش نمایند. دامداری دلیل موجهی برای ماندگاری مردم در روستا و عدم مهاجرت آن ها به شهر ها است.

گوسفند کردی به دو تیپ کوهستانی و دشتی تقسیم می شود که توضیح آن ها به شرح

زیر است:

گوسفند تیپ کوهستانی

در این تیپ رنگ پوشش بدن سفید مایل به شکری و سر، صورت و اندام های حرکتی به رنگ سیاه و قهوه ای با لکه هایی به رنگ پوشش بدن می باشد. میش ها بدون شاخ و قوچ ها دارای تکمه شاخ بوده و به ندرت، در برخی از آن ها تکمه رشد کرده و شکل شاخ به خود می گیرد. در میان گله های موجود در منطقه، پراکندگی رنگ در سر و صورت تا حدودی متغیر می باشد. فنوتیپ های مختلف تیپ کوهستانی عبارتند از:

(الف) پر: سر و صورت سیاه و اندام های حرکتی سفید همراه با لکه های سیاه است.

(ب) چار: دو طرف صورت به رنگ سیاه یا قرمز، پیشانی سفید و اندام های حرکتی سفید با لکه های مناسب با رنگ دو طرف صورت است.

(ج) سور یا چرمک سور: سر و صورت قرمز و اندام های حرکتی سفید با لکه های قرمز در آن می باشد.

(د) کزل یا عینکی: دور پوزه و چشم و انتهای دو گوش به رنگ قهوه ای یا سیاه است.

گوسفند تیپ دشت

در تیپ دشت یا پوارپل سور، رنگ پشم، نخودی تیره بوده و دارای کیفیت پایین تری می باشد. سر و صورت و اندام های حرکتی به رنگ قهوه ای و فاقد پشم است. از نظر وزن سنگین تر است و در مناطق دشتی استان پرورش داده می شود. بره ها هنگام تولد قهوه ای یکدست هستند ولی پس از بلوغ جنسی رنگ بدن آن ها تغییر کرده و به نخودی تیره می گراید.

از نظر تولید گوشت نسبت به گوسفندانی نواحی کوهستان استعداد بیشتری دارد. ضمناً قابل ذکر است که گوسفندانی که توسط کرد های مهاجر به شمال خراسان در حدود ۳۰۰ سال قبل یعنی در زمان شاه سلطان حسین صفوی برده شده، از همین تیپ بوده اند.

میش	قوچ	صفت
۴۰ تا ۴۵	۵۵ تا ۶۵	وزن (کیلو گرم)
۶۵ تا ۷۰	۷۵ تا ۷۰	ارتفاع (سانتی متر)

نژاد کلکویی^۱

1- Kalakui

تاریخچه

گوسفند کلکویی یکی از گوسفندان پشمی ایران است که علاوه بر تولید پشم با ظرافت قابل توجه (۳۰ تا ۳۵ میکرون) از استعداد سرعت رشد و پیش رسی و تولید گوشت خوب برخوردار است و می توان آن را جزء گوسفندان پشمی - گوشتی به حساب آورد. عشایری که در پرورش این گوسفند اشتغال دارند از ایل کلکو هستند. نام کلکو به قسمتی از سلسله جبال زاگرس گفته می شود که بلند ترین آن ها در حدود ۳۵۰۰ تا ۴۰۰۰ متر ارتفاع دارد. محل پرورش گوسفندان کلکو، مسیله‌ی وسیعی بین قم و ورامین است. مسیله در واقع منطقه‌ی قشلاق این گوسفندان را تشکیل می دهد که در حدود ۴ تا ۵ ماه از سال را در آن به سر می برند.

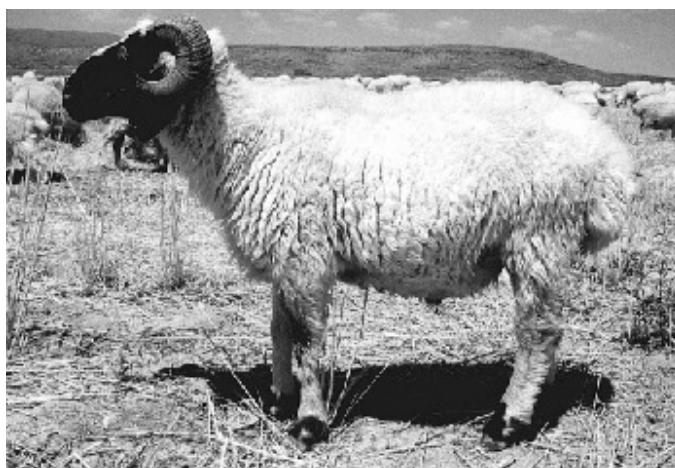
خصوصیات ظاهری

گوسفند کلکویی جثه‌ی کوچکی دارد و رنگ پوشش بدن آن روشن (سفید نخودی) است. لکه های سیاه در ناحیه‌ی پوزه و انتهای بینی، اطراف چشم ها، انتهای گوش ها و سر پاچه ها دیده می شود و طول پشم آن ها متوسط تا بلند است. مهم ترین خصوصیت این گوسفند دارا بودن اندام ظریف، نسبتاً بلند و کشیده و اندام های حرکتی بلند است و در نتیجه از قدرت راه پیمایی بالایی برخوردار است. همچنین یکی از مهم ترین صفات برجسته این نژاد، شبیه بودن به گوسفند بلوچی (به ویژه بلوچی - خراسانی) است ولی دارای کیفیت پشم مناسب تری بوده و با حداقل خوراک، بالا ترین بهره را عاید پرورش دهنده خود می کند. گوسفند کلکویی دارای سر کوچک، ظریف و کمی دراز می باشد. اندازه‌ی چشم ها متوسط و حدقه فاقد برجستگی خاصی است. میش ها بدون شاخ هستند ولی گاهی در تعدادی از آن ها آثار شاخ به ارتفاع حداکثر ۱ الی ۱/۵ سانتی متر دیده می شود. قوچ ها دارای شاخ های پیچیده با امتداد جانبی می باشند. نیم رخ صاف، بینی کشیده، باریک و بدون تحذب، گوش ها متوسط، گردن کشیده با رشدی متوسط و پوشیده از پشم، پشت صاف و رشد عضلات ناحیه ی ران متوسط است. کمر و پشت در امتداد هم قرار دارند. رنگ بدن سفید یک دست و لکه های اختصاصی سیاه رنگ در ناحیه‌ی ساق ها، پوزه، انتهای بینی، اطراف چشم ها و انتهای گوش ها دیده می شود.

صفت	قوچ	میش
وزن (کیلو گرم)	۵۰ تا ۵۵	۴۵ تا ۵۰
ارتفاع (سانتی متر)	۶۵ تا ۷۰	۶۰ تا ۶۵

نژاد کرمانی^۱

تاریخچه



گوسفند کرمانی سال های متعددی در داخل گله های استان کرمان وجود داشته است. تاریخچه ی دقیقی در مورد پیدایش این دام در این استان موجود نیست. عده ای این دام را تیبی از گوسفند بلوچی می دانند که از استان سیستان و بلوچستان به این ناحیه آورده شده است، ولی طی نسل های متعددی، به شرایط نواحی کوهستانی استان کرمان خو گرفته و زندگی در شرایط متفاوتی نسبت به زیستگاه اصلی، تغییراتی را در بدن آن به وجود آورده، به گونه ای که جثه بزرگ تر، وزن بیشتر و دنبه سنگین تر شده است. پشم آن مرغوب تر و وزن نهایی آن بیشتر از گوسفندان بلوچی می باشد.

خصوصیات ظاهری

گوسفند کرمانی دارای صفاتی مانند عادت به آب و هوای گرم و خشک، کمی علوفه، چابکی و قدرت راه پیمایی است. اندام های حرکتی بلند در این گوسفند باعث شده که این حیوان بتواند برای چرا راه پیمایی زیادی کرده و به ارتفاعات نیز برود. گوسفند کرمانی بدن گرد و کشیده، مفصل خرگوشی خمیده، گردن عضلانی و چشم های کوچک دارد. پشت، کمر و کپل تقریباً در یک امتداد قرار گرفته و صاف و هموار هستند. رنگ پشم سفید و کمی به رنگ نخودی و شکری گرایش پیدا کرده است.

صفت	قوچ	میش
وزن (کیلو گرم)	۵۰ تا ۵۵	۴۵ تا ۵۰
ارتفاع (سانتی متر)	۶۵ تا ۷۰	۶۰ تا ۶۵

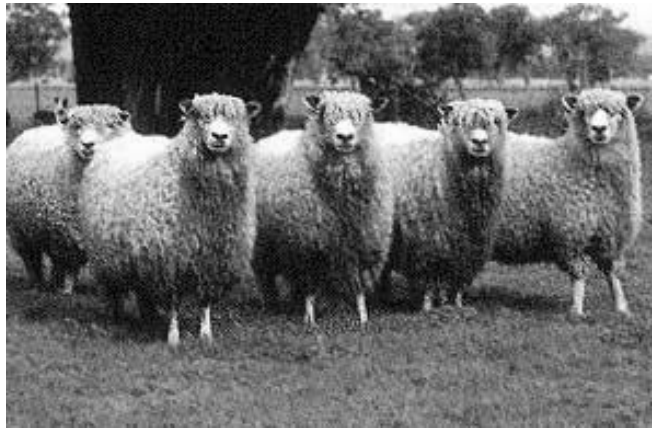
خصوصیات تولیدی

گوسفند کرمانی گوسفندی از تیپ گوشتی است، ولی به علت پشم مرغوب آن می توان آن را گوسفند دو منظوره‌ی گوشتی - پشمی محسوب کرد. پشم این گوسفند به علت سفیدی، رنگ پذیری و ظرافت برای قالی بافی کاربرد دارد. راندمان پشم ۶۶ تا ۶۸ درصد، طول متوسط تار ۱۵ سانتی متر، میزان جعد در ۱۰ سانتی متر ۴۰ عدد، طول فتیله‌ی پشمی ۱۱ سانتی متر و ظرافت متوسط تار های پشم ۲۳ تا ۲۷ میکرون است. هر رأس گوسفند ماده‌ی این نژاد ۲۵۰ تا ۳۰۰ گرم در روز شیر تولید می کند.

نژاد لینکلن

تاریخچه و پراکنش

نژاد لینکلن^۱ حاصل آمیزش گوسفند نژاد لایسیستر و گوسفند بومی ساحل لینکلن شایر واقع در ساحل شرقی انگلیس، در کنار دریای شمالی است. این نژاد از سال ۱۸۶۳ میلادی



به دلیل انتخاب در گله ها و یا انتقال صفات نژاد لایسیستر توسعه یافت. این گوسفند از اواخر قرن نوزدهم یعنی پس از ورود به آمریکا پر طرفدار نبوده ولی هنوز هم اهمیت خود را در ایالت مرکزی، اوهایو و ارگین حفظ کرده است. در این ایالات قوچ های این نژاد به خاطر تولید پشم خوب پرورش داده می شوند. در کانادا، بر خلاف آمریکا این گونه بسیار پر طرفدار و محبوب شد.

همان طور که گوسفند مرینو از نظر پشم اهمیت دارد و برترین نژاد پشمی دنیا محسوب می شود، این نژاد نیز از نظر تولید گوشت مهم بوده و در رتبه اول برترین نژاد های گوشتی جهان قرار دارد. به همین دلیل در حد وسیعی از آن برای تولید نژاد های دیگر استفاده شده است که از نمونه های آن می توان موارد زیر را نام برد:

(۱) آمریکا (نژاد های کلمبیا و تارگی)

(۲) استرالیا (نژاد پل وارث^۱)

(۳) نیوزیلند (نژاد کوریدال)

پرورش قوچ های این نژاد به دلیل وزن بالای آن اهمیت زیادی دارد و در شرایط مساعد یکی از پر درآمد ترین فعالیت های اقتصادی در صنعت دامپروری است.



خصوصیات

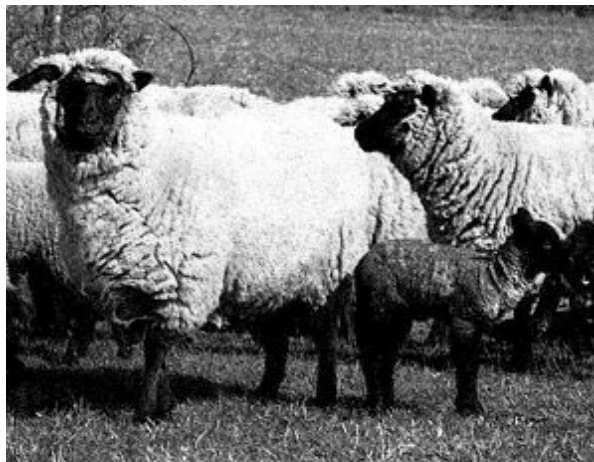
رنگ آن ها معمولاً سفید براق است. این نژاد ویژگی های یک نژاد گوشتی مطلوب را دارا می باشد. دارای سر عضلانی، گردن ضخیم، شانته های پهن، سینه ی پهن و عمیق، کمر عضلانی و ضخیم، کپل و اندام های حرکتی پهن و ساق های عضلانی است. این گوسفندان معمولاً مستطیل شکل بوده و هر دو جنس بی شاخ می باشند.

این نژاد سنگین ترین نژاد جهان به شمار می آید. وزن قوچ های بالغ بین ۱۲۵ تا ۱۷۵ کیلوگرم و وزن میش های بالغ بین ۱۱۰ تا ۱۲۵ کیلوگرم است. از نظر تولید پشم نسبت به سایر نژاد های گوشتی برتر است. تولید پشم آن سالانه ۶ تا ۱۰ کیلوگرم با طول ۲۵ تا ۳۵ سانتی متر و خلوص ۶۵ تا ۸۰ درصد است. قطر الیاف آن از ۳۳/۵ تا ۴۱ میکرون متفاوت بوده و در شمارش عددی دارای ۳۶ تا ۴۶ تار است. دارای پشم های خوش رنگی هستند و برخی از آن ها در زیر زانو هم پشم دارند. در این نژاد، صورت، گوش و ساق تا زیر مفصل خرگوشی از مو های سفید پوشیده شده است و گاهی در این نقاط لکه های سیاه نیز دیده می شود.

از نظر تولید شیر در حد متوسطی هستند. این گونه دارای برجستگی بین گوش ها است که آن را کاملاً متمایز می کند. برخی اوقات این برجستگی در نژاد لایسیستر و کاتس وولد

دقیقاً وسط بالای سر قرار دارد. عمدتاً تولید مثل خوبی دارند و برای اهداف تولید مثل انتخاب می شوند.

نژاد لان ونوگ



تاریخچه و پراکنش

گوسفند نژاد لان ونوگ^۱ در طول قرن نوزدهم از آمیزش قوچ های نژاد شراب شایر^۲ با گوسفند محلی نژاد هیل که امروزه منقرض شده و دارای صورت سیاهی بود در یک مزرعه‌ی خانوادگی در غرب کشور ولز و به خصوص دره‌ی تی فی^۳ متولد شد. نتیجه‌ی این آمیزش نژادی با صورت سیاه بود که تمام خصوصیات برتر والدین خود را داشت. این نژاد امروزه از منطقه‌ی دوون تا شمال غربی اسکاتلند پراکنده است. این گوسفند قدرت تولید مثل بالایی دارد و در تولید نژاد سیار بارو کمبریج مورد استفاده قرار گرفته است و شواهد نشان می دهد که عامل آن ژن ماژور است که باعث باروری نژاد کمبریج می شود. محبوبیت این نژاد از سال ۱۹۶۰ میلادی در پی موفقیت آن در چند رقابت ملی افزایش یافت تا این که در سال ۱۹۷۰ میلادی به عنوان نژاد ملی لقب گرفت.

1- Llanwenog

2- Shropshire

3- Teifi

خصوصیات

دارای جثه‌ی متوسطی است. میانگین وزن قوچ ها ۹۰ کیلو گرم و میانگین وزن میش ها ۵۵ کیلو گرم می باشد. دارای طبیعتی آرام، قابلیت نگه داری آسان و در صورت لزوم برای دوره‌ی زمستان مناسب است. از نظر مقایسه نسبت به سایر نژاد های آمیخته‌ی جدید، کاهش کمتری از نظر تعداد و اهمیت بیشتری دارد. این نژاد قدرت باروری بالایی دارد و میانگین بره زایی آن ۱۸۰ درصد است که در گله های اختصاصی می توان درصد های بالاتری را نیز مشاهده کرد.

میانگین تولید شیر میش های بالغ ۵۶ کیلو گرم در روز است. وزن دو قلو های خالص ۱۹/۹ کیلوگرم و وزن بره های حاصل از آمیزش های خالص ۱۶ کیلو گرم است. بره های حاصل در اولین پاییز آماده‌ی آمیزش با قوچ ها هستند و طول عمر زیادی دارند.

نژاد لک قشقای^۱



تاریخچه و پراکنش

این توده‌ی ژنتیکی تحت عنوان گوسفند ترکی قشقایی در مرکز تحقیقات فارس در حال شناسایی است و گوسفند شاخص عشایر قشقایی می باشد. بیشترین پراکنش گوسفند لک قشقایی در ناحیه‌ی جنوب و جنوب شرقی استان، در محدوده‌ی شهرستان های گچساران و بویر احمد می باشد.

خصوصیات ظاهری

در ابتدای تولد، رنگ بره کاملاً قهوه ای (خرمایی رنگ) است. پس از شش ماهگی به تدریج رنگ بدن به رنگ شکری تغییر پیدا می کند ولی رنگ سر و صورت، جلوی سینه، زیر شکم و اندام های حرکتی به همان رنگ قهوه ای (خرمایی) باقی می ماند. رنگ های گوسفند بالغ، بور روشن، شکری، بور قرمز یا تقریباً خرمایی روشن یا قهوه ای تیره است. نوع بور چال عبارت است از ترکیب هرکدام از رنگ های فوق به همراه سفید در صورت و پیشانی که درصد کمتری در گله ها (حدود ۱۰ درصد) دارد. بدن، خیلی کشیده نیست و شکل متناسبی دارد ولی اندام های حرکتی تقریباً کشیده و از ماهیچه های قوی برخوردار هستند. سر قوچ تقریباً بزرگ می باشد. ۷۵ درصد قوچ ها شاخ دارند که شکل آن پیچ خورده و به سمت بیرون است و نوک آن در امتداد سر قرار دارد و گاهی به سمت کاسه سر متمایل می شود و ممکن است سبب سوراخ کردن جمجمه نیز بشود.

پشم نژاد لک قشقایی از نوع پشم های ضخیم و مناسب قالی بافی است. بره ها معمولاً در سن ۴ تا ۵ ماهگی در گله ها به همراه مادر نگه داری می شوند و وزن آن ها به بیش از ۳۰ کیلوگرم می رسد.

میش	قوچ	صفت
۵۰ تا ۵۵	۷۰ تا ۷۵	وزن (کیلو گرم)
۶۵ تا ۷۰	۷۰ تا ۷۵	ارتفاع (سانتی متر)

نژاد لری^۱

خصوصیات ظاهری

سر در این نژاد نسبتاً بزرگ و پیشانی برجسته بوده و برجستگی کمی روی بینی مشاهده می شود. چشم ها درشت و گوش ها بلند و آویزان است. این نژاد جزء نژاد های بلند قد قرار دارد. معمولاً هر دو جنس بدون شاخ بوده و به ندرت قوچ ها دارای شاخ های پیچیده هستند. رنگ بدن کم و بیش سفید است و لکه های خرمایی قهوه ای تیره در اطراف چشم و انتهای پوزه و سایر اعضا دیده می شود. دنبه در این نژاد در اثر شکاف سراسری به دو قسمت تقسیم شده و حجم و رشد آن زیاد است. پشم آن ها به علت آن که یکدست سفید نمی باشد، مرغوبیت زیادی ندارد.

میش	قوچ	صفت
۵۰ تا ۵۵	۶۵ تا ۷۵	وزن (کیلو گرم)
۶۰ تا ۶۵	۶۵ تا ۷۰	ارتفاع (سانتی متر)

نژاد لری بختیاری^۱



قسمت عمده‌ی گله‌های این نژاد توسط عشایر بختیاری در استان چهارمحال و بختیاری پرورش داده می‌شود، ولی در چند استان مجاور نیز تعداد کمی از گله‌های این نژاد وجود دارد.

خصوصیات ظاهری

رنگ اکثر گوسفندان این نژاد سفید است، ولی درصدی از آن‌ها دارای رنگ قهوه‌ای تیره تا روشن و اصطلاحاً قنقر و بور می‌باشند. گوسفندان دو رنگ (ابلق) مانند قنقر و سفید یا بور و سفید نیز در بین آن‌ها دیده می‌شوند.

دارای جثه و سر بزرگ، نیم رخ صورت محدب، برجستگی روی بینی، چشم‌های درشت، گوش‌های بلند و آویزان، گردن متوسط با رشد عضلانی خوب، پشت عریض و مستقیم، ران قوی و عضلانی، دنبه‌ی کاملاً شکاف دار (دو فاق) و تارهای پشم است.

میش	قوچ	صفت
۶۸ تا ۵۸	۹۰ تا ۱۱۵	وزن (کیلو گرم)
۸۰ تا ۷۰	۹۰ تا ۸۰	ارتفاع (سانتی متر)

نژاد لایسیستر



تاریخچه و پراکنش

منشاء نژاد لایسیستر^۱ ایالت لایسیستر در مرکز کشور انگلیس است. این نژاد در اثر تلاش های رابرت بیک ول^۲ در سال ۱۷۶۰ میلادی و با آغاز برنامه‌ی انتخاب و اصلاح نژاد گوسفند لایسیستر پایه گذاری شد. وی این گوسفندان را که بیشتر به دلیل افزایش وزن و تولید بالای پشم پرورش داده می شدند با روش دقیق از نظر صفاتی مانند جثه‌ی متوسط و استعداد پروار بندی انتخاب کرد، سپس با آمیزش خویشاوندی در گله موفق به تثبیت صفات در نسل بعد شد.

1- Leicester

۲- رابرت بیک ول (۱۷۲۶ تا ۱۷۹۵ میلادی)، کشاورز نسل سوم، ساکن دیشلی در لایسیستر شایر و مسئول توسعه نژاد لایسیستر بود. همچنین وی نقش مهمی در پیشرفت اسب نژاد شایر و گاو نژاد لانگ هورن داشت. اصول پرورشی که وی به کار برده و از آن دفاع می کرد، آمیزش نزدیک فردی برای به دست آوردن گونه‌ی دلخواه بود که تاثیر مهمی در تولید نژاد های دیگر گونه های حیوانی داشت. وی به دلیل کارهایش معروف شد، زیرا کار های او اصول کار افرادی مانند چارلز داروین و گریگور مندل را تحت تاثیر قرار داد.

خصوصیات

این گوسفند دارای پوشش بدن سفید رنگ و لب ها و پستان های سیاه است. صورت و ساق در زیر مفصل خرگوشی از مو های سفید پوشیده شده که در بعضی نقاط احتمالاً دارای لکه های سیاه است. سر نسبت به بدن کوچک بوده و هر دو جنس بی شاخ هستند. بر روی پیشانی مقداری پشم به چشم می خورد. استایل های پشم به صورت لوله ای و به طرف زمین متمایل هستند. پشمی ظریف تر و متراکم تر نسبت به دیگر نژاد های گوشتی دارد. از نظر جثه شبیه نژاد لینکلن است. وزن قوچ های بالغ بین ۱۱۰ تا ۱۲۵ کیلوگرم و وزن میش های بالغ بین ۸۵ تا ۱۱۵ کیلوگرم است. نژادی حساس بوده و احتیاج به مراقبت و تغذیه در حد عالی دارد.

در انگلیس لایسیستر را با نژاد های کوهستانی آمیزش داده اند که از نظر درصد بالای زایمان در میش ها موفقیت آمیز بوده است. از این نژاد برای افزایش تولید گوشت در ایجاد مریو های گوشتی- پشمی و مریو های دیگر استفاده کرده اند. همچنین این نژاد برای اصلاح نژاد گوسفندان بومی به کشور های مختلف صادر شده است.

امروزه سه نژاد از نژاد لایسیستر به وجود آمده که عبارتند از:

- ۱) نژاد لایسیستر لانگ وول^۱
 - ۲) نژاد بُردر لایسیستر^۲
 - ۳) نژاد بلوفیسد لایسیستر^۳ یا هگزام لایسیستر^۴
- که توضیح آن ها در زیر آمده است:

۱) لایسیستر لانگ وول

این نژاد در سال ۱۷۰۰ میلادی توسط بیک ول به وجود آمد. همان طور که گفته شد او اولین کسی بود که تکنیک مدرن تولید مثل گوسفند را در انتخاب دام به کار برد و با استفاده از این تکنیک ها، نژاد لایسیستر لانگ وول را از گوسفند قدیمی لایسیستر به وجود آورد.

1- Leicester Longwool
4- Hexham Leicester

2- Border Leicester

3- Bluefaced Leicester



تکنیک های انتخابی او، لایسیستر را که رشد کندی داشت به گوسفندی با رشد سریع و سنگین وزن تبدیل کرد که درصد لاشه‌ی آن بالا بود. نژاد لایسیستر لانگ وول در مستعمرات معروف شده بود و برای تولید نژاد های جدید گوسفند در قرن نوزدهم مورد استفاده قرار گرفت.

همان طور که اشاره شد به دلیل محبوبیت و اهمیت این نژاد در قرن هجدهم نام های متفاوتی مانند نیو لایسیستر^۱، بیک ول لایسیستر^۲، دیشلی لایسیستر^۳، انگلیش لایسیستر^۴، ایمپروود لایسیستر^۵ و معروف ترین نام آن لایسیستر لانگ وول به آن ها داده شد. امروزه این نژاد از طرف کمیسیون نگه داری از نژاد ها، به عنوان نژادی در معرض انقراض معرفی شده است. در آمریکا ۲۰۰ راس از این گوسفند ثبت شده است و جمعیت تخمینی کمتر از ۲۰۰ راس در سایر کشور های جهان وجود دارد. این نژاد کمیاب، امروزه در آمریکا، انگلیس، استرالیا و نیوزیلند یافت می شود.

پشم این نژاد سنگین، دراز، مجعد، لطیف و درخشنده است. طول پشم ۲۰۰ تا ۲۵۰ سانتی متر و قطر آن ۳۲ تا ۳۸ میکرون است. وزن پشم معمولاً ۵ تا ۷ کیلو گرم است. دارای جثه‌ی متوسط تا درشت پر گوشت با کیفیت خوب است. این گوسفند بزرگ ترین نژاد در بین

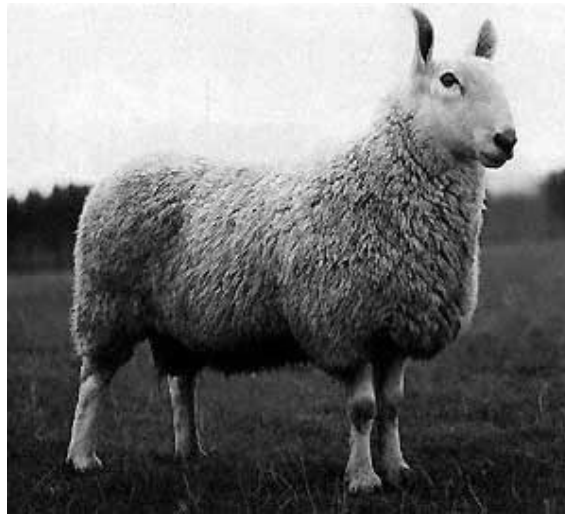
1- New Leicester
4- English Leicester

2- Bakewell Leicester
5- Improved Leicester

3- Dishley Leiceste

گوسفندان لایسیستر است. در ظاهر شبیه لینکلن بوده و دارای گیسویی پشمی و گوش های پایین تر از سر است.

۲) نژاد بوردر لایسیستر



منشاء این نژاد مناطق مرزی انگلیس و اسکاتلند است و از گله های اولیه ی بیک ول به شمار می آید. برخی عقیده دارند که در نتیجه ی آمیزش قوچ ایمپُرد لایسیستر با میش های تیز واتر^۱، بوردر لایسیستر به وجود آمده است و برخی دیگر معتقدند که این نژاد نتیجه ی آمیزش با نژاد شویدت است. شاید هر دو گروه درست بگویند ولی در هر حال این نژاد در انگلیس تا سال ۱۸۵۰ ایجاد گردید. این نژاد امروزه از نظر تراکم در جزایر انگلیس از نژاد قدیمی لایسیستر پیشی گرفته است. معلوم نیست که اولین بار نژاد بوردر لایسیستر چه زمانی به آمریکا یا کانادا وارد شده است، ولی با اطمینان می توان گفت که موسسه ی پرورش دهندگان لایسیستر آمریکایی در سال ۱۸۸۸ میلادی تاسیس شد و در سال

1- Teez Water

۱۹۲۰ میلادی طبق آمار تعداد ۷۶۷ راس از گوسفندان نژاد بوردر لایسیستر خالص در آمریکا لیست شده بودند.

این نژاد نیز مانند نژاد لایسیستر با نژاد های کوهستانی انگلیس آمیزش یافته و به عنوان لاین پدري نتاج خوبی تولید کرده است. همچنین برای اصلاح نژاد به کشورهای مختلف صادر شده است.

هر چند افت صنعت فرش در دهه‌ی ۱۹۴۰ میلادی نتیجه‌ی کاهش تعداد لایسیستر ها به ویژه لایسیستر لانگ وول و بوردر لایسیستر بود ولی به دنبال آن تا سال ۱۹۷۰ میلادی به دنبال افزایش قیمت صنایع دستی مانند پشم بافی این صنعت دوباره احیا شد.

نژاد بوردر لایسیستر کمی کوچک تر و ظریف تر از لایسیستر ولی پر تحرک تر از آن می باشد. دارای جثه‌ی بزرگ با استخوان بندی خوبی است. مانند لایسیستر رنگ بدن سفید رنگ می باشد و بر خلاف لایسیستر بر روی سر پشم ندارد، دارای گوش های تیز است و تولید شیر بالاتری نسبت به لایسیستر دارد. وزن قوچ های بالغ بین ۱۰۲ تا ۱۴۷ کیلوگرم و وزن میش های بالغ بین ۷۹ تا ۱۲۴ کیلوگرم است. دارای سرعت رشد سریعی می باشد و بره هایی با کیفیت بالا تولید می کند. همچنین محصول پشم بیشتری نسبت به لایسیستر دارد. وزن پشم در میش های بالغ بین ۸ تا ۱۲ پوند و حدود ۶۵ تا ۸۰ درصد است. طول ثابت پشم بین ۱۲/۵ تا ۲۵ سانتی متر است. نسبت بره زایی این نژاد ۱/۹ می باشد.

۳) نژاد بلوفیسد لایسیستر



منشاء این نژاد بریتانیا و اسکاتلند است. جثه‌ی این نژاد مانند نژاد بوردر لایسیستر است، هر دو نژاد بینی خمیده و گوش‌های راست دارند اما پشم در این نژاد عموماً دارای درجه‌ی بهتری بوده و کوتاه تر و روشن تر است. امروزه نژاد های لایسیستر بلوفیسد و لانگ وول در آمریکا کمتر دیده می شوند.

پوست سر در نژاد بلوفیسد در میان موهای سفید و آبی تیره قرار گرفته است و این باعث تمایز آن از نژاد بوردر لایسیستر می شود. نسبت بره زایی در این نژاد ۲۵۰ درصد است.

نژاد مونتادال



تاریخچه و پراکنش

نژاد مونتادال^۱ از آمیزش نژاد وسترن وایت فیس^۲ با گوسفند نژاد مید وسترن^۳ در نیم قرن پیش به وجود آمده است. اتحادیه‌ی پرورش دهندگان این نژاد در سال ۱۹۴۵ میلادی تاسیس شد. این نژاد دارای قدرت بالایی در سازگاری با محیط است و در آب و هوای سرد

1- Montadale

2- Western White – Faced Sheep

3- Mid – Western

شمال کشور انگلیس، آب و هوای گرم جنوب، در مزارع غرب میانه و در هوای بارانی و مرطوب غرب دور خود را اثبات کرده است.

خصوصیات

گوسفند نژاد مونتادال دو منظوره بوده و برای تولید گوشت و پشم از آن استفاده می شود. معمولاً درجه‌ی پشم تولیدی آن ۴۸ تا ۵۸ است و ۲۵ تا ۳۵ میکرون قطر دارد. رنگ تمام پشم ها سفید خالص است که بسیار محبوب می باشد. این گوسفند لانولین^۱ کمی تولید می کند که باعث می شود محصول پشم آن ۴۵ تا ۶۰ درصد باشد. دارای تولید محصول پشم بسیار بالایی است که ۲ تا ۴ درصد بیشتر از سایر مناطق بوده و این برای پرورش دهندگان بسیار اهمیت دارد. پشم میش در این نژاد ۳/۶ تا ۵/۴ کیلوگرم با طول ۸/۲۵ تا ۱۱/۴۳ سانتی متر است.

نژاد ماکویی^۲



1- Lanolin

2- Makuei

پراکنش

این گوسفند علاوه بر آذربایجان شرقی و غربی به کشورهای شوروی و ترکیه نیز گسترش پیدا کرده است. این نژاد در ترکیه کارامان سفید نامیده می شود. پرورش این گوسفند از سابقه‌ی طولانی برخوردار بوده و زیستگاه آن شمال غربی آذربایجان شرقی و نواحی شمال آذربایجان غربی است.

خصوصیات ظاهری

رنگ بدن سفید یکدست و ناحیه‌ی دور چشم ها، بینی، گوش و مفاصل اندام های حرکتی دارای لکه های سیاه است که در یک سوی آن، این لکه ها به رنگ قهوه ای هستند. در سطح خارجی دنبه شکافی وجود دارد که چندان مشخص نیست. ماکویی گوسفندی مقاوم است و در مقابل عوامل جوی از خود سازگاری مناسبی نشان می دهد.

میش	قوچ	صفت
۵۰ تا ۵۵	۵۵ تا ۶۵	وزن (کیلو گرم)
۶۰ تا ۶۵	۶۵ تا ۷۰	ارتفاع (سانتی متر)

تیپ های مختلف گوسفند ماکویی

تیپ رش: در این تیپ رنگ گوش ها تماماً سیاه است.

تیپ گوش: در این تیپ رنگ گوش و صورت تماماً سیاه است.

تیپ کل رش: در این تیپ لکه های اختصاصی در صورت و اعضاء به حداقل رسیده است.

تیپ سوز: لکه های اختصاصی به رنگ قهوه ای متمایل شده است.

نژاد مهربانی^۱



تاریخچه

این نژاد به علت خصوصیات مطلوب آن، از زمان های قدیم مورد علاقه ای اکثر کشاورزان و دامداران بوده است. گوسفند نژاد مهربانی بومی بخش وسیعی از استان همدان و قسمت های هم مرز بین استان های زنجان و کردستان می باشد. به گفته دامداران مناطق شهرستان کبود آهنگ زادگاه اصلی این نژاد منطقه ای وسیعی در شمال غربی استان به نام منطقه ای مهربان است.

خصوصیات ظاهری

گوسفند مهربانی دارای بدن کشیده بوده و پوشش پشم از ناحیه ای پس سر به موازات حدقه ای چشم شروع و تا لبه ای زیرین شکم و انتهای سینه و از جهت دیگر تا انتهای دنبه و چند سانتی متر بالا تر از زانو و آرنج ادامه دارد. سر، صورت و زیر شکم فاقد پشم است و گاهی فقدان پشم تا حد جناغ سینه ادامه پیدا می کند. اندازه ای سر نسبت به بدن متوسط، استخوان بینی ظریف، اغلب صاف و به ندرت برجسته و پشت سر نسبتاً باریک و کمی

1- Mehrabani

برجسته است. میش ها معمولاً بدون شاخ و قوچ ها اکثراً شاخ دار می باشند. رشد شاخ ها کند بوده و به ندرت پیچیده و بلند هستند. طول گردن نسبت به بدن متناسب و در قسمت زیر آن اکثراً خالی از پشم است. گاه یک یا دو زائده‌ی مخروطی شکل به صورت منگوله در زیر گردن دیده می شود. گوش اغلب دراز است (در صورتی که آن را به طرف پایین متمایل کنیم از ناحیه‌ی فک تجاوز می کند) و گاه دارای لاله‌ی پهن با انتهای مثلثی بوده و قسمت زیرین آن پوشیده از کرم های نازک است. به ندرت گوسفند نیم گوش یا بی گوش دیده می شود. رنگ پشم بره های گوسفند مهربانی، از خرمایی تیره تا آلبالویی سیر تغییر می کند.

صفت	قوچ	میش
وزن (کیلو گرم)	۶۵ تا ۷۵	۵۰ تا ۵۵
ارتفاع (سانتی متر)	۶۵ تا ۷۰	۶۰ تا ۶۵

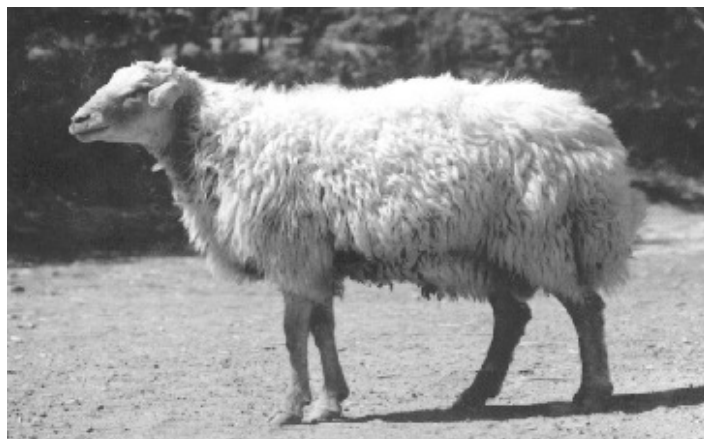
خصوصیات تولیدی

میانگین تولید شیر گوسفند مهربانی ۵۵/۶ کیلوگرم در مدت ۱۱۰ روز شیردهی است. میانگین مقدار تولید شیر روزانه هر راس میش ۵۰۴ گرم می باشد که دارای ۷/۹ درصد چربی، ۵/۴۷ درصد پروتئین خام و ۱۶/۵۵ درصد ماده‌ی خشک است. شیر سالیانه‌ی گوسفند مهربانی از ۲۳ تا ۷۹/۷۹ کیلوگرم تغییر می کند و ضریب تغییرات مقدار شیردهی سالیانه ۲۸ درصد است.

نژاد مغانی^۱

پراکنش

مرکز اصلی پرورش گوسفند مغانی، دشت مغان است که در بخشی از شمال شرقی آذربایجان شرقی و غرب دریای خزر قرار دارد.



خصوصیات ظاهری

گوسفندان منطقه‌ی مغان رنگ های متنوعی دارند. گرچه اکثر آن ها به رنگ سفید شکاری به نظر می رسند، ولی به هر حال تفاوت هایی از نظر رنگ ظاهری در بین آن ها دیده می شود. معمولاً دامداران رنگ زرد و سفید را بیشتر ترجیح می دهند.

سر نسبتاً ظریف و کوچک، حدقه‌ی چشم صاف با انحناى مختصر، پیشانی مسطح و کوتاه، نیم رخ صاف و اندازه‌ی گوش ها متوسط و نیمه افتاده است. تعدادی گوسفند نیم گوش و بی گوش در بین گله دیده می شود. طول گردن این گوسفند متوسط با رشد مناسب و عضلانی، شانه با رشد متوسط، عضلات پشت مستقیم، مسطح و عریض، ران عضلانی و اعضاء نسبت به جثه‌ی دام کوچک، ولی ظریف و مقاوم می باشند. اعضاء صورت به رنگ بدن و گاه خرمایی یا روشن متمایل به قهوه ای با رویش مو های خرمایی هستند. پشم گوسفند مغانی از تراکم کمی برخوردار است و فتیله های پشم در سطح بدن دام نسبتاً پراکنده، به صورت مخروطی شکل و دارای انتهای باریک و تیز است.

صفت	قوچ	میش
وزن (کیلو گرم)	۶۰ تا ۶۵	۵۰ تا ۵۵
ارتفاع (سانتی متر)	۶۵ تا ۷۰	۶۰ تا ۶۵

خصوصیات تولیدی

حد اکثر راندمان لاشه در بره‌ی نر هنگامی است که وزن گوسفند زنده ۶۱ کیلوگرم می باشد و مقدار آن ۵۴/۸ درصد است. حداقل راندمان در وزن ۲۹ کیلوگرم بوده و مقدار آن ۴۵ درصد می باشد.

میانگین شیر تولیدی میش مغانی در مدت ۴ تا ۵ ماه شیر دهی حدود ۷۵ کیلوگرم است. مقدار متوسط چربی پشم ۳/۶۲ درصد است که بین ۱/۷ تا ۶/۶۷ درصد تغییر می کند. طول الیاف پشم گوسفند مغانی در نقاط مختلف بدن متغیر و مقدار آن بین ۱۵۵ تا ۱۸۹ میلی متر در قسمت های شانه و پشت کپل متفاوت است.

خصوصیات تولید مثلی

فصل زایش از اواخر پاییز شروع و تا اواسط زمستان و به ندرت تا اوایل بهار ادامه دارد، ولی اکثراً در گله ها در ماه دوم پاییز تا اوسط زمستان انجام می شود. اکثر گله های مغانی سالی یک بار به طور معمول زایش دارند.

درصد دو قلو زایی ۱۶ درصد، درصد باروری ۹۳ درصد، درصد زایایی ۱۱۰ درصد، درصد چند قلو زایی ۱۱۸ درصد، درصد بره زایی ۱۱۸ درصد و درصد تلفات بره ۱/۲۳ درصد است.

نژاد ناواجو کرو



منشاء گوسفند نژاد ناواجو کرو^۱ گوسفند کرا^۲ می باشد که یک نژاد قدیمی عبری است. مریئوی دوم که بعداً توسط مرز نشینان آمریکا به کرو تبدیل شد، به دلیل داشتن توانایی تحمل شرایط سخت، سازگاری بالا و باروری خوب مورد پذیرش عمومی قرار گرفت. کرا جزء اولین گوسفندان اهلی شده است. ورود گوسفند کرا به اسپانیای جدید توسط اسپانیایی ها به قرن شانزدهم بر می گردد. در آن زمان از این گوسفندان برای تغذیه و پوشاک ارتش فاتحان و مقیمان اسپانیا استفاده می شد.

در قرن هفدهم گوسفند نژاد ناواجوکرو به نقطه‌ی قوت مزارع و روستاهای اسپانیا تبدیل شد. هندی های بومی برای تهیه‌ی غذا و الیاف از این گوسفند استفاده می کردند. از پشم آن پارچه های ناواجو، ریو گراند^۳ و پابلو^۴ بافته شد و پشم آن به دلیل داشتن درخشش و تنوع رنگ های طبیعی مورد قبول کلکسیونر ها قرار گرفت. این گوسفند با پوشش بلند و محافظ خود برای آب و هوای نامتعادل مناسب است. برخی از قوچ ها دارای چهار شاخ هستند که این خصوصیت کمتر در دیگر نژاد های دنیا دیده شده است. این نژاد در مقابل بیماری ها مقاوم است و اگر چه به مراقبت افراد پاسخ می دهد ولی بقا نیاز به مراقبت ندارد.

میش ها زایمان آسانی دارند و به شدت مراقب بره ها هستند. دو قلو زایی و سه قلو زایی در بین آن ها وجود دارد. گوشت این نژاد به طور شگفت آوری کم چرب و مورد پسند است و دارای طعم مطلوبی می باشد.

نژاد نائینی^۵

پراکنش

این نژاد، بومی حاشیه‌ی کویر مرکزی ایران است و عمدتاً در شهر های شرقی و شمالی استان اصفهان پرورش داده می شود. همچنین در سایر شهر های استان به صورت گله های بومی و یا آمیخته وجود دارد.

1- Navajo – Churro
4- Pueblo

2- Churra
5- Naeini

3- Rio Grande



خصوصیات ظاهری

معمولاً در اکثر مناطق شیر میش دوشیده نمی شود، ولی در اطراف نائین، پس از آن که بره از شیر گرفته می شود بین ۲ تا ۳ ماه و در برخی از مناطق ۴ ماه از شیر میش برای مصارف خانگی استفاده می کنند. میزان تولید شیر در زمان دوشش بین ۳۰۰ تا ۶۰۰ گرم در روز است.

پشم

گوسفند نائینی در طول سال یک بار پشم چینی می شود. وزن بیده پشم در قوچ ها به طور متوسط ۱۳۰۰ تا ۱۵۰۰ گرم، در میش بین ۱۰۰۰ تا ۱۲۰۰ گرم، در بره های نر ۵۵۰ گرم و در بره های ماده ۵۰۰ گرم می باشد.

صفت	قوچ	میش
وزن (کیلو گرم)	۴۵ تا ۵۰	۴۰ تا ۴۵
ارتفاع (سانتی متر)	۶۵ تا ۷۰	۶۰ تا ۶۵

خصوصیات تولیدمثلی

گوسفند نائینی عموماً تک قلو زا است و با انجام فلاشینگ میزان دو قلو زایی به ۰/۵ تا ۱ درصد می رسد. این گوسفند در طول سال یک بار زایمان دارد و با شرایط تغذیه‌ی فصلی مناسب گاهی سه زایش در دو سال انجام می دهد. راندمان زایش در گله های گوسفند نائینی بین ۸۵ تا ۹۲ درصد و به طور متوسط ۹۰/۲ درصد می باشد.

نژاد اُلد نروژین



گوسفند نژاد اُلد نروژین^۱ از نژاد های دم کوتاه و قدیمی شمال است و در شهر های سلب جورن^۲، اُستیوُل^۳ و هوردا^۴ در غرب نروژ یافت می شود. این نژاد در سواحل غربی نروژ به نام کامل نرسک اسپالسو^۵ به معنی گوسفند نروژی قدیمی هم معروف است. این گوسفند جزء اولین گوسفندان اهلی شده در اروپا است. با توجه به خصوصیات این گوسفند، این سوال به وجود می آید که چگونه ممکن است این نژاد در ساحل غربی نروژ باقی مانده باشد؟ در پاسخ به این سوال می توان دلایل زیر را مطرح نمود:

1- Old Norwegian

2- Selbjorn

3- Austevoll

4- Horda

5- Gammel Norsk Spaelsau

(۱) منشاء این نژاد گوسفند آلد آتلانتیک^۱ است که هنوز هم در جزایر غربی نروژ همانند سایر جزایر دور اروپای شمالی وجود دارد.

(۲) دور از دسترس بودن این منطقه مانع ورود نژاد های دیگر شده است.

(۳) مردمی که در ساحل زندگی می کردند، ارزش زیادی برای این نژاد قائل بودند و از گوشت آن استفاده می کردند و پشم آن را برای تولید محصولات با کیفیت به کار می بردند.

(۴) مهم تر از همه این که، خود این گوسفند توانایی بقا در زمستان های سخت را داشته است.

(۵) این نژاد مانند سایر حیوانات وحشی مانند گوزن با آب و هوای نا مساعد و کمبود خوراک سازگاری دارد. این گوسفند تمام سال را می چرد و حتی در زمستان هم برای خود غذا پیدا می کند و حداقل نیاز را به پناهگاه و تغذیه‌ی مصنوعی دارد.

این نژاد منشاء نژاد های آیس لندیک^۲، فاروس^۳ و اسپالسو^۴ است. عادت به چرای دقیق گوسفند نروژی، او را برای پیدا کردن گیاه از بخش های مختلف و خرابه ها، مناسب ساخته است. برای تغذیه‌ی زمستانی نیاز به کاشت علف هیت (جاروب)^۵ می باشد و بهترین روش برای افزایش رشد این گیاه، چرای گوسفند نروژی است.

نژاد پامرانیین کُورس وول

تاریخچه و پراکنش

گوسفند نژاد پامرانیین کُورس وول^۶ در گله های کوچک در سواحل دریای بالتیک و در شهر های پامرن (پامرانیای^۷) و مکلن برگ^۸ برای استفاده از پشم، گوشت و شیر آن نگه داری می شده است. در اواسط قرن نوزدهم میلادی محصولات کشاورزی افزایش یافت و نژاد های بومی محدود شدند. صنعت نساجی نیازمند پشم بهتر بود و پرورش دهندگان واردات مریوی اسپانیایی را ادامه دادند که باعث کاهش پامرت شد. پس از مدتی این نژاد توسط

1- Old Atlantic

2- Ice Landic

3- Faeroes

4- Spaelsau

5- Heather

6- Pomeranian Coarse wool

7- Pommern (Pomeranian)

8- Mecklenburg



نژاد های دیگری جایگزین شد و امروزه تنها در مزارع کوچک و در طول دریای بالتیک دیده می شود.

خصوصیات

این گوسفند دارای جثه‌ی متوسط، بدون شاخ با اندام های حرکتی لاغر و دراز است. سم هایی محکم دارد و به این دلیل روی زمین های سنگلاخی به خوبی راه می رود. اندازه‌ی سر متوسط، بینی راست و سیاه رنگ بوده و زبان آن نیز سیاه رنگ است. قوچ ها و گاهی میش ها دارای یالی سیاه و زبر هستند. میانگین وزن قوچ های بالغ ۷۰ تا ۷۵ کیلو گرم و میانگین وزن میش های بالغ ۵۰ تا ۵۵ کیلوگرم است. این نژاد در مقابل انگل بسیار مقاوم است.

این گوسفند دارای پوشش دو لایه یعنی یک پوشش بیرونی ۱۴ تا ۲۲ سانتی متری از پشم و یک پوشش خوب درونی است. وزن پشم ۳ تا ۵ کیلوگرم با قطری حدود ۳۰ تا ۴۰ میکرون می باشد. میش ها آسان زا هستند و طی سه سال دو بار زایش دارند. رنگ بره ها به هنگام تولد سیاه رنگ است ولی پس از مدتی به رنگ های خاکستری، سرمه ای، قهوه ای یا خاکستری روشن تبدیل می شود. با افزایش سن، رنگ پشم آن روشن تر می شود، و معمولاً به یک بره‌ی نقره ای یا سیاه تبدیل خواهد شد.

نژاد رامبویه



منشاء نژاد رامبویه^۱ گوسفندان اسپانیایی مرینو هستند که از زمان های بسیار قدیم به دلیل تولید پشم خیلی خوب و ظریف معروف بوده اند. در زمان لوئی شانزدهم در فرانسه، گوسفندان این کشور مقدار کمی از پشم مورد نیاز کارخانه ها را تامین می کردند و به همین دلیل وی تعداد کمی از گوسفندان مرینو را از اسپانیا تقاضا نمود. تا آن زمان دولت اسپانیا نسبت به گله های مرینوی خود بسیار دقیق بود و صادرات آن را ممنوع کرده بود. در سال ۱۷۸۶ میلادی با تقاضای فرانسه این سیاست تغییر نمود و ۳۶۶ راس از مرینو های اسپانیایی به فرانسه منتقل شدند.

این گوسفندان به محلی به نام رامبویه (مزارع شخصی لویی شانزدهم در نزدیک پاریس) فرستاده شدند که بر اثر انتخاب و آمیزش های انجام شده، نژاد رامبویه به وجود آمد. از سال ۱۸۰۱ میلادی این نژاد از منطقه ای رامبویه به مناطق دیگر گسترش یافت. این گوسفندان مانند مرینو های آمریکایی دارای سه تیپ A، B و C هستند و به همان ترتیب که در مورد مرینو آمریکایی گفته شد تیپ C بیشتر است. رنگ پوشش بدن، سفید بوده و از نظر

1- Rambouillet

ظاهری کلیه صفات نژاد های گوشتی را دارا می باشد. دارای جثه ی بزرگ و اندام های حرکتی کوتاه و قوی می باشد. قوچ ها شاخ های بزرگ و پیچیده دارند ولی میش ها بدون شاخ هستند.

میانگین تولید پشم قوچ های بالغ $3/6$ تا 8 کیلو گرم با خلوص 35 تا 55 درصد و طول 5 تا 10 سانتی متر است. قطر الیاف آن $18/5$ تا $24/5$ میکرون یا 60 تا 80 میکرون برای هر چند تار است. نسبت بره زایی $1/3$ تا $1/4$ است. بره ها دارای سرعت رشد بالا و قابلیت پروار بندی خوب هستند.

نژاد راسا آراگونزا



نژاد راسا آراگونزا^۱ نام خود را از منطقه ای به همین نام گرفته است. نژاد های مختلفی را می توان نام برد که نام خود را از محل زندگی خود گرفته اند، مانند نژاد های راسا مونگریا^۲ از منطقه ی راس مونگروا^۳، تورلنس^۴ از استان ترول، انسوتانا^۵ از دره ی انسو^۶ و نژاد جدید

1- Rasa Aragonesa

4- Ture Lense

2- Rasa Monegia

5- Ansotana

3- Los Monegroa

6- Anso

میجورادا^۱ که هر نژاد فرعی با توجه به محل زندگی خود جنه‌ی متفاوتی نسبت به دیگر نژاد های فرعی دارد.

خصوصیات

سر این نژاد بدون پشم بوده و هر دو جنس بدون شاخ هستند. قسمت های بدون پشم با موی سفید و درخشان پوشیده شده است. میانگین وزن قوچ های این نژاد ۵۰ تا ۷۰ کیلو گرم و میانگین وزن میش ها ۳۵ تا ۴۰ کیلو گرم است.

نژاد راسا آراگونزا پشم و گوشت خوبی دارد و معروف ترین بره‌ی کشتاری را در منطقه‌ی آراگون تولید می کند که ترناسکو^۲ نامیده می شود. بره های ترناسکو آراگون باید در سن ۱۰ تا ۷۰ روزگی که کشتار انجام می گیرد وزنی حدود ۱۸ تا ۲۸ کیلوگرم داشته باشند. تغذیه‌ی بره ها نیز باید با ترکیبی از شیر مادر و کنسانتره‌ی کاه سفید انجام گیرد.

نژاد روئن شاف



1- Mejorada

2- Ternasco

تاریخچه و پراکنش

منشاء نژاد روئن شاف^۱ نژاد های هسیان^۲، باواریان^۳ و تارینگیان^۴ است. احتمالاً این نژاد در قرن شانزدهم میلادی می زیسته است، زیرا قدیمی ترین سبک چوپانی در شهر روئن تان^۵ به سال ۱۵۴۸ میلادی بر می گردد.

منشاء تمام نژاد های دارای پشم صاف، گوسفند نژاد زائوپل شاف^۶ اروپایی است که دارای پوشش دو لایه، سر سیاه و قرمز و گوش های باریک و بدون شاخ بود. در قرن شانزدهم میلادی پرورش دهندگان سعی کردند که با آمیزش شاف با یک نژاد پشم صاف، کیفیت پشم آن را افزایش دهند.

بسیاری از نژاد ها هنگامی پا به عرصه ی وجود گذاشتند که مرنیوس اسپانیایی در سال ۱۷۶۵ میلادی پدیدار شد، ولی روئن شاف بسیار پیش از آن ها وجود داشته است. از سال ۱۹۸۷ میلادی پرورش دهندگان کشور آلمان اقدام به حفاظت از نژاد روئن شاف کردند. امروزه این نژاد در سراسر آلمان پراکنده می باشد. برای بهبود کیفیت پشم این نژاد آن را با نژاد های کاست وول^۷، آکسفورد شایر^۸ و مرنیو آمیزش داده اند.

رنگ این نژاد سفید متمایل به زرد، اندازه ی سر متوسط تا بزرگ و اندام های حرکتی، بزرگ و بدون پشم است. این گوسفند تنها نژادی است که اندام های حرکتی سفید و سر سیاه بدون پشم دارد.

نژاد ریڈئو ارکوت

در اصل نژاد ریڈئو ارکوت^۹ نژادی است که در پروژه های تحقیقاتی استفاده می شود که به دلیل میزان بره دهی آن انتخاب شده است. برنامه ی تولید این نژاد در سال ۱۹۶۶ میلادی در مرکز تحقیقات کشاورزی کانادا شروع شد. یکی از اهداف ایجاد این نژاد، تولید نژادی با تولید مثل سریع بود. چنین نژادی می توانست تحقیقات ژنتیکی و سایر تحقیقات را سرعت بخشد. نژاد های فنیش^{۱۰}، ساوث داون، سافولک، لایسیستر، رامیت^{۱۱}،

1- Rhoenschaf
4- Thuringian
7- Costwold
10- Finnish

2- Hessian
5- Rhoentown
8- Oxford Shire
11- Romnelet

3- Bavarian
6- Zaupelschaf
9- Rideau Arcott

نورث کانتری شیویوت^۱، دُورست هورن، شورپ شایر، و ایل دو فرانس^۲ در ایجاد سه نژاد، کانادیین کوت^۳، اوت ایس^۴ و ریدئو^۵ شرکت داشتند.

در سال ۱۹۷۲ میلادی تولید مواد ژنتیکی خونی متوقف و گله به مدت ۲ سال قرنطینه شد. در سال ۱۹۷۴ میلادی گله به دو دسته تقسیم شد و برنامه‌ی سریع تری برای تولید مثل انجام گرفت. در سال ۱۹۸۰ میلادی با به کارگیری روش هایی، از خون های انتخابی بدون پاتوژن برای تولید گله های ارکوت استفاده شد و تا سال ۱۹۸۲ میلادی هر سه نوع ارکوت به صورت نژاد های مشخص تولید شدند.

ترکیب ژنتیکی این نژاد شامل ۴۰ درصد فنیش، ۲۰ درصد سافولک، ۱۴ درصد اِست فریزین^۶، ۹ درصد شورپ شایر و ۸ درصد دُورست هورن است و ۹ درصد باقی مانده شامل نژاد های بوردر لایسیستر، نورثرن شیویوت، رامنتل و کریدال می باشد.

میش ها در هفت ماهگی زایمان می کنند و میانگین سن اولین بَره زایی ۱/۷ ماهگی، فاصله‌ی بَره زایی هر هشت ماه یک بار و میانگین بَره زایی ۲/۵ بَره برای هر گوسفند است.

نژاد رامنی^۷



1- North Country Cheviot
4- Outaouais
7- Romney

2- Ile- de- France
5- Rideau

3- Canadian
6- East Friesian

منشاء نژاد رامنی به گوسفندان دو منظوره‌ی رامنی مارش در قدیم که از نژاد لایسیستر در قرن نوزده به وجود آمده بودند، بر می‌گردد. این گوسفند متعلق به منطقه‌ی مارشی در ایالت کنت انگلیس است. به دلیل باد های تند و بارش های زیاد، نواحی کنت مملو از علف های آبدار است. این شرایط جغرافیایی باعث به وجود آمدن چند خصوصیت ویژه در نژاد رامنی شده است. این ویژگی ها شامل سم هایی است که از آسیب پاها جلوگیری می‌کنند و پشم هایی که در هوای نا مطلوب سالم می‌مانند. با توجه به شبیه بودن شرایط آب و هوایی با توپوگرافی منطقه، این نژاد به راحتی در نیوزیلند و جزایر فالکلند سازگاری پیدا کرد و در آنجا به سرعت رشد کرد و هنوز هم در این مناطق نژاد غالب است. در سال ۱۹۰۴ میلادی اولین رامنی به آمریکای شمالی آورده و به سرعت در آن جا معروف شد. اتحادیه‌ی پرورش دهندگان نژاد رامنی در آمریکا در سال ۱۹۸۲ تاسیس شد و اولین رامنی مارش های خالص، طبیعی و رنگی در همان سال در اتحادیه ثبت شدند.

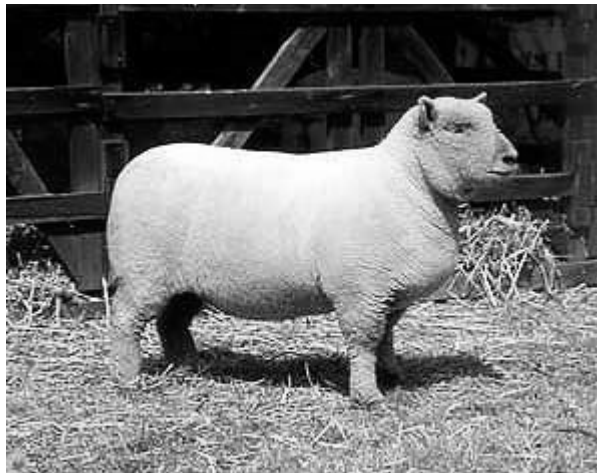
رامنی یک نژاد تاریخی دو منظوره بوده است و در تمام محیط های کشاورزی یافت می‌شود. این گوسفندان در ابتدا دارای پشم های ضخیمی بودند. پشم این گوسفندان از اوایل قرن نوزدهم به بعد به واسطه ی آمیزش میش های رامنی با قوچ های لایسیستر و انتخاب دقیق نتاج آن ها به تدریج بهبود یافت.

بدن به رنگ سفید و سم، پوزه و لب سیاه رنگ است. دارای جثه‌ی متوسط می باشد و نسبت به دیگر نژاد های گوشتی کوچک تر است. در هر دو جنس بی شاخ و دارای ظاهر یک نژاد گوشتی خوب است. سر پهن و پوشیده از مو یا پشم، گردن قوی، شانته‌ی پهن، سینه عمیق و پهن، پشت راست و پهن، کمر عمیق و طویل، کیل پهن و ساق پای کوتاه و محکم دارد.

وزن بلوغ در قوچ ها بین ۱۰۰ تا ۱۲۵ کیلوگرم و در میش ها بین ۸۵ تا ۱۰۰ کیلوگرم است. بر روی پیشانی مقداری از پشم و بر روی گونه ها تار های کوتاهی از پشم وجود دارد. این نژاد به دلیل داشتن چند ویژگی در میان تمام نژاد های گوسفند بی نظیر است، پشم درخشان بوده، محصول خالص بالایی دارد و به خوبی تاییده می‌شود. این نژاد در سال ۳/۵ تا ۶ کیلوگرم پشم با خلوص ۶۵ تا ۸۰ درصد تولید می‌کند. پشم رامنی ۳۱ تا ۳۸ میکرون قطر و ۱۲ تا ۱۸ سانتی متر طول دارد و شمارش تابش آن اعداد ۴۰ تا ۴۸ را نشان می‌دهد.

کم بودن روغن این پشم باعث روشن شدن آن به هنگام شست و شو می شود. طیف وسیع شمارش تابشی آن باعث شده تا پشم گوسفند رامنی برای تولید بسیاری از محصولات از عرق گیر گرفته تا لباس های رو و قالیچه مورد استفاده قرار گیرد. پشم به راحتی در روغن تابیده می شود و به سرعت رنگ می گیرد. رنگ های طبیعی سیاه، خاکستری، نقره ای و قهوه ای بیشترین خریدار را دارند. اگر به خوبی مراقبت شود، بره های این گوسفند را می توان تا از شیر گرفتن آرام آرام تغذیه نمود و سپس در مراتع رها کرد تا بالغ شوند. گوشت این نژاد به دلیل مزه ی خوب آن معروف است.

نژاد سات داون



منشاء نژاد سات داون^۱ منطقه ی سات داون واقع در سوسکس در جنوب شرقی انگلستان است. در اواخر قرن ۱۸ و اوایل قرن ۱۹ میلادی این گوسفند به مناطق دیگر گسترش یافت. سال های بسیار قبل، گوسفند بومی این منطقه به دلیل داشتن گوشتی با کیفیت مطلوب

1- South down

مشهور بوده است. در اثر سال ها انتخاب بین گله های محلی و پرورش دقیق گوسفندان انتخاب شده این نژاد به صورت امروزی ثبت گردید. به احتمال زیاد این گوسفند در ایجاد نژاد های گوشتی دیگر مخصوصاً نژاد های همشایر، شراب شایر و ساف نقش مهمی داشته است.

دارای پوشش بدن سفید و سر و اندام های حرکتی قهوه ای رنگ است و در هر دو جنس بی شاخ می باشد. بدن پهن و عمیق و ساق پای پُر، صاف و کوتاهی دارد. میانگین وزن قوچ های این نژاد ۸۵ تا ۱۱۰ کیلو گرم و میانگین وزن میش ها ۶۰ تا ۸۰ کیلو گرم است. پشم آن کوتاه، کم پشت و ظریف می باشد. پشم میش های بالغ بین ۰/۹ تا ۱/۸ کیلوگرم و خلوص آن ۴۰ تا ۵۵ درصد است. پشم ها از نوع متوسط با قطر فیبری ۲۳/۵ تا ۲۹ میکرون و طول ۴ تا ۶ سانتی متر هستند. این نژاد یکی از بهترین نژاد ها از نظر دارا بودن صفات نژاد های گوشتی و رشد است. جثه ی کوچک در قوچ ها مانع آمیزش این نژاد با سایر نژاد ها برای تولید بره های کشتاری می شود، در نتیجه دامداران برای تولید بره های کشتاری از قوچ های نژاد های بزرگ تر استفاده می کنند. این میش ها تولید شیر متوسطی دارند و دو قلو زایی در آن ها متوسط است. قوچ های این نژاد در انگلیس، آمریکا، استرالیا و نیوزیلند برای پرورش بره های پرواری خالص و آمیخته در حد وسیعی مورد استفاده قرار گرفته اند.

نژاد سافولک



تاریخچه و پراکنش

گوسفند نژاد سافولک^۱ حاصل آمیزش قوچ های سات داون جنوبی با میش های نورفولک هورن هستند. این نژاد نام خود را از بخش سافولک در جنوب شرقی انگلیس گرفته که این منطقه همراه با مناطق اسکس و نورفولک منشاء اولیه این نژاد است. این نژاد پس از شکل گیری، در اثر انتخاب به شکل نژاد امروزی سافولک ثبت شد. گوسفند شاخ دار نورفولک گونه ای وحشی بوده که دارای صورت سیاه و پشم سبک می باشد. هر دو جنس شاخ دار بوده هستند.

مناطق مرتفع سافولک، نورفولک و کمبریج در سواحل شرقی انگلیس محل زندگی این گونه بوده است. این مناطق، باد خیز، سرد و خشک بودند و گوسفندان نورفولک مسافت طولانی را برای غذا می پیمودند. به دلیل تحمل شرایط سخت دارای بدن عضلانی شده

بودند. آن ها دارای بدن کشیده و قوی و بره های بلند و عضلانی بودند. این گونه از نظر پرورش دهندگان و قصاب ها بسیار حائز اهمیت بوده است.

در سال ۱۸۸۶ میلادی، جامعه‌ی سافولک انگلیس در جهت ارائه‌ی خدمات و گسترش استفاده از این گونه حرکتی نوین را آغاز کرد. با انتخاب و پرورش دقیق نژاد سافولک توسط پرورش دهندگان انگلیسی، این گونه خصوصیتی کسب نمود که همگان را شگفت زده کرد. از آن پس تا به امروز این نژاد به دلیل کیفیت مناسب گوشت مشهور و مورد استقبال همگان است. همچنین این نژاد در انگلیس، آمریکا، استرالیا و نیوزیلند برای پرورش بره های پرواری خالص و آمیخته به عنوان لاین پدری مورد استفاده قرار گرفته است.

خصوصیات

از نشانه های مشخص این نژاد صورت، گوش و ساق های سیاه آن است. سر و گوش ها فاقد پشم بوده و از مو های کوتاه پوشیده شده است. این نژاد بدون شاخ بوده و از صفات بارز آن پر تحرک بودن و مقاومت به محیط می باشد. این گوسفندان جثه‌ی نسبتاً درشت، ویژگی های یک نژاد گوشتی خوب و قدرت راهپیمایی زیادی دارند و در مراتع فقیر می توانند از علوفه های نا مرغوب استفاده کنند.

از نظر شیر دهی دارای قابلیت بالایی می باشند. راندمان پشم در آن ها مطلوب نیست و تولید پشم سالانه ۳۰ تا ۳۵ کیلوگرم با خلوص نهایی ۵۰ تا ۶۲ درصد است. پشم آن ها از نوع پشم متوسط با قطر الیاف ۲۵/۵ تا ۳۳ میکرون و طول آن ۵ تا ۸/۷۵ سانتی متر است.

میانگین وزن قوچ های بالغ ۱۱۵ تا ۱۵۰ کیلوگرم و میانگین وزن میش های بالغ ۸۰ تا ۱۱۵ کیلوگرم است. این نژاد ۳۰ درصد سنگین تر از نژاد سات داون می باشد.

نسبت بره زایی ۱/۵ و درصد دو قلو زایی متوسط است. در اصلاح نژاد، قوچ های این نژاد اهمیت بالایی دارند، زیرا از آمیزش این قوچ ها با میش های مناسب دیگر نژاد ها، بره هایی نسبتاً کوچک به وجود می آید که بره زایی در میش ها را بسیار آسان می کند.

نژاد اس تی کرویکس



تاریخچه و پراکنش

منشاء نژاد اس تی کرویکس^۱ جزایر ویرجین^۲ در آمریکا و کارائیب در بریتانیا است. برخی عقیده دارند که این گوسفند از نسل گوسفند مویی آفریقای غربی است، ولی برخی دیگر آن را حاصل آمیزش نژاد های ویلت شایر هورن^۳ و نیتبو کریولو^۴ می دانند. ۲۵ راس گوسفند سفید اس تی کرویکس جزیره ی ویرجین (۲۲ راس میش و ۳ راس قوچ) انتخاب و به آمریکا آورده شدند. معیار های انتخاب شامل رنگ سفید، نداشتن پشم و جثه ی متوسط یا بزرگ بود. این گوسفندان اساس گوسفند امروزی اس تی کرویکس آمریکا را پایه گذاری کردند.

این نژاد برای مطالعات تولید مثلی و آمیزشی در یوتا^۵، کارولینای شمالی^۶ و اوهایو مورد استفاده قرار گرفت. گوسفندان این نژاد به صورت خالص نگه داری شدند و با زیاد شدن تعداد

1- St.Croix
4- Native Criollo

2- Virgian
5- Utah

3- Wiltshire horn
6- California

آن ها به پرورش دهندگان خصوصی واگذار گردیدند. این گوسفندان به دو صورت طبیعی و انتخابی شکل گرفتند، بنابراین دارای قدرت سازگاری بیشتر، قدرت تحمل شرایط آب و هوایی سخت، باروری بسیار خوب و چرا در مرتع هستند.

خصوصیات

اندام های حرکتی گوسفندان کرویکس به رنگ سفید با نقطه های سیاه یا قهوه ای است. هر دو جنس بی شاخ هستند. میانگین وزن قوچ های جزیره‌ی ویرجین ۴۵ کیلوگرم و میانگین وزن میش ها ۳۵ کیلو گرم است. میانگین وزن قوچ ها و میش ها در آمریکا به ترتیب ۵۴ و ۷۴ کیلوگرم است. در ۶ تا ۷ ماهگی باروری خوبی از خود نشان می دهند، و میزان بره دهی بین ۱۵۰ تا ۲۰۰ درصد و میزان دو قلو زایی در آن ها کم است.

مقاومت بالای این گوسفندان در برابر انگل در مقایسه با گوسفندان نژاد بریتانیا، در بسیاری از مطالعات دانشگاهی دیده شده است. همچنین قابلیت تحمل گرما و رطوبت آن ها نسبت به گوسفندان بریتانیایی بیشتر است و با آب و هوای مختلف تمام کشور سازگار هستند.

در مناطق سرد تر، آن ها پوشش بدن ضخیم تری دارند که مخلوطی از پشم و مو است. این پوشش سنگین در بهار می ریزد. در کل گوسفند رام و آرامی است و سازگاری بالایی آن در مناطق بری آن ها را انتخاب اول برای تولید و پرورش در آن نواحی قرار داده است.

نژاد سنگسری^۱

گوسفند سنگسری مختص محلی است به همین نام که در شمال شهرستان سمنان واقع می باشد (مهدی شهر) و به روش عشایری و روستایی پرورش می یابد. به علت کوچکی جثه و مقاومت نسبت به عوامل محیطی، متداول ترین روش پرورش آن روش رمه گردانی است. بیلاق گوسفند سنگسری معمولاً منطقه‌ی فیروزکوه، دماوند، شمیرانات و کرج و قشلاق آن ها در حاشیه کویر سمنان و ورامین است. به دلیل کوچک بودن جثه در معرض شدید ترین شکل آمیخته گری قرار گرفته است. این گوسفند در منطقه‌ی شمال شرقی استان تهران گوسفند غالب منطقه را تشکیل می دهد.



خصوصیات ظاهری

سنگسری گوسفندی است که دارای بدن جثه‌ی کوچ، اندام‌های حرکتی کوتاه و ظریف و دنبه‌ی نسبتاً کوچک و بدون دنبالچه یا با دنبالچه‌ی بسیار کوچکی است که به شکل برگشتگی انتهایی روی دنبه قرار دارد. قوچ‌ها و میش‌ها اکثراً بدون شاخ هستند و گاهی در نرها شاخ به شکل زائده‌ای کوچک نمایان می‌شود. این گوسفند در رنگ‌های سیاه (بور)، نخودی (شیوا)، قهوه‌ای روشن، قهوه‌ای تیره و خاکستری دیده می‌شود و به خاطر جثه‌ی کوچک و دست و پای ظریف، قدرت راه‌پیمایی زیاد و مقاومت به عوامل محیطی، یکی از بهترین گوسفندان گوشتی منطقه محسوب می‌شود.

این گوسفند به عنوان یک نژاد ریز جثه و با توجه به شرایط سخت پرورش، از قدرت بره‌دهی قابل توجهی برخوردار است و میزان تلفات بره در آن پایین است اگر چه عملکرد تبدیل ماده‌ی خشک به گوشت در این گوسفند مانند گوسفندان درشت جثه نیست ولی به علت کم‌توقع بودن، با سهولت بیشتری می‌تواند خوراک کم پروتئین را به گوشت تبدیل نماید.

صفت	قوچ	میش
وزن (کیلو گرم)	۴۵ تا ۵۰	۴۰ تا ۴۵
ارتفاع (سانتی متر)	-	-

نژاد شال



تاریخچه

منطقه‌ی بوئین زهرا که زادگاه اصلی گوسفند نژاد شال^۱ می باشد به طور متوسط دارای بارندگی ۱۵۰ تا ۲۵۰ میلی متر در سال است. مراتع منطقه عموماً از نوع استپی و بافت خاک از نوع درشت دانه و مخلوط با رس می باشد. نژاد شال از صدها سال پیش به محیط زندگی خود عادت کرده و برای تحمل تشنگی و گرسنگی دارای دنبه‌ی بزرگی است. ذخیره‌ی چربی در دنبه علاوه بر فراهم کردن امکان تحمل تشنگی و گرسنگی برای دام، موجب جلوگیری از تجمع چربی در نقاط دیگر بدن می شود، به گونه‌ای که اگر در دوران بره گی دنبه‌ی حیوان قطع شود، چربی بیشتری در لاشه‌ی خود ذخیره می کند. مورفولوژی نژاد شال می تواند تحت تاثیر شرایط منطقه‌ی زیست آن (بوئین زهرا) باشد.

سر حیوان کمی طویل، حدقه‌ی چشم برجسته و پوزه‌ها کلفت است. چشم‌ها نسبتاً درشت و پیشانی صاف و کوتاه است. هر دو جنس فاقد شاخ می باشند. رنگ بدن و لیاف پشمی آن به رنگ سفید شگری متمایل به خاکستری است که در اصطلاح محلی به این رنگ شیر بور می گویند.

صفت	قوچ	میش
وزن (کیلو گرم)	۷۰ تا ۸۰	۵۰ تا ۵۸
ارتفاع (سانتی متر)	۷۵ تا ۸۰	۷۰ تا ۷۵

خصوصیات تولیدی

هدف از نگه داری این نژاد منحصراً تولید گوشت و فروش بره است. متوسط وزن تولد بره ها ۳/۵ کیلوگرم، وزن گوسفند بالغ در قوچ ها ۷۰ الی ۷۵ کیلوگرم و در میش ها ۶۵ الی ۶۹ کیلوگرم است.

به علت کم بودن گسترش پشم در سطح بدن، میزان تولید پشم ناچیز بوده و سالانه به طور متوسط یک کیلوگرم پشم تولید می شود، زیرا برخی از قسمت های بدن (شکم و بین ران ها) فاقد پشم است. تولید پشم سالیانه به ازای هر راس ۱۲۰۰ الی ۱۵۰۰ گرم است. میزان تولید شیر نسبتاً زیاد است به طوری که در یک دوره‌ی چهار ماهه ۱۵۰ کیلوگرم شیر تولید می کند که اغلب به مصرف بره ها می رسد. تولید شیر روزانه بین ۴۰۰ الی ۶۰۰ گرم است.

این گوسفند دو قلوا زا است.

نژاد سنجابی^۱

تاریخچه و پراکنش

ایل سنجابی در اواسط دوره‌ی ناصری (۱۲۶۴ تا ۱۳۱۳ قمری) با انشعابات از ایل زنگنه تشکیل سازمان ایلی داد. حدود ۸۰ درصد از کل مردم ایل سنجابی به طور دایم و ثابت در ناحیه‌ی بیلاق ده نشینند و به کشاورزی می پردازند. ناحیه زندگی ایل از دو قسمت دشت و کوهستان تشکیل شده است. نام این گوسفند از ایل سنجابی گرفته شده است و بیشترین تعداد این نوع گوسفند در استان کرمانشاه یافت می شود.



خصوصیات ظاهری

سنجایی گوسفندی دنبه دار است که جنه ای بزرگ و اندام های حرکتی بلند دارد. رنگ صورت قهوه ای تا قهوه ای کم رنگ بوده و بدن از پشم بلند و نسبتاً سفید و ضخیمی پوشیده شده است. از لحاظ تولید جزء گوسفندان گوشتی و گوشتی - پشمی بوده و دارای تولید شیر مناسبی است.

میش	قوچ	صفت
۵۰ تا ۵۵	۶۵ تا ۷۰	وزن (کیلو گرم)
۶۰ تا ۶۵	۶۵ تا ۷۰	ارتفاع (سانتی متر)

مقاومت نسبت به شرایط محیطی ، سرعت رشد و کیفیت و کمیت پشم مناسب است. در بین گوسفندان این نژاد سه تیپ غالب دیده می شود که عبارتند از: زردی: در این تیپ، سر و صورت از محل خط وصل کننده دو چشم به پایین یکدست قهوه ای است. کژل: در این تیپ نوار سفیدی از محل پیشانی تا روی بینی و پوزه کشیده شده که در برخی این نوار سفید در پوزه نیز امتداد یافته است.

کلول: در این تیپ مانند تیپ کزل، نوار سفیدی روی سر وجود دارد ولی برخلاف آن به صورت کامل تا روی بینی و پوزه ادامه ندارد.

گوسفند ترکی - قشقای



تاریخچه

این گوسفند عمدتاً توسط عشایر ترک قشقای نگه داری می شود و در قلمرو عشایر مناطق مختلف استان فارس، بخشی از استان کهگیلویه و بویر احمد، اصفهان و بوشهر پراکنده است. به علاوه گوسفنداری های روستایی این مناطق نیز گوسفند ترکی - قشقای^۱ را پرورش می دهند. در حال حاضر طایفه‌ی کشکولی بیشترین تعداد این نوع گوسفند را دارا است.

خصوصیات ظاهری

رنگ بدن در بره قهوه ای تیره است ولی در زمان بلوغ رنگ بدن تغییر کرده و حالت روشن به خود می گیرد ولی قسمت های سر، زیر گردن، زیر شکم و چهار قلم رنگ اولیه‌ی خود را حفظ می کنند. رنگ های مشهور این اکوتیپ قهوه ای تیره (بور قنقر)، قهوه ای روشن (بور نخودی یا شکری) و قهوه ای متمایل به قرمز (بور قرمز) می باشد. بدن کشیده و حجیم

1- Turki- Ghashgai

بوده و به حالت عضلانی و پهن دیده می شود. دنبه به شکل گرد و کوتاه بوده و معمولاً بالا تر از مفصل خرگوشی قرار دارد و از وسط دارای نیم چاک می باشد.

صفت	قوچ	میش
وزن (کیلو گرم)	۶۰ تا ۶۵	۵۰ تا ۵۵
ارتفاع (سانتی متر)	۷۰ تا ۷۵	۶۵ تا ۷۰

خصوصیات تولیدی

در حال حاضر فرآورده های لبنی حاصل از گوسفند ترکی بسیار محدود و بیشتر جنبه ی خود مصرفی دارد. از شیر میش های مادر بیشتر در تغذیه ی بره ها استفاده می شود. پرورش گوسفند ترکی - قشقایی به منظور تولید گوشت و جهت به دست آوردن درآمد بالا تر، در بین اکثر خانوار ها مرسوم گردیده است. طول مدت شیردهی این اکوتیپ ۱۰۲ روز و متوسط شیر تولیدی روزانه ۱۹۵ گرم، درصد چربی شیر ۵/۸۸، درصد پروتئین خام ۵/۲۹ و درصد ماده ی خشک شیر ۱۸/۲ می باشد. تولیدات دیگر شامل دام های مازاد و حذفی (بره های نر زیر یک سال و میش های پیر و قصر) می باشد. همچنین پشم آن به دلیل کیفیت مناسب و رنگی بودن (قهوه ای) در صنعت قالی و گبه بافی کاربرد دارد.

نژاد زندی^۱

تاریخچه

گوسفند زندی بنا بر اعتقاد گروهی از صاحب نظران سویه ای از گوسفند قره گل می باشد که در اثر آمیخته شدن گوسفندان منطقه ی شیراز با قره گل به دست آمده است. این گوسفند در زمان سلسله ی زندیه به منطقه آورده شده و در کتب قدیم به نام قره گل زندی معروف می باشد. یکی از مهم ترین گوسفندان پوستی به حساب می آید و پوست بره های آن جهت تولید البسه گران قیمت پوستی استفاده می شود. پرورش این گوسفند در بین عشایر و روستا نشینان جایگاه خاصی داشته و ایلات و عشایر نقش مهمی در پرورش و نگه داری آن دارند.



حدود ۲ میلیون راس گوسفند زندی در دو استان تهران و مرکزی وجود دارد که از این تعداد ۱/۵۶۵/۴۶۰ راس آن در استان تهران پراکنده هستند.

خصوصیات ظاهری

رنگ پوشش بدن در بدو تولد کاملاً سیاه بوده و از شش ماهگی به بعد به تدریج به رنگ قهوه ای و یا بر اثر تابش به رنگ نقره ای متمایل می گردد. البته برخی نیز تا آخر عمر سیاه باقی می مانند. گروهی که حدود ۱۰ درصد گله های موجود را تشکیل می دهند، به رنگ خاکستری (کبود) بوده و احتمالاً منشاء آن ها گوسفندان خاکستری شیراز می باشد. دنبه در این گوسفند گردن کوچک بوده و دارای دنبالچه ای به شکل S بر روی آن می باشد. چربی زیر پوستی در آن ها در مقایسه با بسیاری از گوسفندان دیگر ایرانی، کمتر می باشد. از مزایای بسیار جالب این گوسفند عدم زرد شدن چربی پس از کشتار و قرار گرفتن در معرض هوا می باشد که این باعث افزایش بازار پسندی گوشت آن می شود.

میش	قوچ	صفت
۴۰ تا ۴۵	۵۰ تا ۵۵	وزن (کیلو گرم)
۵۵ تا ۶۰	۶۰ تا ۶۵	ارتفاع (سانتی متر)

نژاد زل^۱



تاریخچه

این نژاد در مناطق ساحلی دریای خزر و قسمتی از دشت گرگان پرورش داده می شود و در استان گیلان بیشتر به صورت آمیخته با نژاد مغانی پرورش می یابد. این گوسفند به نژاد آریایی هم معروف است، زیرا شواهد تاریخی نشان می دهد که قوم آریایی ساکن که در نواحی گرگان و مازندران اقدام به اهلی کردن این گوسفند نموده اند.

خصوصیات ظاهری

خصوصیات منحصر به فرد گوسفند زل سبب شده که آن را حد فاصل گوسفندان اهلی و وحشی منظور نمایند، زیرا این نژاد به جای دنبه دارای یک دم متشکل از هفت مهره است که طول آن حدود ۱۰ تا ۱۲ سانتی متر است که در مقایسه با نژاد های دم دار خارجی بسیار کوتاه می باشد. این نژاد به رنگ های سیاه، سفید و قهوه ای روشن تا تیره دیده می شود. پوست آن به دلیل کوچک و نازک بودن مرغوب نیست. اندام های حرکتی آن بلند و بدون پشم است. قوچ ها دارای شاخ طویل، پیچیده و قوی بوده و برخی از میش ها نیز دارای شاخ

هستند که در اصطلاح محلی به آن گُلن می گویند که در اصطلاح محلی به دو زائده‌ی زیر گلوی دام ها گفته می شود.

این نژاد سبک وزن و کوچک جثه، دارای سر ظریف و کوچک و پیشانی کوتاه است و بر روی بینی یا پیشانی برجستگی ندارد. به دلیل عدم رعایت اصول لازم در آمیزش نژاد زل، امروزه رنگ های متفاوتی از گوسفند زل مانند سفید متمایل به نخودی تا شکری، حنایی و سیاه وجود دارد که هر یک از آن ها به دلیل تعداد زیاد به اسامی مختلفی مانند جور شیوا، جوربور، تیپ کوتر، تیپ ساری و کلاچی نامیده می شوند.

میش	قوچ	صفت
۳۵ تا ۴۰	۴۰ تا ۵۰	وزن (کیلو گرم)
۵۵ تا ۶۰	۶۰ تا ۶۵	ارتفاع (سانتی متر)

فصل سوم

نژاد های بز

نژاد آلپاین^۱



تاریخچه و خصوصیات

منشاء اولیه‌ی این نژاد نواحی کوهستانی سوئیس، اتریش و فرانسه است، لذا بهترین عملکرد را در نواحی سرد و کوهستانی داشته و در نواحی گرمسیری نیز تولید مناسبی دارد. در این نژاد رنگ بدن به صورت سیاه، سفید، خاکستری و یا ترکیبی از آن ها می باشد. هر دو جنس دارای شاخ هستند. از خصوصیات ممتاز این نژاد عادت پذیری آن به شرایط محیطی متفاوت است. مشخصات صفات تولیدی این نژاد مشابه نژاد سانن می باشد ولی تولید آن بیشتر است. وزن متوسط بلوغ در جنس نر ۶۵ تا ۸۰ کیلو گرم و در جنس ماده ۵۰ تا ۶۰ کیلو گرم است.

نژاد آنقوره



تاریخچه

منشاء اولیه‌ی بز آنقوره^۱ سرزمین های آسیای میانه می باشد. پس از ورود این بز ها به وسیله‌ی ترک ها به خاک آناتولی در حدود قرن سیزدهم، این حیوانات در سرزمین جدید تطابق خوبی نشان داده و بومی شده اند. در طول دوره‌ی عثمانی در آناتولی منحصراً به پرورش این نژاد پرداختند. در سال ۱۸۳۸ میلادی نخستین گروه از این بز ها به آفریقای جنوبی و بعد از آن به تدریج به ایالات متحده‌ی آمریکا، برخی از کشور های اروپایی و اقیانوسیه صادر شدند. در این کشور ها به پرورش و اصلاح این بز ها پرداختند. نام این نژاد از ناحیه‌ی آنکارا اخذ شده به طوری که در ترکیه به این نژاد بز آنکارا گفته می شود.

خصوصیات

بز های آنقوره دارای بدنی ظریف و کوچک هستند. بز های ماده در حدود ۲۸ تا ۳۵ کیلوگرم و بز های نر ۳۵ تا ۴۵ کیلوگرم وزن دارند. رنگ اصلی این نژاد سفید نقره ای است

1- Angora

ولی بزهای به رنگ های کرم، زرد، قهوه ای و سیاه هم دیده می شوند. بز های رنگی در اثر آمیزش با نژاد های مویی به وجود آمده اند.

بز های آنقوره عموماً دارای شاخ می باشند و گوش های نسبتاً بزرگ و بلندی دارند. سر و گردن، زیر شکم و همهی بدن از الیاف سفید، ظریف و درخشان که مادهی اولیهی نساجی محسوب می شود، پوشیده شده است. این حیوانات علی رغم این که فاقد بدن عضلانی هستند، دارای قابلیت تحرک بسیار می باشند و از این ویژگی برای چرا در مراتع فقیر حد اکثر بهره برداری را می نمایند.

محصول اصلی مورد نظر از پرورش بز آنقوره موهر است. تولید موهر با توجه به اصلاح نژاد، جنس، سن و شرایط تغذیه و بهداشت متفاوت است و سالیانه به طور میانگین در بز های ماده ۱/۵ تا ۳ و در بز های نر ۳ تا ۶ کیلوگرم تولید می شود.

در آمریکا تعداد زیادی از این بز ها اصلاح شده اند و تولید بالایی دارند، ولی میانگین تولید در ترکیه بیش از ۲ کیلوگرم نمی باشد.

نژاد عربی^۱



پراکنش

پرورش دهندگان این بز عشایر طایفه‌ی عرب هستند که برخی از آن‌ها در قسمت شرق خرامه ساکن شده‌اند. بیلاق این طایفه سر پنیان سعادت شهر، سرچاهان بوانات، باغ سیاه قادر آباد، ده بید و قشلاق آن لار، داراب، فسا و جهرم است. ارتفاع جدوگاه در بز نر بالغ ۶۰ سانتی متر و در بز ماده‌ی بالغ ۵۶ سانتی متر می‌باشد.

خصوصیات تولیدی

مقدار شیر تولیدی در یک دوره‌ی شیر دهی ۴۰ تا ۵۰ کیلوگرم، طول مدت شیر دهی در یک دوره‌ی ۵ تا ۶ ماه، وزن زنده در بز نر بالغ ۴۰ تا ۴۵ کیلوگرم و وزن زنده در بز ماده‌ی بالغ ۳۰ تا ۳۲ کیلوگرم است.

نژاد بوئر^۱

تاریخچه و خصوصیات

نژاد بوئر یکی از معروف ترین نژاد های گوشتی بز می باشد که در آفریقای جنوبی پرورش یافته است. رنگ بدن این بز سفید و گردن و سر به رنگ قهوه ای می باشد و ممکن است رنگ بدن نقطه نقطه به نظر آید. رشد این حیوان بسیار مطلوب است به گونه ای که نر های اخته شده ی پروراری تا وزن ۱۰۰ کیلوگرم می رسند. بز های ماده ی بوئر در طول سال فحل می شوند، لذا تنظیم برنامه برای سه زایش در دو سال بسیار آسان خواهد بود. در برخی از مزارع دامپروی سالیانه از هر بز به طور میانگین ۳/۶ بزغاله به دست می آورند. افزایش وزن روزانه ی بزغاله ها در دوره ی پرورابندی به ۲۳۰ تا ۲۷۰ گرم می رسد. راندمان غذایی این بز ها در دوره ی پرورار نسبتاً خوب می باشد. لاشه ی این بز ها کیفیت مرغوبی دارد.

توده های بز بومی استان بوشهر^۱

تاریخچه

با توجه به شرایط اقلیمی استان بوشهر و نوع مراتع کوهستانی مشجر و بافت شوره زار خاک حاشیه ی ساحلی خلیج فارس، از گذشته تا کنون این منطقه محل نگه داری و پرورش بز بوده است. در این استان دو تیپ بز با پوشش موئی سیاه و کم مو وجود دارند. خانوار های روستایی این استان که اکثراً پرورش دهنده ی بز هستند، در حدود ۵۴۶۶ خانوار می باشند که به طور متوسط هر خانوار ۱۶ راس بز و بزغاله نگه داری می کند. بر اساس برآورد های موجود ۹۲۰۴/۱۷ تن گوشت و ۳۲۳۴۷/۹ تن شیر با ارزش ۱۴۵ میلیارد ریال از بز های استان بوشهر حاصل می شود که علاوه بر مصرف خانوار به بازار فروش استان نیز عرضه می شود.

الف) بز های سیاه مویی

خصوصیات ظاهری

حدود ۸۰ درصد بز های استان بوشهر را بز های سیاه مویی تشکیل می دهند. ۹۴/۷۴ درصد از بز های ماده و ۹۶/۳۴ درصد از بز های نر شاخ دار هستند. رنگ عمومی این بز ها اغلب سیاه است.



میانگین ارتفاع جدوگاه در بز نر بالغ ۷۳/۹۴ سانتی متر و در بز ماده‌ی بالغ ۶۷/۴۴ سانتی متر می باشد.

خصوصیات تولیدی

مقدار تولید شیر در یک دوره‌ی شیردهی حدود ۵۴ تا ۷۲ کیلوگرم است.

ب) بز های کم مو

خصوصیات ظاهری

بز کم مو یکی دیگر از بز های استان بوشهر است. در این بز پوشش مویی، سیاه و کوتاه بوده و رنگ عمومی بدن آن ها اغلب الوان و متنوع می باشد. ۶۸/۲ درصد از بز های ماده و ۸۰ درصد از بز های نر شاخ دار هستند.

میانگین ارتفاع جدوگاه در بز نر بالغ ۷۱/۶ سانتی متر و در بز ماده‌ی بالغ ۶۷/۶۲ سانتی متر است.

خصوصیات تولیدی

مقدار تولید شیر در یک دوره‌ی شیر دهی حدود ۹۰ تا ۱۲۰ کیلوگرم می باشد.

نژاد خلخالی^۱



تاریخچه و پراکنش

بز یکی از مهم ترین حیوانات اهلی منطقه‌ی آذربایجان بوده و در هر روستایی، گله های متعددی از آن دیده می شود. بز خلخالی از شاخص ترین نژاد های بز منطقه است که از سالیان بسیار دور در میان گله ها به چشم می خورد. به علت هزینه‌ی نگه داری نسبتاً کم و سازگاری با شرایط اقلیمی منطقه، نگه داری و پرورش این بز به صورت یک سنت در اکثر نقاط این منطقه انجام می گیرد. پرورش این دام از لحاظ اقتصادی اهمیت زیادی برای روستاییان و عشایر دارد. این بز بخشی از پروتئین مورد نیاز مردم را تامین می کند.

خصوصیات ظاهری

رنگ عمومی این بز ها سیاه و در مواردی روشن بوده، پوشش موئی بدن آن ها بلند و ضخیم و گوش ها پهن و کوتاه است.
ارتفاع جدوگاه ۶۳ تا ۷۴ سانتی متر و طول بدن ۵۲ تا ۶۴ سانتی متر می باشد.

خصوصیات تولیدی

مقدار کل تولید شیر در یک دوره‌ی شیردهی ۱۲۰ تا ۱۵۰ کیلوگرم، میانگین وزن زنده‌ی بز نر بالغ ۴۰ تا ۵۴ کیلوگرم و میانگین وزن زنده‌ی بز ماده‌ی بالغ ۳۰ تا ۴۱ کیلوگرم است.

نژاد لری^۱



پراکنش

پراکنش این بز در استان فارس در منطقه‌ی جاوید، دشمن زیاری و پشت کوه رستم می باشد.
نحوه‌ی نگه داری این نژاد عمدتاً به صورت روستایی است.
ارتفاع جدوگاه در بز نر بالغ ۷۵ سانتی متر و ارتفاع جدوگاه در بز ماده‌ی بالغ ۵۹ سانتی متر است.

خصوصیات تولیدی

میانگین شیر تولیدی در یک دوره‌ی شیردهی ۴۰ کیلوگرم، طول مدت شیردهی در یک دوره‌ی ۵ تا ۶ ماه، وزن زنده در بز نر بالغ ۴۵ تا ۴۷ کیلوگرم و وزن زنده در بز ماده‌ی بالغ ۳۰ تا ۳۳ کیلوگرم می باشد.

نژاد مرغز^۱



تاریخچه و پراکنش

بز مرغز یکی از بز های کرکی ایران است که در منطقه‌ی شمال غربی استان کردستان پرورش داده می شود. آثار حکاکی بز به همراه گوسفند در غار شانه دری کردستان عراق که مربوط به بیش از ۸۰۰۰ سال قبل از میلاد است، حکایت از سابقه‌ی دیرینه‌ی پرورش این دام در کردستان دارد.

در منطقه‌ی کردستان به بز مرغز، بز مرز می گویند که معادل فارسی آن کرک نرم و لطیف است. در خصوص منشاء بز مرغز اختلاف نظر های زیادی وجود دارد. عده ای آن را زیر نژادی از بز آنقوره‌ی ترکیه می دانند که در اثر تلاقی با بز های بومی آذربایجان و کردستان و انتخاب طبیعی به شکل کنونی درآمده است. عده ای نیز بر این باور هستند که

1- Morghoz

منشاء بز آنقوره‌ی ترکیه از بز مرغز ایران می باشد که به ایستگاه های تحقیقاتی برده شده و با اجرای برنامه های اصلاحی نژادی به بز آنقوره تبدیل شده است و نام آن از شهر آنکارا اقتباس و به تدریج به آنقوره مبدل شده است. لازم به ذکر است که روستایی در منطقه‌ی سقز کردستان به نام مرخز وجود دارد که عده ای این روستا را موطن اصلی بز مرغز می دانند. بز مرغز، دامی سه منظوره یعنی گوشت، الیاف نرم و ظریف (معروف به موهر) و شیر است. گوشت آن از نظر کیفی ترد، نرم با طعم و بوی مطبوع و نیز کم چرب است و در منطقه‌ی آرموده در بانه طرفداران زیادی دارد که آن را به سایر گوشت ها ترجیح می دهند. از شیر آن ماست، کره و پنیر کوزه ای ویژه ای درست می کنند که خوراک روزمره‌ی ساکنان می باشد. چون اکثر آن منطقه صعب العبور است، در نتیجه بز مرغز ماده همچون گاو کوچک خانوار ها می باشد که سالانه در حدود ۵ تا ۶ ماه از شیر آن استفاده می شود.

پس از تبدیل الیاف به نخ و سپس به پارچه توسط دستگاه های نساجی سنتی به نام جولائی، لباس های محلی به نام جوخه و رانک (شلوار و قبا) تهیه می کنند. همچنین الیاف آن جهت بافت شال، ساق بند، جوراب، ژاکت، پشه بند، جا نماز، عبا، پستک (پوشش نم مانند که برای محافظت در مقابل سرما بی نظیر است) و غیره کاربرد دارد. به واسطه‌ی وجود بز مرغز، منطقه از نظر تامین البسه، گوشت و شیر کاملاً خود کفا می باشد و اگر زمانی بز مرغز در منطقه از بین برود، مردم روستا ها و کوخ ها (محل تجمع یک، دو یا سه خانوار در منطقه) به شهر ها سرازیر خواهند شد.

با افزایش تولید الیاف می توان آن را به عنوان یک کالای غیر نفتی ارز آور به خارج از کشور صادر و مازاد آن را در کارخانجات تولیدی کوچک جهت تبدیل به نخ و پارچه و تهیه‌ی سایر فرآورده ها مورد استفاده قرار داد و اشتغال زایی بیشتری را ایجاد نمود. ارزش اقتصادی بز مرغز بر اساس کیفیت و رنگ موهر تولیدی است. موهر تولیدی این گوسفند بر اساس آخرین قیمت موجود تا ۱۲ دلار به ازای هر کیلوگرم خریداری شده است.

جمعیت

هم اکنون تعداد این توده در کردستان تقریباً حدود ۱۸۰۰۰ راس و در مناطق کرد نشین استان آذربایجان غربی در حدود ۵۰۰۰ راس می باشد. با در نظر گرفتن بز های ننگه داری



شده در ایستگاه های تحقیقاتی سقز، کرمانشاه و سنندج، شمار این دام در ایران بالغ بر ۲۴۰۰۰ راس می باشد.

خصوصیات ظاهری

رنگ الیاف پوششی این بز شامل قهوه ای روشن تا تیره، سفید، سیاه و شکلاتی می باشد. از آنجایی که رنگ قهوه ای نیاز به رنگرزی مجدد ندارد، محبوبیت زیادی دارد و بیشتر در تهیه ی لباس های محلی استفاده می شود، ولی رنگ سفید در صنعت ارجحیت دارد، زیرا رنگ پذیر است.

این بز چابک و زرنگ با جنه ای کوچک، سر مثلثی شکل و متوسط، حلقه ی چشم برجسته و چشم به رنگ های مختلف می باشد. پوزه باریک، گوش ها صاف و صورت بدون کرک با کمی پوشش در قسمت پیشانی است. شاخ در بز نر ضخیم و پیچیده است، در حالی که شاخ در بز ماده، باریک با پیچش ملایم می باشد. گردن کوتاه و پوشیده از کرک، تمام سطح بدن، اندام های حرکتی و زیر شکم پوشیده از الیاف پوششی، سینه کم عمق، پشت تقریباً صاف و اندام های حرکتی باریک و کوتاه می باشد.

طول بدن در نر ها ۴۶/۱ سانتی متر و در ماده ها ۴۹/۶ سانتی متر و ارتفاع جدوگاه در نر ها ۶۴/۶ سانتی متر و در ماده ها ۶۱ سانتی متر می باشد.

خصوصیات تولیدی

طول دوره‌ی شیر دهی ۱۹۶ روز، میانگین تولید شیر در هر دوره‌ی شیر دهی ۱۵۰ لیتر، میزان چربی شیر ۴ تا ۵ درصد و میزان پروتئین شیر ۴ تا ۵ درصد می باشد.
متوسط تولید کرک سالیانه‌ی بز نر بالغ ۶۰۰ گرم، متوسط تولید کرک سالیانه‌ی بز ماده‌ی بالغ ۵۰۰ گرم، درصد الیاف حقیقی ۹۶/۲۰ درصد، قطر الیاف ۳۰ میکرون و راندمان ۷۸ درصد است.

خصوصیات تولید مثلی

سن در اولین زایش ۲۳ ماه، طول دوره‌ی آبستنی ۱۴۷ تا ۱۵۱ روز، باروری ۹۷/۶ درصد، دوقلو زایی ۳۲ درصد، سه قلو زایی ۱/۴ درصد، چند قلو زایی ۳۳/۳ درصد و بزغاله زایی ۱۴۲/۵ درصد است.

نژاد مورسیا-گرانادا^۱



تاریخچه و پراکنش

بز مورسیا-گرانادا یک نژاد بومی است که منشاء آن جنوب شرقی اسپانیا (مورسیا، آلمریا، گرانادا و آلی کانتیه) است. این نژاد چند سال پیش به آرژانتین، برزیل، مکزیک، آفریقای

1- Murcia- Granada

شمالی و ونزوئلا صادر شده است. این بز ها در اسپانیا به دلیل سادگی، سخت کوشی و شیر عالی مورد توجه قرار گرفته اند.

خصوصیات

مورسیا-گرانادا جنه‌ی متوسطی دارد. وزن زنده‌ی ماده ها ۳۰ تا ۵۰ کیلوگرم و وزن زنده‌ی نر ها ۵۰ تا ۶۰ کیلوگرم است. پوست و موی این بز به رنگ سیاه تا قهوه ای است. ماده ها مویی کوتاه و باریک دارند اما موی بز های نر بلند تر است. بز های نر معمولاً قوی تر هستند و دارای شاخ می باشند. گوش ها متوسط و راست هستند و دنبه کوتاه است. این حیوان اهلی با سرزمین های نیمه بیابانی گرم و خشک جنوب شرقی اسپانیا سازگاری دارد و بزرگ ترین تولید کننده در این شرایط آب و هوایی است، زیرا توانایی تولید شیر بالایی را در شرایط آب و هوایی نامطلوب دارد.

گله های مورسیا-گرانادا در زمین های سخت چرا می کنند و قدرت تبدیل خوبی دارند. این نژاد تقریباً در ۲۸۰ روز شیردهی، ۵۰۰ کیلوگرم شیر با ۵/۳ درصد چربی و ۳/۴ درصد پروتئین، تولید می کند و از این نظر از سایر نژاد های نواحی مدیترانه بهتر می باشد. در حال حاضر تعداد این بز ها در جنوب شرقی اسپانیا حدود ۴۰۰ هزار راس است که ۱۵۰ هزار راس از آن ها در منطقه‌ی مورسیا پراکنده هستند.

نژاد نجدی^۱

تاریخچه و پراکنش

این بز از قرون گذشته در منطقه‌ی خوزستان وجود داشته و عقیده بر این است که از منطقه‌ی نجد عربستان به خوزستان آورده شده است. برخی دیگر عقیده دارند که ناحیه‌ی نجد بسیار وسیع بوده و در زمان های بسیار دور منطقه‌ی خوزستان قسمتی از ناحیه‌ی نجد بوده و به همین دلیل نام این بز نجدی می باشد.



بز نجدی یک دام شیری محسوب می شود و تولید گوشت آن نیز مهم است. اصولاً یک دام خانگی است و یکی از منابع مهم تامین شیر، گوشت و درآمد خانوار ها به حساب می آید. از سوی دیگر با توجه به این که گیاهان رویشی منطقه‌ی خوزستان اغلب از مواد خشبی و سلولزی تشکیل شده اند و این دام نیز قابلیت خوبی در استفاده از این مواد دارد، پرورش این دام در استان خوزستان دارای اهمیت خاصی می باشد.

جمعیت

جمعیت فعلی بز های استان خوزستان ۱/۷۵۳/۶۵۹ راس است که به روش متمرکز و غیر متمرکز پرورش داده می شود. از جمعیت بز های نجدی اطلاعات دقیقی در دست نیست. غالباً این نژاد با نژاد های خارجی (عموماً بز های پاکستانی) آمیخته شده و در نتیجه این نژاد در حال نابودی و انقراض است.

خصوصیات ظاهری

این بز دارای اندام های حرکتی باریک و بلند و پوست نرم و براق با پوشش کوتاه، نرم و لطیف می باشد. رنگ عمومی بدن، قهوه ای تیره و در مواردی از زرد آهویی تا یک دست



سفید متغیر است. گوش ها پهن و افتاده، نیم رخ سر صاف و باریک، دارای خط سیاه پشتی از پس سر تا نوک دم و دارای دو منگوله در زیر گردن است. در گله های موجود حدود ۵۷ درصد ماده ها و ۵۴ درصد نر ها شاخ دار هستند.

خصوصیات تولیدی

میانگین طول دوره ی شیر دهی $14/82 \pm 198/11$ روز و میانگین مقدار تولید شیر در یک دوره ی شیر دهی $0/715 \pm 160/4$ کیلوگرم می باشد.
میانگین وزن بزغاله ی نر در هنگام تولد $3/065 \pm 0/126$ کیلوگرم، میانگین وزن بزغاله ی ماده در هنگام تولد $2/775 \pm 0/197$ کیلوگرم و میانگین وزن از شیرگیری بزغاله ی نر $12/037 \pm 0/800$ کیلوگرم است.
چربی شیر $4/014$ درصد، پروتئین شیر $3/6$ درصد و مواد جامد شیر $14/85$ درصد می باشد.

خصوصیات تولید مثلی

میانگین طول دوره ی آبستنی حدود ۱۵۱ روز می باشد و دو قلو زایی در حدود ۴۶ درصد است که در حد نسبتاً بالایی قرار دارد.

نژاد نائینی^۱**تاریخچه**

این بز به عنوان بز غالب و بومی منطقه شناخته شده و از نژاد های دو منظوره‌ی شیری و کرکی به شمار می آید.

خصوصیات ظاهری

رنگ عمومی بدن در این بز سیاه می باشد. قسمت فوقانی سر و اطراف پوزه تا ناحیه‌ی گوش های این حیوان نوار سفید یا خرمایی رنگی وجود دارد که این رنگ در زیر شکم بین کشاله‌ی ران نیز دیده می شود. رنگ کرک، خاکستری تیره و گاهی روشن است.

خصوصیات تولیدی

میانگین مقدار شیر تولیدی در یک دوره‌ی شیر دهی ۶۰ تا ۷۰ لیتر، وزن زنده‌ی بز نر بالغ ۳۰ تا ۳۵ کیلوگرم و وزن زنده‌ی بز ماده‌ی بالغ ۲۵ تا ۳۰ کیلوگرم می باشد.

نژاد کرکی رائینی^۱



تاریخچه و پراکنش

بز کرکی رائینی از دوران گذشته در عشایر رائین در کرمان وجود داشته و به عنوان یک نژاد محسوب می شود. بیشترین بز کرکی در شهرستان بافت وجود دارد. کرک تولیدی این دام اهمیت زیادی برای دامداران داشته و معمولاً در پایان هر سال و اوایل بهار کرک آن ها چیده شده و به فروش می رسد. از شیر این بز در تهیهی کشک استفاده می شود که در استان کرمان مصرف زیادی دارد. این فرآورده ها به عنوان فرآورده های فرعی دام محسوب شده و بخشی از هزینه های دامداران را تامین می کند.

خصوصیات ظاهری

رنگ عمومی بدن سفید بوده و سطح بدن پوشیده از کرک و مو می باشد. رنگ های سفید، قهوه ای، سیاه و ترکیبی از رنگ های فوق به صورت ابلق و یا ابرش نیز دیده می شود. اکثر این بز ها شاخ دارند، به طوری که در بز های ماده شاخ ظریف و باریک و در بز های نر شاخ



ضخیم و تا حدودی پیچیده است. گردن در این بز ها نسبتاً کوتاه تا متوسط و پوشیده از کرک و مو می باشد.

کرک این دام از نظر ظرافت در دنیا اهمیت زیادی دارد. در زمان کرک دهی، کرک ناحیه‌ی گردن زود تر از نواحی دیگر بدن شروع به ریزش می کند. بدن از کرک و مو به نسبت ۳۰ به ۷۰ پوشیده شده است. اندازه‌ی گوش ها متوسط، شاخ ها کمی خمیده و طول الیاف کرکی بدن حدود ۲۳ تا ۳۰ سانتی متر است. پستان در این بز قیفی شکل، نرم و اسفنجی است. دم پوشیده از مو بوده و علاوه بر رنگ سفید عمومی بدن، رنگ های نقره ای و یا ترکیبی از رنگ های سیاه با قهوه ای و غیره نیز وجود دارد. میانگین ارتفاع جدوگاه در بز نر $4/41 \pm 63/76$ سانتی متر و میانگین ارتفاع جدوگاه در بز ماده $4/8 \pm 60/46$ سانتی متر است.

خصوصیات تولیدی

مقدار شیر تولیدی روزانه به روش نگه داری متمرکز ۳۵۰ گرم و طول دوره‌ی شیر دهی به روش نگه داری متمرکز ۴ تا ۵ ماه است.

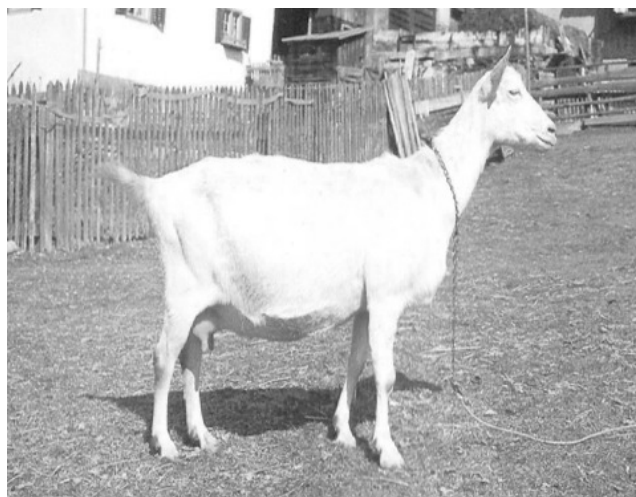
میانگین وزن زنده‌ی بز نر بالغ ۳۵ کیلوگرم، میانگین وزن زنده‌ی بز ماده بالغ ۳۰ کیلوگرم، میانگین وزن لاشه ۱۲ کیلوگرم و راندمان لاشه ۴۰ درصد می باشد.

میزان کرک تولیدی سالیانه در بز نر بالغ ۸۰۰ تا ۱۰۰۰ گرم و در بز ماده‌ی بالغ ۲۵۰ تا ۳۰۰ گرم است.

خصوصیات تولید مثلی

بزغاله زایی ۷۸ درصد، دو قلو زایی ۲ تا ۴ درصد و سن در هنگام اولین جفت گیری ۱۵ تا ۱۸ ماهگی می باشد.

نژاد سانن^۱



تاریخچه

این نژاد یکی از نژاد های معروف شیری جهان می باشد. این بز ها در سوئیس پرورش یافته و دارای بدنی با پوشش کاملاً سفید رنگ هستند. یکی از نژاد های تولید کننده‌ی شیر بوده، قابلیت تطابق با شرایط مختلف آب و هوایی و درصد باروری بالایی دارد، و به علت دارا بودن این ویژگی ها به نقاط مختلف دنیا برده شده است. در کشور های مختلف بز های سانن را هم به صورت گله های خالص و هم به صورت آمیخته‌ی بز های بومی مورد استفاده قرار می دهند.

1- Saanen

خصوصیات

بز های سانن دارای ویژگی های مشترک بز های شیری می باشند. در مراتع خوب قابلیت چرا داشته و در مزارع بسته نیز قابل پرورش هستند. میزان شیر تولیدی در دوره ی ۲۸۰ روزه ی شیردهی به ۷۰۰ کیلوگرم می رسد. نژاد های رکورد دار در آمریکا در یک سال بیش از ۲ هزار کیلوگرم شیر تولید کرده اند. وزن بز های ماده در حدود ۵۰ کیلوگرم و وزن نرها ۶۰ تا ۶۵ کیلوگرم است.

نژاد سن کلمنته^۱



تاریخچه

جزیره ی سن کلمنته در کالیفرنیا ی جنوبی قرار گرفته است. این جزیره متعلق به ایالات متحده بوده و توسط نیروی دریایی ایالات متحده مورد استفاده قرار می گیرد. در سال ۱۹۴۳ میلادی نیروی دریایی ایالات متحده مسئولیت جزیره را بر عهده گرفت.

1- San Clemente

سال ۱۹۷۲ میلادی پس از یک بررسی متوجه شدند که ۱۱ هزار بز در جزیره وجود دارد. پس از آن، آن ها عملاً همه ی بز ها را از جزیره جمع آوری کردند و به اطراف کشور بردند.

خصوصیات

بز های سن کلمنته کوچک می باشند. آن ها نژاد گوشتی خوبی هستند اما گاهی استخوانی شبیه گوزن دارند. هر دو جنس شاخ دار بوده و اکثراً قرمز یا زرد راه راه با لکه های سیاه هستند.

بز های بومی استان سیستان و بلوچستان^۱



تاریخچه

بز های استان سیستان و بلوچستان مانند دام های مناطق دیگر کشور در سال های متمادی با توجه به شرایط آب و هوایی استان سازگاری پیدا کرده و بومی این استان شده اند، ولی تاریخچه ی دقیقی از چگونگی پرورش و پیدایش آن ها موجود نیست.

1- Sistan & Baluchestan

برابر آمار های موجود، در این استان سالانه حدود ۳۰۰ تا ۳۵۰ هزار راس بز مازاد جهت فروش یا قابل عرضه به کشتار ها وجود دارد. با توجه به این که متوسط وزن لاشه‌ی ۱۱ کیلوگرم برای هر بز، رقمی در حدود ۳/۳۰۰ تن گوشت قرمز، ۳۰۰/۰۰۰ جلد پوست و مقدار قابل توجهی از تولیدات فرعی دیگر موید نقش مهم دام های فوق در اقتصاد جامعه و خانوار های عشایری و روستایی است.

الف) بز بومی سیستانی



این بز دارای جثه‌ی بزرگی است و به استعداد ژنتیکی و نیز وجود شرایط مناسب محیطی (همچون استفاده از مراتع اطراف دریاچه‌ی هامون، آب و هوای منطقه و همچنین شرایط نسبتاً مناسب بهداشتی) توان بالایی در تولید شیر دارد و فرآورده های متنوعی را برای صاحب گله فراهم می سازد.

رنگ عمومی این نژاد معمولاً سیاه، قهوه ای و سفید بوده و رنگ های دیگر کمتر دیده می شود. رشد مو در بز سیستانی زیاد است. در زیر گلو دسته مویی به عنوان ریش و در بالای پیشانی دسته مویی به نام کاکل وجود دارد. نیم رخ سر در بز بومی سیستانی صاف و

مستقیم، ستون فقرات راست و اندام های حرکتی پوشیده از مو است. بز های ماده بدون شاخ و نرها معمولاً شاخ دارند.

خصوصیات تولیدی

متوسط تولید شیر روزانه ۱/۵ کیلوگرم، متوسط وزن بز نر بالغ ۳۵ تا ۴۰ کیلوگرم، متوسط وزن بز ماده‌ی بالغ ۲۵ تا ۳۰ کیلوگرم و میزان تولید کرک و موی سالیانه ۰/۵ تا ۱ کیلوگرم می باشد.

ب) بز بومی سراوان

این بز در مناطقی مانند سراوان، خاش، دشتیاری، چابهار و نواحی کم علوفه‌ی این استان که گوسفند کم تر قادر به زیست است پرورش داده می شود. از لحاظ مقاومت نسبت به عوامل نامناسب آب و هوایی، کمبود علوفه و بی آبی معروف است. جثه‌ی آن کوچک، رنگ عمومی آن قهوه ای یا سیاه است. بز های بومی سراوان اغلب دارای شاخ می باشند.

خصوصیات تولیدی

میانگین تولید شیر روزانه ۱ تا ۱/۵ کیلوگرم، متوسط وزن بز نر بالغ ۳۰ تا ۳۵ کیلوگرم، متوسط وزن بز ماده‌ی بالغ ۲۵ تا ۳۰ کیلوگرم و میزان تولید کرک و موی سالیانه ۰/۵ تا ۱ کیلوگرم است.

ج) بز بیتال پاکستانی

این نژاد از بلوچستان پاکستان به این منطقه وارد شده است و طی دهه های اخیر با شرایط آب و هوایی این استان سازگاری پیدا کرده و بومی منطقه شده است. این بز به دلیل تولید شیر زیاد و چند قلو زایی مورد توجه دامداران قرار گرفته است.



خصوصیات ظاهری

این نژاد دارای بدنی کشیده، دست و پای بلند و گوش فوق العاده طویل و افتاده است. پوشش موی سطح بدن کوتاه و به رنگ های مختلفی نظیر قهوه ای تیره و روشن، سفید و ترکیبی از رنگ های دیگر دیده می شود.

خصوصیات تولیدی

میانگین تولید شیر روزانه ۲ تا ۴ کیلوگرم، وزن زنده در بز نر بالغ ۶۰ تا ۷۰ کیلوگرم و وزن زنده در بز ماده ی بالغ ۵ کیلوگرم می باشد.

خصوصیات تولید مثلی

درصد چند قلو زایی در این بز بالا است.

نژاد اسپانیایی^۱

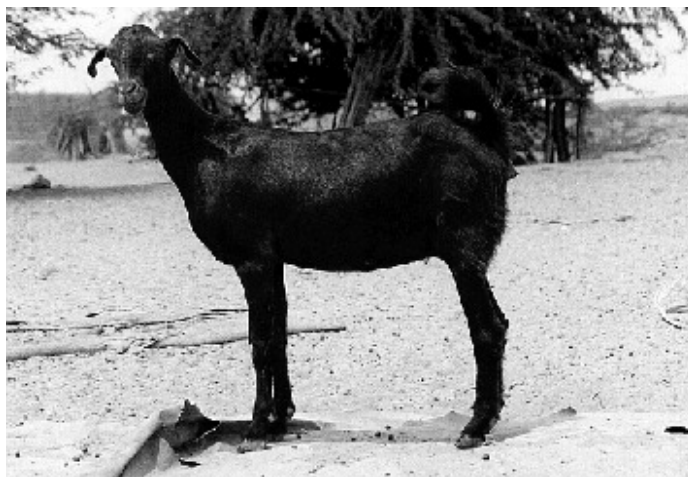


© 1997 Oklahoma State University

تاریخچه و خصوصیات

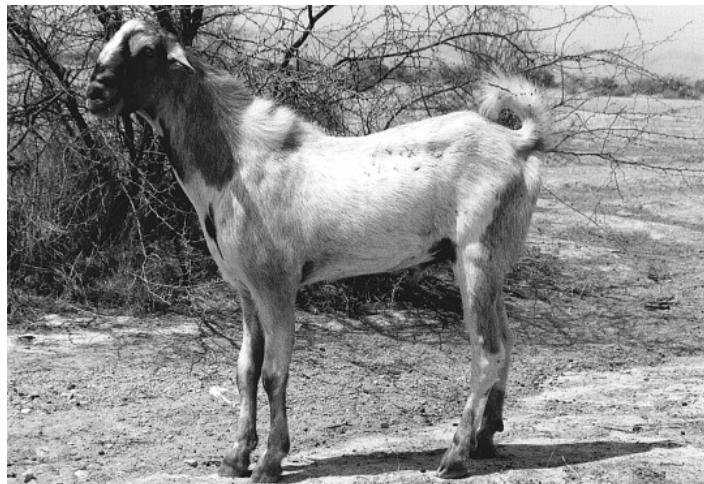
بز های زیادی در کشتی های بادبانی اروپایی اولیه دیده می شدند. آن ها به خاطر کوچک بودنشان محبوبیت زیادی داشتند زیرا کمتر از حد انتظار می خوردند و تولید خوبی داشتند. وقتی کاشفان اسپانیایی به آمریکا وارد شدند بز ها را به عنوان منابع گوشتی به همراه خود آوردند. تعدادی از این بز ها فرار کردند یا بعد از کشف منابع گوشتی جایگزین، رها شدند. در سال ۱۵۴۰ میلادی اولین جایگزینی در اوکلاهاما و نگزاس رخ داد. در بین اقوام وحشی آن زمان علاقه ی زیادی به گوسفندان کوچک جثه و چابک بود. داشتن پستان های کوچک مطلوب بود زیرا پستان های بزرگ ممکن بود با کاکتوس، خار، صخره یا موانع دیگر پاره شود.

مقدار چربی موجود در گوشت این بز ها به طور قابل توجهی کمتر از نژاد های گوشتی مطرح است.

نژاد تالی^۱

این توده حدود ۴۰۰ سال پیش توسط ملوانان از عدن وارد استان هرمزگان شده و توانسته است با شرایط موجود در این منطقه سازگاری یافته و به صورت دام بومی منطقه در آید و در حال حاضر یکی از توده های غالب بز در سواحل خلیج فارس و دریای عمان می باشد. بز های تالی در نقاط مختلف این استان به نام های تالی جزیره ای، بز ساحلی و بز عدنی نیز نامیده می شوند.

بز تالی یکی از دام های مقاوم استان هرمزگان می باشد که با شرایط آب و هوایی گرم و مرطوب این نواحی سازگار شده است. این بز همچنین قادر به راه پیمایی طولانی بوده و به همین سبب در بیشتر نواحی استان مانند بندر لنگه، بندر خمیر و جزایر مربوطه، گله های بز در طول سال در مراتع اطراف به چرا می روند و تنها در موارد نادر تغذیه دستی می شوند. در نواحی دیگر استان مانند بندر عباس و میناب علاوه بر چرا در مراتع و پس چر مزارع، با استفاده از علوفه های باغی و ضایعات خرما تغذیه دستی می شوند.



خصوصیات ظاهری

رنگ عمومی بدن این دام قهوه ای سوخته تا روشن می باشد. دارای گوش های کوچک و اندام های حرکتی ظریف و پوشش بدن بسیار کوتاه و براق بوده و غالباً فاقد شاخ است.

خصوصیات تولیدی

میانگین مقدار تولید شیر روزانه ۸۰۰ گرم و میانگین طول دوره‌ی شیر دهی ۱۲۰ روز است. وزن بزغاله‌ی نر در هنگام تولد ۲/۵ تا ۳ کیلوگرم، وزن بزغاله‌ی ماده در هنگام تولد ۲ تا ۲/۵ کیلوگرم، وزن بزغاله‌ی نر در هنگام از شیر گیری ۱۰ تا ۱۲ کیلوگرم، وزن بز نر بالغ ۳۵ تا ۴۰ کیلوگرم و وزن بز ماده‌ی بالغ ۲۵ تا ۳۰ کیلوگرم می باشد.

خصوصیات تولید مثلی

غالباً فصل زایش بز های تالی در اواخر تابستان، اواخر پائیز و اوایل زمستان است. دارای درصد دو قلو زایی نسبتاً بالایی بوده و احتمالاً دو قلو زایی بیش از تک قلو زایی می باشد. صفت دو بار زایش در سال از خصوصیات بز های توده‌ی تالی است و معمولاً اولین زایش در سن ۱۵ ماهگی انجام می گیرد. در این نژاد باروری ۷۶/۵ درصد، بزغاله زایی ۱۱۴/۵ درصد و دو قلو زایی ۲۵ تا ۳۰ درصد می باشد.

نژاد توگن برگ^۱

تاریخچه و خصوصیات

این نژاد نیز از نژاد های سوئیسی به وجود آمده است. موی آن ها کوتاه تا متوسط، نرم و صاف است. رنگ بدن از قهوه ای تا سیاه و خاکستری تغییر می کند. در صورت این بز ها دو نوار رنگی روشن به چشم می خورد. دارای گوش های سفید با لکه های سیاه می باشند و اندام های حرکتی آن ها سفید است. این نژاد صفات ظاهری بز های شیری را دارا می باشد. وزن زنده ی بز های ماده ۴۵ تا ۵۰ کیلوگرم و وزن زنده ی نرها ۶۰ تا ۶۵ کیلوگرم است. بز های توگن برگ نیز با شرایط آب و هوایی مختلف تطابق نشان می دهند ولی برای تولید حداکثر شیر توجه به تغذیه و بهداشت آن ها ضروری خواهد بود. برای اصلاح نژاد بز های بومی در کشور های مختلف در برنامه های آمیخته گری از این نژاد استفاده شده است. طول دوره ی شیرواری ۲۷۰ روز و میانگین تولید در این دوره ۶۵۰ تا ۷۰۰ کیلوگرم است.

نژاد ترکی^۱



تاریخچه

این بز به طوایف ایل قشقایی منتسب می باشد و اغلب توسط تیره های ایمانلو از طایفه‌ی دره شوری و تیره‌ی کهبا از طایفه‌ی کشکویی کوچک، نگه داری و پرورش می یابد.

خصوصیات تولیدی

مقدار تولید شیر در یک دوره‌ی شیردهی ۳۶ تا ۴۰ کیلوگرم، طول دوره‌ی شیردهی ۶ ماه، وزن زنده‌ی بز نر بالغ ۵۰ تا ۵۵ کیلوگرم و وزن زنده‌ی بز ماده‌ی بالغ ۳۲ تا ۳۵ کیلوگرم گزارش شده است.

نژاد ازبک بلک^۱



© 1997 Oklahoma State University

تاریخچه و پراکنش

بز های سیاه پشم، در ازبکستان به صورت دو منظوره و با فرم بندی بز های جدید موهر تولید شدند. آمیزش نسل اول و دوم بز های سفید دو رگه با بز های نر خالص و سفید آنقوره منجر به تولید ۱ تا ۲ درصد بزغاله های سیاه شد. بعد از چهار تا پنج سال چند صد بز سیاه پشم وجود داشت که آن ها را در یک گله جمع کردند و ماده ها را فقط با نر های سیاه آمیزش دادند. حاصل این جفت گیری در سال اول ۶۴ درصد و در سال دوم ۷۴ درصد بزغاله های سیاه بود. بقیه ی بزغاله ها سفید، خاکستری و به رنگ های دیگر بودند. بعد ها در اثر این آمیزش ها ۹۴ درصد بزغاله ها سیاه شدند.

خصوصیات

بز های سیاه از بعضی جهات مثلاً از نظر پشم، خصوصیات فیزیکی پشم و تولید مثل شبیه بز های نژاد دن بودند. پشم آن ها در بهار چیده نمی شد و به صورت عمده با شروع روز های

1- Uzbek Black

گرم بهاری (وقتی که گله به چراگاه می رفت) چیده می شد. محصول متوسط پشم در مزارع بین ۲۸۰ تا ۴۴۰ گرم در هر راس می باشد. اگرچه طول و مرغوبیت پشم بستگی به کیفیت و سطح پرورش دارد، مقدار پشم حاصله با شانه کردن و قشو کردن الیاف در وقت مناسب تعیین می شود. قطر الیاف پشم بین ۱۵ تا ۲۴ میکرون و در ماده ها ۱۴ تا ۱۲ میکرون است. در جوان ها پشم ۱ تا ۲ میکرون بهتر از بالغ هاست.

نژاد وایت شور ت هر^۱



تاریخچه و پراکنش

این نژاد در سال ۱۹۰۰ میلادی از آمیزش بز های نر سوئیسی سانن تولید شده است. این بز در سال های ۱۹۴۵ تا ۱۹۵۵ میلادی به عنوان یک نژاد شناخته شد و امروزه در سراسر جمهوری چک یافت می شود.

1- White shorthaired goat (WSG)

خصوصیات

این نژاد در ظاهر شبیه نژاد سانن است. بدن آن ها رنگ سفید خالص و موهای کوتاهی دارد. بعضی از گونه ها، شاخصه‌ی نژاد سانن یعنی وجود نقطه های سیاه روی پوست بینی، پلک و پستان را حفظ کرده اند. این بز ها اغلب بی شاخ هستند (۷۵ تا ۸۰ درصد) که از طریق انتخاب سیستماتیک می توان شاخ آن ها را از بین برد. ظاهر آن ها مانند بز های شیری است. این بز ها قوی با استخوان بندی خوب و با جثه ی متوسط هستند. وزن متوسط ماده ها ۵۴ تا ۶۸ کیلو گرم و وزن نر ها ۶۸ تا ۸۶ کیلو گرم است. ارتفاع جدوگاه در ماده ها ۷۲ تا ۸۰ سانتی متر و در نر ها ۷۵ تا ۸۵ سانتی متر است. اولین زایمان بین ۱۲ تا ۱۵ ماهگی می باشد. در طول ۳۰۰ روز شیردهی ۷۷۳ کیلو گرم شیر تولید می کنند. میانگین باروری ۱۹۰ درصد با یک درصد زایمان ۴ قلو است.

توده های بز بومی استان یزد^۱

پرورش بز اکثراً در مناطق کویری و دامنه‌ی کوهستان های استان یزد رایج می باشد. تولیدات مهم بز در این مناطق شیر و بزغاله است. انواع بز های موجود در استان عمدتاً از توده های زیر می باشند.

الف) بز های رباطی

تاریخچه

این بز از گذشته در استان یزد موجود بوده و با آب و هوای کویری این استان سازگار شده است. پرورش بز اکثراً در مناطق کویری و دامنه های کوهستانی استان یزد از گذشته تا کنون معمول بوده است. اهداف مهم پرورش بز در این استان تولید شیر و گوشت می باشد، ولی از نظر تولید کرک (با وجود این که مقدار کرک تولیدی در این بز کم تر از دیگر بز های استان است) قابل توجه است.

خصوصیات ظاهری

بز های رباطی غالباً سیاه رنگ و نسبتاً درشت جثه تر از دیگر بز های استان یزد می باشند.



خصوصیات تولیدی

مقدار کل شیر تولیدی در یک دوره‌ی شیردهی ۶۰ تا ۷۵ کیلوگرم، وزن زنده‌ی بز نر بالغ ۳۵ تا ۴۰ کیلوگرم و وزن زنده‌ی بز ماده‌ی بالغ ۳۰ تا ۳۵ کیلوگرم است.

خصوصیات تولید مثلی

دوقلو زایی در این بز ها ۲۰ درصد گزارش شده است.

ب) بز های ندوشنی

خصوصیات ظاهری

بزهای ندوشنی، بز های کوچک جثه‌ی مناطق کویری و کوهستانی استان یزد می باشند. رنگ عمومی این بز غالباً قرمز است، ولی رنگ های قرمز خرمایی تا سیر را در پوشش کرکی آن ها می توان مشاهده کرد.



خصوصیات تولیدی

میانگین وزن زنده در بز نر بالغ ۲۵ تا ۳۰ کیلوگرم و میانگین وزن زنده در بز ماده‌ی بالغ ۲۵ تا ۲۸ کیلوگرم است.

خصوصیات تولید مثلی

دوقلو زایی در این بز ها ۲۰ تا ۲۵ درصد گزارش شده است.